
رساله
احکام بانوان


بسم الله الرحمن الرحیم

رساله احکام بانوان

نویسنده:

آیت الله ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله احکام برای بانوان مطابق با فتاوای مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، - ۱۳۰۵

عنوان و نام پدیدآور : رساله احکام برای بانوان مطابق با فتاوای مکارم شیرازی تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی مشخصات نشر : قم مدرسه امام علی بن ابیطالب ع ، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۲۴۸

شابک : ۹۶۴-۶۶۳۲-۸۰-۷ ۵۰۰۰ریال یادداشت : چاپ دوم ۱۳۸۱؛ ۶۰۰۰ ریال یادداشت : چاپ سوم ۱۳۸۱؛ ۶۰۰۰ ریال یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : زنان -- وضع حقوقی و قوانین (فقه

موضوع : زناشویی (فقه

شناسه افزوده : علیان نژادی ابوالقاسم ۱۳۴۳ - ، گردآورنده رده بندی کنگره : BP۱۸۹ /م‌الف ۳ ۷۳۰۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۱۳۳۷۵

اهداء

این اثر را به تمام بانوان محترمه ای که مشمول آیه شریفه ۳۵ سوره احزاب هستند; یعنی در زمره «مسلمات»، «مؤمنات»، «قانتات»، «صادقات»، «صابرات»، «خاشعات»، «متصدّقات»، «صائمات»، «حافظات» و «الذّاکرات» می باشند، یا در این مسیر گام بر می دارند و بدور از تبلیغات سوء دشمنان دین، در صددند که بندگان صالح خداوند باشند، اهداء می کنم.

پیشگفتار

حمد و ستایش بی پایان زیبنده خداوند عادلی است که با تشریع احکام و قوانین عادلانه، هر چیز و هر کس را در جایگاه واقعی خود قرار داد، و صلوات و سلام بی انتها بر خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی(صلی الله علیه وآله) باد که از سوی خداوند متعال مأموریّت یافت آن احکام و قوانین را در کنار سائر معارف دینی، در قالب دین نجات بخش اسلام به مردم عرضه کند. و درود بی حدّ و حصر بر ائمّه دوازده گانه و بانوی بزرگ اسلام «صلوات اللّه علیهم اجمعین» که پاسداران شایسته ای برای دین و مفسّران بایسته ای برای احکام آن بوده و هستند.

متأسّفانه زن در طول تاریخ مورد بی مهری قرار گرفته است؛ هم در گذشته و عصر جاهلیّت قدیم و هم در زمان ما و عصر جاهلیّت مدرن و جدید!

و گاه این بی مهریها در لباس دلسوزی و إحقاق حقوق زن بوده است! آری، هم کسانی که در گذشته «زنان را در ردیف حیوانات اهلی می شمردند و به هنگام قحطی آنان را می کشتند و گوشتشان را می خوردند!» و یا «آنها را به هنگام رسیدن به سنّ ازدواج به عنوان کالا، با بهای متفاوت در معرض فروش می آوردند!» و یا «به هنگام

فوت شوهر، برای رهایی روح او از تنهایی، زنشه را با جسد شوهر می سوزاندند» و یا «او را زنده زنده در گور با او دفن می کردند!»(۱) و در یک کلام، زن را انسان نمی شمردند! و به زن ظلم بی حساب کردند.

صفحه ۱۴

و هم کسانی که در عصر علم و دانش از زن به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف نا مقدّس خویش بهره می برند و آنان را از جایگاه واقعی شان خارج نمودند، آری هیچ کدام مقام زن را نشناختند و به او ظلم و خیانت کردند.

اسلام به عنوان نجات گر انسانها بزرگترین خدمت را به زنان دنیا ارائه نمود و با وضع قوانین و احکام عادلانه مظلومیّت و محرومیّت زنان را پایان داد، و برای آنها حقوقی شایسته شخصیّت حقیقی شان قرار داد و از آنها تکالیفی متناسب با وضع روحی و جسمی آنها طلب کرد.

مسأله مهمّی که مدّعیان «تساوی زن و مرد در همه چیز!» از آن غفلت کرده اند (یا خود را به غفلت زده اند) عدم توجّه به این نکته است که حقوق یک انسان و تکالیف خواسته شده از او، باید متناسب با وضع روحی و جسمانی و قدرت و توان او باشد، در غیر این صورت مصداق ظلم خواهد بود!

بنابراین تفاوتهایی که در برخی احکام اسلام بین زن و مرد دیده می شود با توجّه به این نکته مهمّ کاملا قابل درک و توجیه است و تبعیض بین زنان و مردان محسوب نمی شود.

ما معتقدیم که قرار دادن زن در موقعیّتی که اسلام برای او در نظر گرفته، بهترین خدمتی است که می توان برای

این قشر مظلوم انجام داد و این خدمت جز از راه تبیین احکام و حقوق مربوط به بانوان و تحقّق و پیاده کردن آن عملی نخواهد شد. کتابی که اینک در دسترس شماست عهده دار تبیین احکام مربوط به این دسته از بندگان صالح خداوند است.

امید آن که مردان با ایجاد بستر مناسب، و زنان با عمل کردن بی کم و کاست به

این احکام و قوانین نورانی، تحقّق آن را در جامعه عملی کنند.

۱. مطالب چهار گانه فوق از کتاب رساله نوین، نوشته جناب حجّه الاسلام آقای بی آزار شیرازی گرفته شده است; موارد دیگری نیز در کتاب فوق آمده که علاقمندان می توانند به آن مراجعه کنند.

صفحه ۱۵

در جای جای مسائل این کتاب به ارفاقهایی برخورد می کنیم که در تشریع اسلامی برای زنان در نظر گرفته شده است، تا بارهای سنگین از دوش آنها برداشته شود، و در این شریعت سمحه سهله الهی گرفتار مشکلات نشوند.

کتاب حاضر

هر چند کتابهای متعدّدی به عنوان «احکام بانوان» تاکنون چاپ و منتشر شده است و در جای خود، در خور تقدیر است، امّا غالب این کتابها به تبیین «احکام خونهای سه گانه» و برخی، علاوه بر آن به مسائلی از نماز و ازدواج قناعت نموده اند و تاکنون به کتابی که مشتمل بر تمام احکام اختصاصی بانوان در سراسر فقه باشد برخورد نکرده ایم.

کتاب حاضر، که شامل احکام اختصاصی یا مورد ابتلا و حاجت بانوان در سراسر فقه می باشد، برای پر کردن این خلأ به رشته تحریر در آمده است.

چند تذکّر:

۱ مسائل این مجموعه مطابق با نظریّات و فتاوای مرجع عالیقدر جهان تشیّع، حضرت آیه اللّه

العظمی مکارم شیرازی «مدّظلّه العالی» می باشد که عمدتاً از رساله «توضیح المسائل» و «مجموعه استفتائات جدید، جلد اوّل و دوم» و حواشی معظّم له بر عروه الوثقی و استفتائات شفاهی از محضر ایشان بر گرفته شده است.

۲ این مجموعه نه کاملا مانند رساله های توضیح المسائل می باشد و نه کاملا به شکل کتابهای استفتائات است، بلکه در هر بحث و موضوعی که وارد شده ایم ابتدا مسائل مربوطه، از رساله توضیح المسائل یا عروه الوثقی نقل شده و سپس سؤال و جوابهای مرتبط با همان مسائل ذکر شده است.

۳ در پایان ضمن تقدیر و تشکّر فراوان از تمام عزیزانی که از هنگام شروع به

تهیّه این مجموعه تا مرحله چاپ و نشر آن مرا یاری کرده اند، بویژه جناب حجّه الاسلام احمدی راد، که در مقابله قسمت عمده این کتاب همراهی کردند، از خوانندگان محترم می خواهم که این کتاب را با دقّت مورد مطالعه قرار داده و ما را از پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نسازند و در صورت برخورد با مسائلی که باید در این مجموعه گنجانیده شود و از آن غفلت شده، یادآوری فرمایند تا در چاپهای بعد جبران گردد

صفحه۱۶

پروردگارا! ما را در راه شناخت احکام و قوانین نجات بخش اسلام و سپس عمل به همه آنها موفّق بدار!

آمین یا ربّ العالمین

رَبَّنا تَقَبَّل مِنّا اِنَّکَ اَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمْ

قم حوزه مقدّسه علمیّه

ابوالقاسم علیان نژادی

خرداد ماه ۱۳۸۰، ربیع الاوّل ۱۴۲۲

۱- بلوغ و نشانه های آن

مقدّمه

«بلوغ» به معنای رسیدن به سنّ خاصّی است که انسان در آن سن آمادگی انجام کار مورد نظر را دارد. البتّه «بلوغ» در همه مسائل یکسان نیست; زیرا آمادگی برای هر کاری

در سنّ و سال خاصّی حاصل می شود. بنابراین سنّ بلوغ در مسائل شرعی، با حدّ بلوغ در مسائل اجتماعی، سیاسی یکی نیست، همانگونه که بلوغ جنسی با رسیدن به سنّ تصرّف در مسائل اقتصادی تفاوت دارد.

نتیجه این که هر چیزی «بلوغ» خاصّ خود را دارد و ما نمی توانیم برای همه چیز یک سنّ بلوغ تعیین کنیم.

با توجّه به مقدّمه فوق، به احکام و نشانه های بلوغ دختران توجّه کنید:

مسأله ۱: نشانه بلوغ در دختران یکی از سه چیز است:

الف: تمام شدن نه سال قمری(۱) و وارد شدن به ده سالگی قمری.

ب: بیرون آمدن منی.

ج: روییدن موی درشت بالای عورت.

مسأله ۲: درشت شدن صدا، دلیل بر بلوغ نیست.

پاورقی

۱. نه سال قمری سه ماه و چند روز از نُه سال شمسی کمتر است.

سؤال ۳: لطفاً در مورد بلوغ دختران، به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

الف: سنّ بلوغ دختران از نظر شرعی دقیقاً چه مقدار است؟

ب: آیا برای دختران از حیث بلوغ می توان بین عبادات و عقود و ایقاعات(۱)تفاوتی قائل شد؟ حدود و قصاص در چه سنّی اجرا می شود؟

جواب : سنّ بلوغ دختران نه سال تمام قمری است و اگر سال شمسی را در دست دارند از طریق کامپیوتر براحتی تبدیل به سال قمری می شود؛ ولی چنانچه از نظر نیروی جسمانی، قدرت انجام بعضی از تکالیف، مانند روزه را نداشته باشند، روزه بر آنها واجب نیست و بجای هر روز، کفّاره مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم یا مانند آن) به فقیر می دهند. و در مورد عقود و ایقاعات مالی معیار تنها بلوغ نیست؛ بلکه رشد عقلی نیز لازم است. و در مورد

حدود و قصاص، همانند سایر مکلّفین با آنها رفتار خواهد شد، مگر این که عقل کافی، که یکی از شرایط چهارگانه حدود و قصاص است، نداشته باشند.

و در مورد ازدواج علاوه بر بلوغ و رشد عقلی، رشد جسمانی برای این امر نیز لازم است; یعنی اگر خطر افضاء وجود داشته باشد، ازدواج جایز نیست.

بنابراین بلوغ در چهار مرحله پیاده می شود.

سؤال ۴: آیا دیدن خون حیض برای دختران،از نشانه های بلوغ شمرده می شود؟

جواب : آری، از علائم بلوغ است.

سؤال ۵: می دانیم که انجام عبادات قبل از سنّ بلوغ بر انسان واجب نیست، ولی آیا قبل از بلوغ هیچ تکلیفی ندارد؟ یا برخی مسائل وجود دارد که سنّ بلوغ در آن معتبر نیست؟ اگر جواب مثبت است، موارد آن را بیان فرمائید.

جواب : هرگاه دختران و پسران نابالغ هوشیاری کافی برای درک خوبی و بدی

پاورقی

۱. تفاوت بین عقود و ایقاعات در این است که «عقد» نیاز به دو طرف دارد، «موجب» و «قابل»; ولی ایقاع نیازی به «قابل» ندارد و ایجاب تنها کافی است. عقد ازدواج هم صیغه ایجاب لازم دارد و هم صیغه قبول، و «طلاق» که از ایقاعات است، نیازی به قبول ندارد و اجرای صیغه طلاق کافی است.

بعضی از کارها داشته باشند (مثلا ـ قُبح و زشتی قتل نفس، یا لزوم آگاه ساختن کسی که نابیناست و بر لب پرتگاه است را درک کنند) موظّف هستند که به حکم عقلشان عمل کنند.

سؤال ۶: آیا رشد جسمانی، مانند افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها، باسن ها و مانند آن، علامت بلوغ (دختران) محسوب می شود؟

جواب : این علائم کافی نیست.

سؤال ۷: خداوند

دختری به من عنایت کرده که اکنون کلاس اوّل ابتدایی است، بسیار علاقه دارم که او دختری متدیّن و عفیف تربیت شود. بدین جهت نسبت به مسائل تربیتی و عبادی او حسّاسیّت خاصّی دارم. در این رابطه دو سؤال برایم مطرح شده است، پاسخ آن موجب امتنان است:

الف: آیا عبادتهای دختران در این سنّ و سال (قبل از بلوغ) صحیح است؟

ب: بطور کلی از چه سنّی دخترانمان را به انجام عبادات ترغیب و تشویق کنیم؟

جواب : هر زمان که هوشیاری کافی برای انجام عبادات داشته باشند، اعمالشان صحیح و تشویق آنها بسیار خوب است.

سؤال ۸: چرا سنِّ بلوغِ دختران، کمتر از سنِّ بلوغِ پسران است؟

جواب : رشد فکری و جسمی دختران سریعتر از رشد پسران صورت می گیرد.

سؤال ۹: وظیفه دختری که شک دارد به سنّ بلوغ رسیده یا نه، چیست؟

آیا در این حال انجام تکالیف شرعی بر او لازم است؟

جواب : واجب نیست; ولی اگر امکان تحقیق دارد، تحقیق کند.

سؤال ۱۰: هرگاه دختری قبل از نُه سالگی عادت ماهانه شود، آیا بالغ محسوب می گردد؟

جواب : آنچه قبل از نُه سالگی باشد عادت ماهانه محسوب نمی شود، هرچند دارای همان صفات بوده باشد، بنابراین نشانه بلوغ نیست.

صفحه ۲۲

صفحه ۲۳

۲- احکام تقلید

مقدّمه

شاید برخی از خود بپرسند که در عصر و زمان ما، که بشر در همه زمینه ها ترقّی و پیشرفت خیره کننده ای داشته و به ابزار و وسائل فوق العاده مدرن دست یافته، به گونه ای که به حق می توان این عصر را «عصر تحقیق و کنکاش و علم و دانش» لقب داد، آیا با همه این امور، تقلید در عصر و زمان

ما امر مطلوبی است؟

آیا تقلید به معنای بسته نمودن دروازه های تحقیق به روی محقّقان نیست؟

آیا «پیروی چشم و گوش بسته» از دیگران، با روح آیات فراوانی از قرآن مجید، که انسان را به تفکّر و اندیشه و مطالعه و تحقیق دعوت می کند، سازگاری دارد؟

برای روشن شدن این «شُبهه» لازم است توضیح کوتاهی پیرامون اقسام تقلید داشته باشیم:

تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست:

الف: تقلید جاهل از عالم; یعنی کسی که چیزی نمی داند از متخصّص و آگاه آن فن پیروی کند، همچون مراجعه بیمار ناآگاه از مسائل پزشکی، به پزشک آگاه و دلسوز.

ب: تقلید عالم از عالمی دیگر; یعنی مراجعه اهل فن به یکدیگر و پیروی بعضی از بعضی دیگر.

ج: تقلید عالم از جاهل; بدین معنی که یک انسان آگاه، علم و دانش خود را رها کند و چشم و گوش بسته به دنبال جاهلان بیفتد!

د: تقلید جاهل از جاهل; که گروهی نادان، پیرو گروه نادان دیگری شوند.

روشن است که از این چهار قسم، تنها قسم اوّل منطقی و عاقلانه و مشروع است و نه تنها در عصر تحقیق و علم و دانش، از آن بی نیاز نیستیم، بلکه بخاطر گسترش فراوان علوم، نیاز به آن بیشتر احساس می شود. بله، سه قسم دیگر تقلید منطقی و مورد پذیرش اسلام نیست. و تقلید در احکام از قسم اوّل است.(۱)

با عنایت به این مقدّمه، به برخی از احکام تقلید توجّه فرمائید:

مسأله ۱۱: یکی از شرایط مرجع تقلید این است که مرد باشد; بنابراین، زنان نمی توانند مرجع تقلید دیگران، حتّی زنان، باشند.

سؤال ۱۲: چرا زنان نمی توانند در مسائل مختلف،

بویژه در مسائل مخصوص به خانمها،ماننـد خونهای سه گانه، مرجع تقلید باشـند؟ آیا بهتر نیست زنان از خانمی که در این راه زحمت فراوان کشیده و صاحب نظر شده تقلید کنند؟

جواب : جایز نیست، زیرا کمتر اتّفاق می افتد که آنها بر فقهای بزرگ مرد در مسائل شرعی پیشی گیرند.

سؤال ۱۳: آیا زنان می توانند علوم اسلامی را تحصیل کنند و به مقام رفیع و بلند اجتهاد، که به تعبیر بعضی از فقهای بزرگ از جنگ و جهاد سخت تر است، برسند؟

جواب : مانعی ندارد و ممکن است به مقام اجتهاد برسند.

سؤال ۱۴: اگر خانمی به مقام اجتهاد برسد، آیا تقلید بر او نیز حرام است؟

جواب : در این مسأله فرقی میان مرد و زن نیست.

سؤال ۱۵: دختری هسـتم که تـازه به سنّ تکلیف رسـیده ام، اخیراً در دبسـتان برایمان مراسم جشن تکلیف گرفتنـد. معلّم ما در مورد تقلید یکی از مراجع معظّم

تقلیـد را نام برد و همه بچه های کلاس مقلّـد او شدنـد. آیا تقلیـد ما صـحیح است؟ یا بایـد تحقیق می کردیم و سـپس یکی از مراجع را انتخاب می نمودیم؟

جواب : اگر گفته معلّم برای شما اطمینان بخش بوده کافی است، و اگر نبوده تحقیق کنید.

پاورقی

۱. برگرفته شده از پیام قرآن، جلد اوّل، صفحه ۳۴۶.

سؤال ۱۶: سؤالی برایم پیش آمده، که فکر می کنم مشـکل بسیاری از خانمها باشد، و آن بدین شرح است: چندی پیش مرجع تقلیـدم به رحمت خدا رفت، در فکر انتخاب مرجع تقلید جدید فرو رفتم، شوهرم رساله یکی از مراجع جدید را تهیّه و به منزل آورد، و من هم طبق همان رساله عمل کردم.

آیا انتخاب مرجع تقلید به این شکل صحیح است؟

جواب : در صورتی که از تحقیق شوهرتان برای شما اطمینان حاصل شده است کافی است، در غیر این صورت باید تحقیق کنید.

سؤال ۱۷: برخی از خانمهای جلسه ای، در جلسات زنانه، به شرح و تبیین احکام می پردازند، که البتّه این کار لازمی است، ولی علیرغم این که خانمهای حاضر در جلسه، مقلّد مراجع مختلف هستند، آن خانم فقط فتوای یکی از مراجع محترم را بیان می کند، بدون این که نام آن مرجع تقلید را ببرد. اگر کسانی که مقلّد آن مرجع تقلید نیستند، بدون توجّه به آن فتوا عمل کنند، آیا مسئولیّتی متوجّه گوینده می باشد؟ راه جبرانش چگونه است؟

جواب : در چنین جلساتی، که مقلّدین مراجع مختلف وجود دارند، لازم است فتاوای مراجع معروف را، اگر با هم تفاوتی دارد، تبیین کند; در غیر این صورت مسئولیّت دارد.

صفحه۲۶

صفحه۲۷

۳- احکام طهارت و نجاست

مقدّمه

اسلام دین پاک و پاکیزه ای است و پاکیزگی را دوست دارد و به آن سفارش می نماید و براساس آن احکام و قوانینش را تنظیم می کند. نظافت و پاکیزگی در این دین مقدّس، آنقدر ارزشمند و مهم است که در برخی روایات، به عنوان بخشی از ایمان از آن یاد شده است(۱); یعنی مسلمانی که طهارت و نجاست و نظافت را رعایت نمی کند ایمانش کامل نیست.

این دین پاک و مبرّی از هرگونه تحریف و پیرایه، هم دستوراتی در زمینه نظافت فردی دارد و هم سفارش به نظافت اجتماعی می کند، عمل کردن به این دستورات، مخصوصاً در عصر و زمان ما، لازم و ضروری است.

احکامی که در این فصل مطرح می شود،

بخشی از مسائلی است که این دین پاک آسمانی، در این زمینه مطرح کرده است. امید است که بدان توجّه و سپس عمل کنیم.

تذکّر: لازم به ذکر است که مردان و زنان در بسیاری از احکام طهارت و نجاست مشترکند و تنها قسمت کمی از احکام این باب مختصّ بانوان است. در اینجا تنها به احکام اختصاصی بانوان در مسأله طهارت و نجاست می پردازیم.(۱)

پاورقی

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، صفحه ۲۹۱.

سؤال ۱۸: در یکی از جلسات روضه زنانه، خانم گوینده می گفت: شستشوی لباس در دو وقت، کار خوبی نیست:

نخست به هنگام شب; زیرا موقع استراحت آب است،

و دیگر روزهای جمعه; بخاطر این که آب مهریّه حضرت زهرا(علیها السلام) است; مگر این که لباس سیّدی را به همراه لباسهایتان بشوئید!

آیا این سخنان صحیح است؟ در صورت عدم صحّت، لطفاً چنین گویندگانی را نصیحت کنید.

جواب : این سخنان صحیح نیست و لازم است این خواهران بدون تحقیق عهده دار بیان مسائل نشوند، که مسئولیّت آن سنگین است.

استبراء

مسأله ۱۹: برای زنان استبراء نیست، بنابراین هرگاه رطوبت مشکوکی از آنها خارج شود، پاک است; وضو و غسل هم ندارد.

مسأله ۲۰: غیر از «بول» و «منی» رطوبتهای دیگری که از انسان خارج می شود چند قسم است:

اوّل: آبی که گاه بعد از بول بیرون می آید و کمی سفید و چسبنده است و به آن «ودی» می گویند.

دوم: آبی که هنگام ملاعبه و بازی کردن با همسر بیرون می آید و به آن «مذی» می گویند و این موضوع در مورد بانوان هم جاری است.

سوم: آبی که گاه بعد از منی بیرون می آید و به آن «وذی» می

گويند.

همه اين آبها در صورتى كه مجرا آلوده به بول و منى نباشد، پاك است و وضوء و غسل را هم باطل نمى كند.

پاورقى

۱. اين تذكّر در ابواب و فصول ديگر نيز جارى است.

صفحه[۲۹

سؤال ۲۱: معمولا وقتى كه لباس زيرم را مى شويم لكّه هاى سفيد لزجى بر روى آن مشاهده مى كنم و فكر مى كنم كه غالب زنان به چنين مسأله اى مبتلا مى باشند. آيا اين لكّه ها پاك است؟

جواب : آرى پاك است.

سؤال ۲۲: بتازگى و در كنار مرقد پاك و منّور حضرت ثامن الحجج(عليه السلام)مراسم عقدمان انجام شد. از آن پس هرگاه با شوهرم دست مى دهم و يا حتّى سخن مى گويم، مايعى از من خارج مى شود، البتّه در اين گونه موارد به اوج لذّت نمى رسم; آيا اين مايع پاك است؟

جواب : آرى پاك است.

مسكر مايع و الكلها

سؤال ۲۳: پرستار بخش زنان و زايمان يكى از بيمارستانها هستم و در مورد طهارت و نجاست الكل سؤالى داشتم: آيا استفاده از الكل براى ضدّ عفونى كردن محلّ تزريقات، يا ناف بچّه، موجب نجاست پوست مى شود؟

جواب : اشكالى ندارد و پاك است.

سؤال ۲۴: عطرها و ادكلن ها بطور گسترده، مورد مصرف خانمها قرار مى گيرد، حال اگر اينها حاوى الكل باشند از نظر طهارت چه حكمى دارد؟ منظور عطرها و ادكلن هاى خارجى است كه در بازار به فروش مى رسد، آيا براى نماز اشكال دارد؟

جواب : اشكالى ندارد.

عرق جُنب از حرام

مسأله ۲۵: نزديكى كردن با همسر در حال عادت ماهيانه، يا در حال روزه ماه مبارك رمضان حرام است و اگر عرق كند، احتياط واجب آن است كه با آن معامله عرق جنب از حرام كند.(۱)

سؤال ۲۶: هرگـاه زنی که در حـال نفاس است و یا زن مسـتحاضه قبل از انجام دادن وظائفش (نعوذ باللّه) با همسـرش نزدیکی کند و عرق نماید و یا دختری (پناه بر خدا) استمناء کند، آیا عرق اینها نیز عرق جُنب از حرام محسوب می شود؟

جواب : بنـابر احتیـاط واجب احکـام جُنب از حرام در این موارد نیز جـاری می شود و مـادام که عرق در بـدن یـا لباس است و خشك نشده نماز خواندن با آن اشکال دارد; ولی در هر حال نجس نیست.

راههای ثابت شدن نجاست

مسأله ۲۷: نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می شود:

اوّل آن که انسان یقین پیدا کند; ولی گمان، حتّی گمان قوی، کافی نیست.

دوم آن که کسی که چیزی در اختیار اوست (مثل صاحب خانه) خبر دهد که آن چیز نجس است.

سوم آن که دو نفر عادل و یا حتّی یك عادل گواهی دهد.

سؤال ۲۸: زنی هستم که در مورد نجاست زود حکم به نجاست می کنم، می خواستم بدانم که آیا در مسأله نجاست یقین لازم است؟ یا ظنّ و گمان کافی است؟

جواب : در مسـأله نجـاست یقین قطعی و صـد در صـد لازم است و مـادامی که چنین یقینی حاصل نشود تکلیفی نـدارد و اگر یقین صد در صد حاصل شد اجتناب لازم است; مگر در موارد اضطرار.

سؤال ۲۹: پس از بازگشت از مشهد مقدّس خانمهای همسایه به دیدنم آمدند، یکی از

بچّه های همسایه، قسمتی از فرش منزل ما را نجس کرد، اکنون فراموش کرده ام که کجای آن فرش دوازده متری نجس شده است، آیا می توان روی این فرش نماز خواند؟ اگر دست یا پای مرطوب روی یک قسمت آن نهاده شود، آیا نجس می شود

پاورقی

۱. منظور از عرق جُنب از حرام، عرقی است که در آن حال، یا بعد از آن و پیش از آن که غسل نماید، از بدن او بیرون می آید.

جواب : نماز خواندن روی آن اشکال ندارد و تماسّ با یک قسمت از آن، موجب نجاست نمی شود، ولی بهتر است فرش را بشوئید.

احکام وسواس

مسأله ۳۰: افراد وسواسی نباید به علم خود در طهارت و نجاست توجّه کنند، بلکه باید ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می کنند و به همان ترتیب عمل کنند و برای ترک وسواس بهترین راه بی اعتنایی است.

سؤال ۳۱: اینجانب فهیمه الف مبتلاـ به بیماری وسواس هستم و متأسّـفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمّل است، مثلا در مورد تطهیر و غسل وسواس من به گونه ای است که گاهی اوقات وقتی شب به حمام می روم نزدیک طلوع آفتاب موفّق به تطهیر و انجام غسل می شوم! باور کنید در این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده ام! برای درمان این بیماری به نزد برخی از علما رفتم، ولی مؤثّر نشد، به مشهد رفتم، با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشرّف داشتم و بسیار دعا و تضرّع کردم، ولی متأسّفانه شفا نیافتم. این بیماری نزدیک است مرا از پای در آورد،

نه تنها خود، که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته ام، وسواس باعث شده که نتوانم عبادتهایم را انجام دهم، بدین جهت ماه رمضان را سفر می کنم، تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم؛ اگر چه در سفر نیز هیچ چیز نمی خورم! لطفاً مرا راهنمایی کنید تا از این وضع غمبار نجات یابم و از زخم زبان اطرافیان آسوده گردم.

جواب : مشکل شما در واقع از خود شماست و مقصّر اصلی خودتان هستید و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی شود و علّت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما، به عنوان یک وظیفه شرعی، لازم می باشد این است که به مقدار سایر مردم آب بریزید و به همان قناعت کنید، هر چند در غسل و طهارت شک داشته باشید و ما مسؤولیّت شرعی این کار را می پذیریم.

شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید و با بدن نجس و حال جنابت (به گمان خودتان) نماز بخوانید و هیچ اشکالی هم ندارد و نماز و روزه شما کاملا صحیح است و ما به این وسیله برشما، و تمام افراد وسواسی، إتمام حجّت می کنیم و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می خواهیم که به شما توفیق توجّه به این مسأله را عنایت کند و از دام شیطان نجات پیدا کنید.

سؤال ۳۲: مدّتی قبل، تقریباً در همه امور، در دام وسواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده

ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود چهل دقیقه) و گاهی هم تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

جواب : بهترین راه برای ترک وسواس، بی اعتنایی به آن است; یعنی

ملاحظه کنید دیگران چه مقداری، مثلا برای غسل، معطّل می شوند،

شما هم چنین کنید، مثلا ده دقیقه یا حداکثر یک ربع ساعت; اگر شیطان

گفت درست نشد، اعتنا نکنید عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسؤولیّت آن را بر عهده می گیریم.

سؤال ۳۳: آیا اعمال وسواسی ها ضرری به اعتقادات آنها نمی زند؟ به عنوان مثال زن وسواسی که یک چیز نجس را ده بار آب می کشد، او در واقع وقتی دوبار با آب قلیل آب کشید معتقد است که هنوز نجس است، در حالی که خدا و پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه(علیهم السلام) می گویند پاک است، آیا چنین شخصی عملا با شرع مقدّس اسلام مخالفت نکرده است؟

جواب : عمل به وسواس کار خلافی است; ولی ضرر به اعتقادات او نمی زند.

سؤال ۳۴: در مصرف آب زیاده روی می کنم و هر چه تلاش می نمایم نمی توانم جلوی این کار زشت خود را بگیرم. به همین جهت همواره با شوهرم مشاجره داریم.

صفحه ۳۳

او می گوید: «گذشته از این که کار حرامی انجام می دهی و ضامن هستی، من که شوهر تو هستم راضی به عمل تو نیستم». لطفاً بفرمائید:

الف: آیا کار من حرام و موجب ضمان است؟

ب: آیا در وضو و نمازم اشکالی ایجاد می شود؟

جواب : سعی کنید به مقدار متعارف آب مصرف کنید. اگر بیش از آن باشد و همسرتان راضی نباشد،

حرام و موجب ضـمان است و اگر شـیطان وسوسه کند که فلان مقدار آب کافی نیست، اعتنا نکنید و اعمالتان اشکالی نخواهد داشت و مـا مسـئولیّت آن را به عهـده می گیریم و به فرض که همسـرتان هم راضـی باشـد اسـراف در آب وضو و غسـل جایز نیست.

سؤال ۳۵: دختری ۲۰ سـاله هسـتم و به شـدّت وسواس دارم، این وسواس مانع ترقّی من شـده است. یک بار برای شـما در این مورد نامه نوشـتم و شما این گونه جواب دادید: «ما راهی نشان می دهیم که به افراد زیادی توصیه کرده ایم و بسیار مؤثّر است و آن این است که شـما به افراد متـدیّن معمولی نگاه کنیـد، ببینید آنها چقدر آب می کشـند، به همان مقدار قناعت کنید. بقیّه برای شما پاک است و ما مسؤولیّت آن را شرعاً می پذیریم»، در حالی که من در نامه قید کرده بودم که فقط از شما یک فتوی می خواهم و آن این که: «چیزهای نجس و متنجّس را برای مـدّتی بر من پاک بدانید»؛ ولی شـما جوابی که در بالا ذکر شد را مرقوم داشتید و من باز هم روی حرفم هستم، این فتوی را بدهید تا من چیزهای نجس و متنجّس را پاک بدانم.

جواب : شـما بایـد تسـلیم حکم خدا باشـید. حکم خدا این است که به مقدار متعارف بشوئید، بقیّه برای شـما «پاک» است، هر چند حالت وسواس به شما می گوید نجس است، این روشن ترین راه است، و بسیاری از این طریق درمان شده اند.

سؤال ۳۶: چند مسأله در مورد طهارت و نجاست برایم پیش آمده که همواره فکر و ذهن

مرا مشغول کرده است. و مرا به شدّت عذاب می دهد، از درس و مطالعه

افتاده ام و خانواده ام نیز از رفتار من به تنگ آمده اند. شما را به مقام رسول اللّه(صلی الله علیه وآله)قسم می دهم، مرا نجات دهید. اگر شما بفرمائید: «اعتنابه این موارد حرام است; و در صورت اعتنا، به جهنّم می روی» و گناهش را به گردن بگیرید، نجات پیدا می کنم.

صفحه ۳۴

جواب : به یقین اعتنا کردن شما به مواردی که برخواسته از وسواس است حرام می باشد و باید آن را ترک کنید و ما مسؤولیّت آن را به گردن می گیریم.

سؤال ۳۷: تکلیف من در موارد زیر چیست؟

الف: گاهی زمینی نجس می شود، بعداً برف یا باران می آید و تمام زمین ها خیس می شود، مردم و وسایل نقلیّه از روی آن زمین نجس عبور می کنند و به همه جا میروند (مسجد، حرم، نانوائی، قصّابی، داخل اتوبوس شرکت واحد، مدرسه، بازار و...) و به خاطر خیس بودن زمین، نجاست را به همه آن مکان ها منتقل می کنند، به همین جهت آن مکان ها را نجس می دانم، همان گونه که گرد و خاک های آن خیابان ها و مکان ها را نیز نجس می دانم.

ب: هرگاه توالت می روم با این که در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا بول ترشّح نکند، در عین حال قطع پیدا می کنم که بول به شلوار و پایم ترشّح کرده است; لذا توالت رفتن برایم مشکل شده و تا آن موضع را آب نکشم راحت نمی شوم.

ج: در بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به

لبه میز و یا لبه کتاب و یا چیزهای زبر برخورد می کند و بدون این که دستم زخم شود، یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخنها و جاهای دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا می شود و یا روی انگشت های دستم پوست های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب و یا تماس گرفتن با چیز دیگر، آنها با احساس کمی درد از دستم جدا می شود، لطفاً در این موارد تکلیف مرا بیان فرمائید.

جواب : بدون شک شما گرفتار وسواس هستید؛ وظیفه شما این است که به سایر مردم نگاه کنید و ببینید آنها تا چه حد به این امور اعتناء می کنند و علم به نجاست پیدا می کنند (منظور قشر متدّین است) آن مقدار که آنها یقین پیدا می کنند و آب می کشند شما هم آب بکشید و نسبت به بقیّه تکلیفی ندارید؛ هر چند فکر شما به شما بگوید نجس است؛ زیرا در این گونه موارد افراد متدّین عادی، علم و یقین به نجاست پیدا نمی کنند. ضمناً پوستهائی که از دست و بدن جدا می شود محکوم به پاکی است، مگر این که شما آنها را با فشار بکنید و محلّ آن سوزش پیدا کند، که در این صورت احتیاط کنید.

صفحه ۳۵

سؤال ۳۸: منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرشها، دربها، دیوار اطاقها، پنجره ها، پرده ها، بخاری زمینی، بخاری دیواری، جارو برقی، کمدها، بعضی از کتاب ها، بالشت ها، رختخواب و تشک ها، قاب عکس ها و خلاصه تمام زندگی ما نجس است، گفتم نامه ای برای

شما بنویسم تا شاید در مورد من فتوای خاص (اجازه مخصوص) بدهید و اینجانب را از معافیّت مخصوصی در مورد چیزهایی که تا به حال نجس شده برخوردار سازید، تا همه چیز و همه کس برای من طاهر باشد.

جواب : شما گرفتار وسواس هستید و تنها درمان آن بی اعتنایی است. فتوای ما برای شما این است که ببینید مؤمنان دیگر چه اندازه به این امور اعتنا می کنند، به همان اندازه اعتنا کنید; بقیّه برای شما پاک است.

مسائل متفرّقه نجاسات

سؤال ۳۹: آیا مایعی که از کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک) خارج می شود حکم نجاست دارد؟ شایان ذکر است که کیسه آب جنین ممکن است قبل از زایمان پاره شود و از طریق مجرای تناسلی خارج گردد.

جواب : محتوی کیسه آب جنین نجس نیست; مگر این که آلوده به خون باشد.

سؤال ۴۰: چنانچه شیی ای با تماسّ با نجاسات نجس شود، سپس این شیء نجس، با شیء دومی و شیء دوم با شیء سوم و... تماس پیدا کند، حال این واسطه ها تا چه تعداد باعث انتقال نجاست به شیء بعدی می شود؟

جواب : تا دو واسطه باعث انتقال نجاست می شود، نه بیشتر; یعنی اگر دست

صفحه ۳۶

نجس، مثلاً به دست دیگری بخورد آن هم نجس می شود و اگر آن، به شیء سومی بخورد نجس می شود; ولی اگر شیء سوم به چهارمی بخورد نجس نخواهد شد و این امر بسیاری از مشکلات باب طهارت و نجاست را حل می کند.

سؤال ۴۱: با توجّه با این که امروزه بسیاری از لوازم آرایشی مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیّه می شود، استفاده و

مصرف آن چه حکمی دارد؟ و آیا جفت جنین نجس است، یا متنجّس؟

جواب : دلیلی بر نجاست جفت نیست (همانطور که در تعلیقه بر عروه الوثقی نیز نوشته ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد، یا شک داشته باشیم، پاک است.

مطهّرات

سؤال ۴۲: شوهرم سگی را در منزل نگهداری می کند و گاهی از اوقات ته مانده برخی از غذاهایی که برای خودمان آماده می کنیم جلوی او می گذارد و حیوان آن ظرف را می لیسد، لطفاً بفرمائید:

اوّلا: نگهداشتن سگ در منزل چه حکمی دارد؟

ثانیاً: چنین ظرفهایی را چگونه تطهیر کنیم؟

جواب : اوّلا: نگه داشتن سگ در منزل در صورتی جایز است که برای حفظ منزل و مانند آن لازم باشد.

ثانیاً: هر گاه سگ ظرفی را لیسیده یا از آن آب یا مایع دیگری خورده باشد، ابتدا باید آن را با خاک پاک که مخلوط با کمی آب باشد خاک مال کرد و سپس دو مرتبه در آب قلیل، یا یک مرتبه در آب کر یا جاری شست.

سؤال ۴۳: در جلسه هفتگی خانمهای محّله ما، این سؤال مطرح شده است: در احکام آمده است که اگر سگ به ظرفی زبان بزند باید آن را خاک مال کرد، حال با وجود موادّ بهداشتی و پاک کننده ای مثل الکل، مایعات ظرفشوئی، انواع مایعات و پودرهای پاک کننده، آیا باز هم خاک مال کردن لازم است؟

صفحه ۳۷

جواب : آری لازم است.

سؤال ۴۴: متأسّفانه شوهرم مبتلا به یکی از گناهان کبیره خطرناک، یعنی شرابخواری است، ظرفهایی را که با شراب نجس می کند، چگونه پاک کنم؟

جواب : ظرفی را که با شراب نجس شده، باید با آب

قلیل سه مرتبه بشویند و دست در آن بمالند و مستحبّ است هفت مرتبه شسته شود.

مسأله ۴۵: هر گاه چیزی با بول پسر یا دختر شیر خواری که غذاخور نشده نجس گردد، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند پاک می شود و در لباس و فرش و مانند آن فشار لازم نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که دو مرتبه بریزند.

سؤال ۴۶: من در بخش تزریقات بانوان کار می کنم، در برخی موارد پس از تزریق آمپول به داخل رگ و با یقین به تماسّ سوزن با خون داخل رگ، وقتی که تزریق تمام می شود، اثری از خون بر روی سوزن دیده نمی شود، آیا این سوزن پاک است، یا نجس می باشد؟

جواب : پاک است.

سؤال ۴۷: برای آماده کردن نان میهمانی، که جهت بازگشت شوهرم از مکّه مکرّمه داشتیم، تصمیم گرفتم خودم در منزل آن را بپزم، بدین جهت آرد زیادی را خمیر کردم، ناگهان خون دماغ شدم و قطره ای خون به داخل خمیرها افتاد، آیا راهی برای تطهیر این همه خمیر نجس، که همه آنها را مخلوط کرده ام، وجود دارد؟

جواب : ظاهراً راه قابل ملاحظه ای ندارد.

صفحه۳۸

صفحه ۳۹

۴- مسائل وضو

مقدّمه

بدون شک «وضو» دارای دو فایده روشن است:

«فایده بهداشتی» و «فایده اخلاقی و معنوی» از نظر بهداشتی شستن صورت و دستها، آن هم پنج بار یا یا لااقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل ملاحظه ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها، که شرط آن رسیدن آب به موها، یا پوست بدن است، سبب می شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، ضمن این

که تماسّ آب با پوست بدن، اثر خاصّی در تعادل اعصاب «سمپاتیک» و «پاراسمپاتیک» دارد.

و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای رضای خدا انجام می شود، اثر تربیتی دارد; زیرا مفهوم کنائی وضو این است که: «از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام بر می دارم.» در روایتی از امام هشتم(علیه السلام) اشاراتی به این مطلب شده است.(۱)

سؤال ۴۸: من در وضو دستهایم را سه بار می شستم، پس از ازدواج شوهرم گفت: «این کار اشکال دارد» حال اگر شخصی در وضو، صورت و دستها را سه بار بشوید، وضو و عباداتش چه حکمی دارد؟

جواب : وضو و عباداتش اشکال دارد. و لکن باید توجّه کرد که منظور از سه بار، یا دوبار شستن این است که عضو مورد نظر یک بار کاملا شسته شود، سپس بار دوم را شروع کند و کامل بشوید، و همچنین بار سوم. امّا ریختن آب بر عضوی، دوبار، یا بیشتر، تا زمانی که از شستن کامل آن فارغ نشده اشکالی ندارد.

پاورقی

۱. بر گرفته شده از تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۹۱.

صفحه ۴۰

سؤال ۴۹: مسح سر خانمها، که موی سر آنها بلند است، باید چگونه باشد؟

جواب : کسی که موی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلا شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می ریزد، باید بیخ موها را مسح کند و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بین موها، یا پوست سر را براحتی مسح نماید.

سؤال ۵۰: لطفاً وظیفه خانمهایی که موی مصنوعی

کشت کرده اند را به هنگام مسح سر بیان فرمائید؟

جواب : در صورتی که آب به پوست سر برسد مسح آنها صحیح است، در غیر این صورت حکم جبیره را دارد.

سؤال ۵۱: طلبه حوزه علمیّه خواهران یکی از شهرستانها هستم که در یک مدرسه موقوفه حجره ای به ما داده اند. گاهی از اوقات میهمانی برای ما می آید و از آب این مدرسه برای وضو استفاده می کند، آیا برای میهمانان ما استفاده از آب مدرسه جهت وضو و مانند آن جایز است؟

جواب : اشکال دارد; مگر این که پذیرفتن چنان میهمانی برخلاف شرایط وقف نباشد.

مسأله ۵۲: هر گاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را ببیند، وضوی او باطل نیست; هر چند گناه کرده است.

سؤال ۵۳: مشغول وضو بودم که ناگهان غذایم سر رفت، وضو را رها کردم و به سراغ اجاق گاز رفتم و زیر غذا را خاموش کردم و سپس وضو را ادامه دادم. آیا وضویم صحیح است؟

جواب : این مقدار اشکالی ندارد.

صفحه ۴۱

سؤال ۵۴: مدّتی بود که دخترم با آفتابه آب می ریخت و من وضو می گرفتم، در یکی از جلسات زنانه گفته شد: «هر کس باید خودش وضو بگیرد و نباید کسی کمکش کند» آیا وضوهای من به شکل فوق اشکال دارد؟ نمازهائی که با چنین وضوئی خوانده ام چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که آب را در دست شما می ریخته و شما آن را به صورت یا دستها می زده اید وضوی شما باطل نبوده، ولی این کار کراهت دارد.

سؤال ۵۵: ناخنهایم بیش از حدّ معمول بلند است، آیا برای وضو اشکالی ندارد؟

جواب

: اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶: در آرایشگاههای زنانه، خطّ ابروی خانمها را ترمیم می کنند، حکم این عمل چیست؟ آیا برای وضو و غسل اشکالی دارد؟

جواب : اگر منظور از ترمیم، کاشتن مو است و آب به پوست بدن برای وضو و غسل می رسد، اشکالی ندارد، و اگر منظور خالکوبی با رنگ است، که زیر پوست قرار می گیرد، آن هم اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷: آیا جوهرِ خودکار، ماژیک، رنگ و مانند آن، مانع رسیدن آب به پوست بدن می گردد؟ رنگی که خانمها برای موی سر استفاده می کنند چطور؟

جواب : اگر جرم نداشته باشد مانع نیست; در مورد خودکار، که رنگ غلیظ تری دارد، تجربه کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که جرم ضعیفی دارد که مانع آب نمی باشد.

سؤال ۵۸: زنانی که خود را برای شوهرانشان آرایش کرده اند، آیا باید به هنگام وضو صورت و دستهای خویش را با صابون و مانند آن بشویند، یا می توانند به همان شکل وضو بگیرند؟

جواب : در صورتی که موادّ آرایشی مورد استفاده جرم زیادی، که مانع از رسیدن آب به پوست صورت است، نداشته باشد وضو صحیح است. و شستن با صابون لازم نیست.

صفحه ۴۲

سؤال ۵۹: آیا لاکی که خانمها روی ناخن پاهایشان می زنند، برای مسح پا اشکالی دارد؟

جواب : آری اشکال دارد. آنها می توانند یکی از ناخنها را آزاد بگذارند و روی آن انگشت مسح کنند.

مسأله ۶۰: وجود انگشتر و دستبند و مانند آن، اگر مانع رسیدن آب نباشد، برای وضو ضرری ندارد و می تواند آن را جابجا کند تا آب به زیر آن برسد و شسته شود.

سؤال

۶۱: برخی از فقها معتقدند که مردها به هنگام وضو و شستن دست راست و چپ، از پشت دست و زنها از داخل دست آب بریزند، نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب : چنانچه این کار را به قصد رجا انجام دهند خوب است.

صفحه۴۳

۵- غسل حیض و احکام آن

مقدّمه

اقوام پیشین در مورد عادت ماهیانه زنان عقائد مختلفی داشتند. یهودیان فوق العاده سخت گیری می کردند و در این ایّام به کلّی از زنان در همه چیز از جمله، در خوردن و آشامیدن و بستر و مجلس جدا می شدند، در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می شود.(۱)

به عکس آنان، مسیحیان هیچ گونه ممنوعیّت و محدودیّتی برای خود، در برخورد با زنان، در این ایّام قائل نبودند. و امّا بت پرستان عرب، دستور و سنّت خاصّی در این زمینه نداشتند، ولی ساکنان مدینه و اطراف آن، بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند و در معاشرت با زنان در حال حیض سختگیریهایی داشتند، در حالی که سایر عربها چنین نبودند و حتّی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می دانستند و معتقد بودند که اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خون ریز خواهد بود، و این از صفات بارز و مطلوب نزد اعراب بادیه نشین خون ریز بود!(۱)

پاورقی

۱. مثلا در باب ۱۵ از سِفر لاویان تورات چنین می خوانیم: «اگر زنی صاحبه جریان باشد و جریان از بدنش خون حیض باشد تا هفت روز جدا خواهد بود و هر کس او را مس کند، تا به شام ناپاک باشد و هر چیزی که وقت جدا ماندنش بر آن بخوابد ناپاک باشد

و هر چه که بر آن نشسته باشد ناپاک باشد و هر کسی که بسترش را لمس نماید (باید) لباس خود را بشوید و خویشتن را با آب شستشو دهد و تا به شام ناپاک باشد...» (به نقل از تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۱۴۳).

صفحه ۴۴

امّا اسلام، که در همه مسائل از افراط و تفریط پرهیز می کند و آن را نشانه نادانی و جهالت معرّفی می نماید، دستور عادلانه ای در مورد عادت ماهیانه زنان داد و ضمن حفظ کرامت و شخصیّت زنان، آنها را در این وضعیّت از برخی مسئولیّتهای دینی معاف نمود. شرح این مطلب را در مسائل آینده مطالعه فرمائید.

حیض

۱ ماهیّت خون حیض

مسأله ۶۲: حیض، که گاهی از آن تعبیر به «عادت ماهیانه» و گاهی «پریود» و برخی اوقات «رگل» می شود، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنان خارج می شود و به هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است.

زن را در موقع دیدن این خون «حائض» می گویند و در شرع مقدّس اسلام احکامی دارد که در مسائل آینده خواهد آمد.

سؤال ۶۳: در مسأله شماره ۴۲۶ توضیح المسائل مرقوم فرموده اید: «حیض خونی است که در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می شود و به هنگام انعقاد نطفه غذای فرزند است» انطباق این مسأله با توجّه به نکات مشروحه ذیل، با موازین علمی مبهم است. لذا خواهشمند است توضیحات بیشتری مرقوم فرمایید:

یک دوره عادت ماهیانه در یک زن بالغ قبل از یائسگی معمولا دارای مراحل ذیل می باشد:

۱ مرحله افزایش حجم رحم، در این مرحله رحم زن در اثر ترشّح هورمون استروژن ضخیم می

شود، ضخیم شدن دیواره رحم به منظور آمادگی رحم برای پذیرفتن جنین می باشد.

۲ در صورتی که آبستنی صورت پذیرد و جنین تشکیل شود، جنین موجود در

پاورقی

۱. تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۱۴۳.

لایه ضخیم و پرخون لانه گزینی می کند، در اینجا جنین تا مدّتی از موادّ غذایی که به وسیله خون حمل می گردد تغذیه می کند و رشد می نماید; در واقع جنین از خود خون به عنوان غذا تغذیه نمی نماید; بلکه از اکسیژن و موادّ غذایی که به وسیله خون حمل می شود استفاده می کند.

۳ تقریباً سه هفته پس از لانه گزینی، جفت تشکیل می شود، در اینجا وظیفه جفت، گرفتن موادّ غذایی و اکسیژن از بافت ضخیم شده رحم و انتقال آن به جنین از طریق بند ناف می باشد، همین طور گاز کربنیک حاصل از فعّالیّتهای حیاتی، جنین را به خون مادر انتقال می دهد و... وظیفه دیگر جفت، ترشّح هورمون مادری یا پرژسترون می باشد که از عادت ماهیانه جلوگیری می کند.

۴ در صورتی که آبستنی اتّفاق نیفتد دیواره ضخیم و پرخون شده رحم تخریب و شروع به ریزش می نماید که به نام عادت ماهیانه معروف می باشد. پس از پایان خونریزی، دیواره رحم مجدّداً خود را برای پذیرش جنین بعدی آماده می کند; یعنی شروع به ضخیم شدن و پرخون شدن می نماید و لذا وقتی یک زن آبستن می شود معمولاـ به دلیل ترشّح هورمونهای مخصوص، که شرح آن گذشت، اصولاـ قاعدگی اتّفاق نمی افتد (نه این که جنین آن خون را می خورد) یعنی اصولا خونریزی وجود ندارد که جنین آن را بخورد.

۵

کلّیه مراحل فوق به وسیله ترشّح هورمونهای مختلف کنترل می شود و اگر این هورمونها را توسّط تزریق یا خوراکی به یک زن بدهند قاعده نمی شود; با توجّه به مطالب فوق چگونه می توان خوردن خون را به عنوان غذای بچّه محسوب داشت؟

جواب : منظور این نیست که دیواره رحم خونریزی می کند و جنین آن را می بلعد، بلکه منظور این است که در موقع بارداری خون در عروق مادر ذخیره می شود و از طریق جفت یا غیر آن به جنین منتقل می گردد و جنین موادّ غذایی و اکسیژن موجود را از همان خون مادر می گیرد، همان گونه که در مدّت شیرخوارگی غالباً عادت ماهانه نیست، زیرا قسمتهایی از خون تبدیل به شیر می شود و غذای نوزاد می گردد; پس اگر بگوییم: «خون غذای بچّه است» منظور این معنی است، نه آنچه نوشته اید.

۲ نشانه ها و علامتهای خون حیض

مسأله ۶۴: خون حیض نشانه هایی دارد، در بیشتر اوقات:

۱ غلیظ

۲ گرم

۳ تیره، یا سرخ رنگ

۴ بافشار

۵ و کمی سوزش خارج می شود.

مسأله ۶۵: زنی که مبتلا به خونریزی است، اگر به طبیب مراجعه کند و او تشخیص دهد خون حیض یا خون زخم و مانند آن است، چنانچه از گفته پزشک اطمینان حاصل کند می تواند بر طبق احکام آن عمل کند.

سؤال ۶۶: آیا نشانه هایی که برای خون حیض ذکر کردید، اختصاص به کسانی دارد که شک در حیض بودن خون موجود دارند، یا شامل همه زنان می شود؟

جواب : این نشانه ها مربوط به کسانی است که شک دارند.

۳ شرایط خون پریود

خون حیض شرایط خاصّی دارد که با فراهم آمدن همه آنها، احکام حیض جاری می شود; خون مذکور با هفت شرط به شرح ذیل خون حیض است.

الف بلوغ

مسأله ۶۷: خونی را که دختر پیش از تمام شدن نُه سال قمری و زن بعد از یائسه

صفحه ۴۷

شدن می بیند حکم حیض ندارد و اگر مربوط به زخم و جراحتی نباشد، استحاضه است که احکام آن خواهد آمد.

مسأله ۶۸: دختری که شک دارد نُه سال قمری او تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض نداشته باشد، حیض نیست و اگر نشانه های قاعدگی داشته باشد و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نُه سالش تمام و بالغ شده است.

سؤال ۶۹: آیا فقط تمام شدن نُه سال قمری از شرایط قاعدگی محسوب می شود، یا سایر علامتهای بلوغ نیز از شرایط قاعدگی است، هر چند نُه سال قمری او تمام نشده باشد؟

جواب : اگر خونی

قبل از نُه سالگی دیده شود، خون حیض نیست.

ب نرسیدن به سن یائسگی

مسأله ۷۰: زنان سیّده و غیر سیّده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری(۱)یائسه می شوند، یعنی اگر در این سنّ و سال خونی ببینند خون حیض نیست، مگر زنانی که از قبیله «قریش» محسوب می شوند که آنها بعد از تمام شدن شصت سال قمری(۲) یائسه می شوند.

سؤال ۷۱: حضرتعالی در توضیح المسائل، مسأله ۴۲۸، در مورد سنّ یائسگی تفاوتی بین زنان سیّده و غیر سیّده نمی گذارید و فقط زنان قبیله قریش را استثناء کرده اید، لطفاً تفاوت زنان قریش را با سایر زنان سیّده بیان فرمائید. آیا در کشور ما زنان قریش وجود دارند، یا زنان سیّده کشور ما در این حکم با سایر زنان تفاوتی ندارند؟

پاورقی

۱. پنجاه سال قمری تقریباً ۵۴۳ روز و ۱۸ ساعت، یعنی هجده ماه و سه روز، کمتر از پنجاه سال شمسی است، بنابراین سنّ یائسگی به سال شمسی ۴۸ سال و ۶ ماه می شود.

۲. شصت سال قمری تقریباً ۶۵۲ روز و ۱۲ ساعت، یعنی ۲۱ ماه و ۲۲ روز و ۱۲ ساعت از شصت سال شمسی کمتر است، بنابر این زنان قریش طبق سال شمسی در پنجاه و هشت سال و دو ماه و هفت و نیم روز یائسه می شوند.

صفحه ۴۸ جواب : در کشور ما زنانی از قبیله قریش وجود ندارند، قبیله قریش یک قبیله عربی خاصّی است و رابطه این زنان از آن قبیله قطع شده است.

مسأله ۷۲: زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا

بگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

مسأله ۷۳: زنان باردار، یا زنانی که بچّه شیر می دهند ممکن است حائض شوند.

ج :کمتر از سه روز نباشد

مسأله ۷۴: مدّت حیض کمتر از سه روز نمی شود، حتّی اگر مختصری کمتر باشد حیض نیست.

مسأله ۷۵: لازم نیست شب اوّل و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود و ادامه داشته باشد.

مسأله ۷۶: اگر کمتر از سه روز خونی ببیند و پاک شود، بعداً سه روز یا بیشتر با نشانه هایی که گفته شد خون ببیند، فقط خون دوم حیض است.

سؤال ۷۷: در بعضی از اوقات، عادت ماهانه زنان در اثر مصرف دارو دچار اختلال می شود، از آن جمله این که در ایّام عادت خون کمرنگ و گاهی به صورت لک مشاهده می کنند، در این صورت وظیفه زن نسبت به نماز و روزه و طواف چیست؟

جواب : خون کمرنگ و لک در ایّام عادت، اگر سه روز متوالی ادامه یابد، در حکم عادت است، ولی اگر سه روز متوالی ادامه نیابد حکم استحاضه را دارد.

سؤال ۷۸: خانمی که عادت وقتیّه و عددیّه دارد، در وقت معیّن عادت ماهیانه اش شروع می شود، ولی در روز دوم یا سوم با خوردن قرص، از ادامه عادت جلوگیری می کند، با توجّه به این که در ایّام عادت ماهیانه همیشگی است و خودش مانع ادامه عادت ماهیانه شده، چه حکمی دارد؟

جواب : حکم استحاضه بر آن جاری می شود.

صفحه۴۹

د بیشتر از ده روز نباشد

مسأله ۷۹: مدّت حیض بیشتر از ده روز نمی شود، بنابراین اضافه بر ده روز

استحاضه است.

مسأله ۸۰: هر گاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و ایّامی که خون دیده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده حائض است، ولی روزهایی را که در وسط پاک بوده، حکم زنان پاک را دارد

سؤال ۸۱: حضرتعالی معتقد هستید که زن حائض اگر در بین روزهای ایّام عادت پاک شود، باید عبادتهای خویش را پس از غسل انجام دهد، هرچند بداند دوباره خون می بیند.

آیا پاکی مذکور (طُهر متخلّل) از نظر زمانی حدّاقلّی دارد؟

مثلاً اگر زن حائض سه ساعت در بین عادت پاک شد و این مسأله بعد از اذان ظهر باشد، آیا باید نماز ظهر و عصر را بخواند؟

جواب : آری، هرگاه زمان مذکور به اندازه غسل و نماز باشد باید عبادت خود را به جا آورد.

سؤال ۸۲: زنی برای جلوگیری از بچّه دار شدن از دستگاه استفاده می کند، به همین علّت روزهای عادتش کم و زیاد می شود و موقع معیّنی ندارد، وظیفه او چیست؟ آیا عباداتی که انجام داده باطل است؟ توضیح این که: قبل از استفاده از دستگاه، ایّام عادت او هفت روز بوده است. آیا بعد از هفت روز می تواند غسل کند و عباداتش را انجام دهد؟

جواب : اگر چند مرتبه در مواقع مختلف، یا ایّام مختلف، بر خلاف عادت اوّل خون ببیند جزء مضطربه است و در این حال اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است، و اگر بیش از ده روز ببیند چنانچه نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از

ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می شود و اگر همه اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می کند

صفحه ۵۰

سؤال ۸۳: همـانطور که در مسأله ۴۳۲ توضیـح المسائـل حضـرتعالی، آمـده است خون حیض بیشـتر از ده روز نمی باشـد، آیا منظور ده شـبانه روز می باشـد، یـا فقـط روزهـا معیـار است؟ در صورت دوم اگر خون تـا شب یـازدهم ادامه داشـته باشـد، چه حکمی دارد؟

جواب : روزها معیار است و شب آخر جزء نیست و باید طبق احکام استحاضه رفتار کند.

سؤال ۸۴: برخی از خانمها برای جلوگیری از بچّه دار شدن از دسـتگاههای درون رحمی اسـتفاده می کنند، این دسـتگاهها در بعضـی از بانوان باعث خونریزی اضافی می گردد. اگر عادت ماهیانه چنین خانمی بخاطر وجود دسـتگاه فوق در رحم، بیش از ده روز شود چه حکمی دارد؟

جواب : هر گـاه خون مزبور بر اثر جراحتی باشـد که بخـاطر آن دسـتگاه حاصـل می شود هیـچ حکمی جز آب کشـیدن محل نـدارد.و اگر عـادت ماهیـانه را تحریک و طولانی کنـد احکام عادت ماهیانه بر آن جاری می شود، ولی در هر حال بیش از ده روز خون حیض محسوب نمی شود. حتّی اگر عادت او کمتر از ده روز باشد، باید همان را عادت قرار دهد. مگر این که بر اثر گذشت زمان مقدار زمان عادت او عوض شود.

ه استمرار

مسأله ۸۵: سه وز اوّل حیض بایـد پشت سـر هم باشد، بنابراین اگر مثلا دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره خون ببیند، حیض نیست. و این که می گوییم باید پشت سر هم باشد، معنایش این نیست که

در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر در فضای داخل فرج خون باشد کافی است.

صفحه ۵۱

و موالات

سؤال ۸۶: آیا «توالی» در سه روز اوّل حیض، که در بعضی از کتابها آمده است، همان «استمرار خون در سه روز اوّل» است، یا معنای دیگری دارد؟ لطفاً توضیح فرمائید.

جواب : منظور همان استمرار خون در سه روز اوّل است.

ز بین دو حیض باید حدّاقل ده روز فاصله باشد

مسأله ۸۷: زنی که معمولا ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دوبار خون ببیند و آن خون نشانه های حیض داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده کمتر از ده روز نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

مسأله ۸۸: هرگاه سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه های حیض دارد و بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه های استحاضه دارد و مجدّداً خونی ببیند که نشانه حیض دارد، باید تمام خونهایی که نشانه حیض داشته است حیض قرار دهد.

محرّمات حائض

محرّمات حائض

کارهایی بر زن حائض در ایّام عادت ماهیانه حرام است و باید از آنها اجتناب کند. امور مذکور به شرح زیر است:

الف: انجام عبادتها

مسأله ۸۹: تمام عبادتهایی که شرط صحّت آن وضو، یا غسل، یا تیمّم است; مانند نمازهای روزانه، روزه و طواف خانه خدا، بر حائض حرام است; ولی بجا آوردن عباداتی که طهارت (یعنی وضو، یا غسل، یا تیمّم) در آن شرط نیست، مانند نماز میّت، مانعی ندارد.

مسأله ۹۰: هر گاه زن در وسط نماز حائض شود، نماز او باطل است و نباید ادامه

صفحه ۵۲

دهد، ولی اگر شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

مسأله ۹۱: هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند یا گمان داشته باشد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود، باید فوراً

نماز را بخواند.

مسأله **۹۲:** هر گاه زن در اوّل وقت به انـدازه انجام واجبات یک نماز پاک باشـد و نماز نخوانـد و حائض شود، آن نماز را باید بعـداً قضا کنـد و در انـدازه «وقت برای انجام واجبات» بایـد ملاحظه حال خود را نمایـد، مثلا برای مسافر به اندازه دو رکعت و برای حاضر به اندازه چهار رکعت و کسی که وضو ندارد، وقت وضو را نیز باید در نظر بگیرد و همچنین تطهیر لباس و بدن، و اگر فقط به اندازه خود نماز وقت داشته باشد احتیاط قضا کردن نماز است.

مسأله **۹۳:** مستحبّ است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک کند و دستمال و نوار بهداشتی را عوض نماید و وضو بگیرد، و اگر نمی تواند وضو بگیرد تیمّم کند و در جای نماز خود رو به

قبله بنشیند و مشغول ذکر خدا و دعا و صلوات شود، امّا خواندن قرآن و همراه داشتن آن و دست زدن به حواشی و فاصله میان خطوط آن (بدون این که دست او به خطهای قرآن بخورد) و نیز خضاب کردن به حنا برای حائض شایسته نیست.

سؤال ۹۴: اگر زنی به وسیله خوردن قرص از عادت ماهانه خود جلوگیری کند، آیا می تواند با آن حال قرآن بخواند و یا روزه وحجّ و سایر عباداتی که نیاز به طهارت دارد را انجام دهد؟

جواب : می تواند، و اعمال او اشکالی ندارد.

سؤال ۹۵: زنان و دخترانی که در حال گذراندن عادت ماهانه هستند و از خواندن نماز معذور می باشند، آیا می توانند جهت شکوه و عظمت بیشتر نماز جمعه، در این آئین پرشکوه شرکت کنند؟

جواب : در صورتی که در مسجد نباشد و نیّت نماز نکنند مانعی ندارد; هر چند بظاهر همراه جمعیّت بصورت نماز برخیزند.

صفحه۵۳

ب: انجام تمام کارهایی که بر جُنُب حرام است

مسأله ۹۶: پنج کار بر جنب حرام است:

اوّل: تماسّ با خطّ قرآن، یا اسم خداوند و پیامبران(علیهم السلام) و امامان معصوم(علیهم السلام) و حضرت زهراء(علیها السلام) بنابر احتیاط واجب بر حائض حرام است; ولی ترجمه قرآن به زبانهای دیگر این حکم را ندارد.

دوم: رفتن به مسجدالحرام و مسجد پیامبر(صلی الله علیه وآله) (مسجد النبیّ)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

سوم: توقّف کردن در مساجد دیگر; امّا اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان(علیهم السلام) نیز توقّف نکند.

چهارم: داخل شدن در مسجد برای گذاشتن

چیزی در آن.

پنجم: خواندن یکی از آیات سجده; ولی خواندن غیر آیه سجده، از سوره سجده، مانعی ندارد.(۱)

سؤال ۹۷: آیا زن حائض می تواند به رواقهای اطراف ضریح مطهّر امام رضا(علیه السلام)داخل شود، هرچند قبر مطهّر را ببیند و به ضریح نزدیک باشد؟

جواب : مانعی ندارد، ولی وارد حرم نشود.

سؤال ۹۸:پس از مدّتها به قصد زیارت حضرت معصومه(علیها السلام) به شهر مقدّس قم سفر کردم; ولی متأسّفانه در اثناء راه عادت شدم. آیا با این وضعیّت می توانم به حرم مطهّر آن حضرت مشرّف شوم؟ به طور کلّی تشّرف به حرم امامزادگان در این حالت چه حکمی دارد؟

جواب : تشرّف به حرم امامزادگان اشکالی ندارد، ولی بهتر آن است که تنها به رواقها اکتفا کنند و وارد محوطه اصلی، که ضریح در آن است، نشوند. البتّه قسمتهائی که به عنوان مسجد معروف است از این حکم مستثنی است.

پاورقی

۱. سوره هایی که سجده واجب دارد به شرح زیر است:

الف: سوره الم سجده (سوره سی و دوم). ب: سوره حم سجده (سوره چهل و یکم).

ج: سوره والنّجم (سوره پنجاه و سوم). د: سوره اقرأ (سوره نود و ششم).

صفحه۵۴

سؤال ۹۹: بطور کلّی ورود به چه قسمتهایی از حرم مطهّر معصومین «سلام الله علیهم اجمعین»برای جنب و حائض حرام است؟ آیا حتّی وارد شدن به رواقها، حیاتها و سایر مکانهای وابسته به حرم حرام است، یا محدوده ممنوعه قسمت خاصّی از حرم است؟

جواب : محدوده ممنوعه فقط قسمتی است که ضریح در آن است و اطراف آن.

سؤال ۱۰۰: آیا حضور زنان حائض و جُنب در حسینیّه ها به هنگام عزاداری و رفتن به گلزار شهداء و قرائت فاتحه بر

مزار پاک آن عزیزان سفر کرده و شرکت در جلسات قرآن جایز است؟

جواب : اشکالی ندارد; ولی آیات سجده را نخوانند.

سؤال ۱۰۱: با توجّه به این که دعای شریف کمیل، مشتمل بر آیه ای از سوره سجده است،(۱) آیا قرائت این دعا برای زنان حائض جایز است؟

جواب : اشکالی ندارد; زیرا تنها قرائت آیه سجده برای چنین افرادی جایز نیست، هر چند بهتر آن است که کلّ سوره، و از جمله همان آیه موجود در دعای کمیل، را در آن حالت نخوانند.

سؤال ۱۰۲: شوهرم در سالگرد عقد ازدواجمان پلاک طلائی، که مزیّن به لفظ جلاله «اللّه» بود، به من هدیه کرد. پلاک فوق را به گردن آویخته ام، آیا استفاده از آن در ایّام عادت ماهیانه جایز است؟

جواب : در صورتی که با پوست بدن تماسّ نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳: نام شوهر من محمّد است، آیا دست زدن به نام او، که همنام پیامبر بزرگوار اسلام(صلی الله علیه وآله) است، در هنگام عادت ماهیانه جایز است؟ حکم سایر نامهایی که از اسامی مبارک پیامبران و معصومان(علیهم السلام) گرفته شده چه می باشد؟

پاورقی

۱. منظور جمله «اَفَمَنْ کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کانَ فاسِقاً لایَسْتوُون» است، که آیه هیجدهم سوره الم سجده می باشد.

جواب : اشکالی ندارد; مگر این که نام «اللّه» مثل «عبداللّه» و امثال آن در آن باشد.

سؤال ۱۰۴: خانمهای محلّه ما جلسه هفتگی دارند، یکی از برنامه های این جلسه، قرائت زیارت با شکوه عاشوراست. این زیارت را بر روی کارت کوچکی چاپ کرده اند و لایه بسیار نازکی از پلاستیک بر روی آن کشیده اند، آیا برای زنان حائض جایز است که به

این نوع کارتها دست بزنند؟ آیا در این حالت می توانند سجده آخر زیارت را بجا آورند؟

جواب : دست زدن به این کارتها اشکالی ندارد و بجا آوردن سجده آخر هم خوب است.

سؤال ۱۰۵: با توجّه به این که شرکت در انتخابات، در مراحل مختلف، از اهمیّت خاصّی برخوردار است و از سوی دیگر، صندوقهای اخذ رأی معمولاـ در مساجد مستقرّ است، آیا رفتن زنان حائض به مسجد جهت عمل کردن به این وظیفه مهمّ سیاسی عبادی جائز است؟

پاسخ: باید به مناطقی بروند که صندوق در غیر مسجد باشد.

سؤال ۱۰۶: آیا گوش دادن به آیات سجده واجب، همانند تلاوت کردن آنها، برای شخص حائض حرام است؟ و اگر گوش کند، آیا سجده بر او نیز لازم است؟

جواب : گوش دادن جایز است و اگر آیه سجده را بشنود باید در همان حال سجده کند.

ج: آمیزش جنسی

مسأله ۱۰۷: آمیزش جنسی و نزدیکی کردن به هنگام عادت، هم بر زن حرام است و هم برای مرد.

مسأله ۱۰۸: هرگاه مرد در حال حیض با همسر خود نزدیکی کند مستحبّ است

کفّاره دهد; و کفّاره آن در ثلث اوّل روزهای حیض، یک مثقال طلای سکّه دار، یا قیمت آن است (مثقال شرعی ۱۸ نخود می باشد) و اگر در ثلث دوم باشد، نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد یک چهارم مثقال است، بنابر این اگر ایّام عادت شش روز است دو روز اوّل یک مثقال، دو روز وسط نیم مثقال و دو روز آخر یک چهارم مثقال کفّاره دارد.

مسأله ۱۰۹: هر گاه بخواهد قیمت طلا را بپردازد باید به قیمت روزی که می پردازد حساب کند; نه قیمت

روزی که آمیزش کرده.

مسأله ۱۱۰: بازی کردن با همسر در حال حیض حرام نیست و کفّاره هم ندارد.

مسأله ۱۱۱: هرگاه نزدیکی را تکرار کند مستحبّ است کفّاره را نیز تکرار کند.

مسأله ۱۱۲: اگر مرد در حال نزدیکی بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود، گناه کرده و بنابر احتیاط مستحب باید کفّاره نیز بپردازد.

مسأله ۱۱۳: اگر مرد با زن حائض زنا کند، یا با زن حائض بیگانه ای به گمان این که همسر خود اوست نزدیکی نماید، احتیاط آن است که کفّاره دهد.

مسأله ۱۱۴: کسی که نمی تواند کفّاره بدهد بهتر آن است که صدقه ای بدهد و اگر نمی تواند، باید از گناه خود استغفار کند.

سؤال ۱۱۵: مردی با همسرش، که در حال عادت ماهیانه است، مشغول ملاعبه می شود، اگر شک کند که بی اختیار دخول صورت گرفته یا نه، چه حکمی دارد؟ آیا کار حرامی کرده و باید کفّاره بپردازد؟

جواب : مادام که یقین ندارد، کار حرامی انجام نشده و کفّاره ای ندارد.

سؤال ۱۱۶: آیا حرمت جماع و نزدیکی در حال حیض و کفّاره آن، شامل آمیزش جنسی غیر اختیاری هم می شود؟ اگر از روی فراموشی باشد چطور؟ آیا انزال نیز شرط است؟

جواب : این حکم شامل صورت فراموشی نمی شود و انزال شرط نیست.

سؤال ۱۱۷: آیا حرمت آمیزش در حال حیض و کفّاره آن، اختصاص به شوهر دارد؟ یا شامل زن هم می شود؟

صفحه ۵۷

جواب : حرمت مربوط به هر دو می باشد; ولی کفّاره مخصوص مرد است.

سؤال ۱۱۸: زنی در روزهای پایانی عادت ماهیانه است، ولی شک دارد که پاک شده یا

نه، آمیزش جنسی در چنین صورتی چه حکمی دارد؟

جواب : جایز نیست.

سؤال ۱۱۹: آیا نزدیکی با همسر در حال عادت ماهیانه، پس از قطع خون و قبل از غسل، جایز است؟

جواب : جایز است; ولی احتیاط مستحب در ترک آن است.

سؤال ۱۲۰: از حضرتعالی نقل شده است که آمیزش با حائض پس از قطع عادت ماهیانه و قبل از غسل جایز است، آیا این حکم در سایر محرّمات حائض (مانند طلاق، مسّ خطّ قرآن، داخل نشدن در مسجد و...) نیز جاری است؟

جواب : موارد مختلف است; رفتن به مسجد، مسّ خطّ قرآن و نماز و مانند آن مشروط به غسل است، ولی طلاق مشروط به غسل نیست.

مسأله ۱۲۱: هر گاه زن بگوید: «حائض هستم» یا «از حیض پاک شده ام» حرف او قبول است; مگر این که مورد سوءظن باشد.

د: طلاق

مسأله ۱۲۲: طلاق دادن زن در حالت حیض باطل و بی اثر است.

مسأله ۱۲۳: طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

۱ شوهر بعد از ازدواج مطلقاً با او نزدیکی نکرده باشد.

۲ زن باردار باشد (همانطور که گذشت زنان باردار گاهی عادت می شوند).

۳ زن غایب باشد و مرد نتواند، یا برایش مشکل باشد، پاک بودن زن را بفهمد.

مسأله ۱۲۴: هر گاه زن را از خون حیض پاک می دانسته و طلاقش بدهد، سپس معلوم شود که به هنگام طلاق در حال حیض بوده، طلاق او باطل است. و به عکس،

اگر او را در حال حیض بداند و طلاق دهد، بعد معلوم شود پاک بوده، طلاق او صحیح است.

مسأله ۱۲۵: هر گاه کسی می داند که همسرش در حال

حیض یا نفاس بوده، اگر غایب شود، مثلا مسافرت کنـد و بخواهد او را طلاق دهد و نتواند از حالش با خبر شود، باید تا مدّتی که معمولا از حیض یا نفاس پاک می شود صبر کند.

سؤال ۱۲۶: آیا ازدواج و مراسم عقد در حال عادت ماهیانه جایز است؟

جواب : مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۷: آیا بخشیدن باقیمانده عقد موقّت (که بمنزله طلاق است) در زمان عادت ماهیانه زوجه جایز است؟

جواب : مانعی ندارد.

مسأله ۱۲۸: هنگامی که زن از خون حیض پاک شود طلاق او صحیح است و همسرش نیز می تواند با او نزدیکی کند، هر چند هنوز غسل نکرده باشـد; ولی احتیاط مسـتحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی خود داری کند، ولی کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده، ماننـد توقّف در مسـجد و مسّ خـط قرآن، تـا غسـل نکنـد بر او حلال نمی شود، بنابر احتیاط واجب.

اقسام زنان حائض

اقسام زنان حائض

مسأله ۱۲۹: زنان حائض بر شش گونه اند:

۱ صاحب عادت وقتیه و عددیّه: یعنی زنی که دو ماه پشت سـر هم، در وقت معیّن، خون حیض ببیند و شـماره روزهایی که در هر دو ماه خون دیده یک اندازه باشد، مثل این که دو ماه پشت سر هم از اوّل تا هفتم ماه خون ببیند.

۲ صاحب عادت وقتیه: و آن زنی است که دو ماه پشت سـر هم در وقت معیّن خون حیض ببیند، ولی شـماره روزهای عادت او به یک اندازه نباشد، مثلا یک ماه پنج روز و ماه دیگر هفت روز خون ببیند.

صفحه ۵۹

۳ صاحب عادت عددیّه: و آن زنی است که شماره روزهای عادت او در دو ماه

پشت سر هم یک اندازه است (مثلا هفت روز)، ولی وقت دیدن آن مختلف است، مثلا یک بار از اوّل ماه و بار دیگر از دهم ماه شروع می شود.

۴ مضطربه: و آن زنی است که چند ماه حائض شده، ولی عادت معیّن پیدا نکرده و یا اگر سابقاً عادت داشته، به هم خورده و عادت تازه ای جانشین آن نشده است.

۵ مبتدئه: و آن زنی است که برای اوّلین بار حائض می شود.

۶ ناسیه: و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.

هر کدام از اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود.

۱ صاحب عادت وقتیّه و عددیّه

مسأله ۱۳۰: زنانی که عادت وقتیّه و عددیّه دارند همین که در ایّام عادت خون ببینند حائض می شوند و تا پایان ایّام عادت، احکام حائض را دارند، خواه نشانه های خون حیض در آن بوده باشد، یا نه.

مسأله ۱۳۱: هر گاه زنی در تمام ماه پاک نشود، ولی در دو ماه پشت سر هم چند روز معیّن (مثلا از اوّل تا هفتم ماه) خونی را که می بیند، نشانه های حیض دارد، امّا بقیّه چنین نیست، او نیز باید همان ایّام را عادت قرار دهد.

مسأله ۱۳۲: زنانی که عادت وقتیّه و عددیّه دارند، اگر یکی دو سه روز جلوتر از زمان عادت یا بعد از آن خون ببینند، بطوری که بگویند: «عادت را جلو یا عقب انداخته» باید به احکام زن حائض عمل کنند، خواه آن خون نشانه های حیض را داشته باشد یا نه.

مسأله ۱۳۳: زنی که «عادت وقتیّه و عددیّه» دارد، اگر چند روز پیش از عادت و چند روز بعد از عادت خون

ببینـد (بطوری که در میان زنها معمول است که گاهی عادت را جلو یا عقب می اندازند) و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت دیـده حیض است و قبل و بعد از آن استحاضـه می باشد، همین طور اگر چند روز قبل از ایّام عادت به اضافه تمام عادت را خون ببیند، یا فقط چند روز بعد از عادت به اضافه تمـام ایّام عـادت را خون ببینـد که اگر از ده روز تجاوز نکنـد، همه اش حیض است و اگر تجاوز کنـد فقط ایّام عادت حیض محسوب می شود.

مسأله ۱۳۴: زنی که عادت دارد هرگاه سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون، کمتر از ده روز باشـد و تمـام روزهـایی را که خون دیـده، بیش از ده روز نباشـد، همه آن حیض است (امّـا ایّامی که در وسط پاک بوده، پاک محسوب می شود) و اگر زیادتر از ده روز باشـد آن خونی که در عادت بوده حیض و دیگری که نبوده، استحاضـه است و اگر هیـچ کـدام در عادت نبوده آن خونی که دارای صـفات حیض است حیض و دیگری اسـتحاضه است و اگر هر دو صفات حیض دارد، تا ده روز حیض محسوب می شود و بعد از آن استحاضه است.

مسأله ۱۳۵: زنی که «عادت وقتیّه و عددیّه» دارد اگر در وقت عادت، خون نبیند و در غیر آن، به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش

از وقت عادت باشد، یا بعد از آن، به شرط این که نشانه های حیض را داشته باشد.

مسأله ۱۳۶: زنی که «عادت وقتیه و عددیّه» دارد، اگر در وقت عادت خون ببیند; ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از ایّام عادت باشد و قبل از وقت عادت، یا بعد از آن، به شماره روزهای عادت خون ببیند، فقط خونی را که در وقت عادت دیده حیض قرار می دهد.

مسأله ۱۳۷: زنانی که «عادت وقتیه و عددیّه» دارند اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، آنچه را در روزهای عادت دیده اند حیض است (خواه نشانه های حیض را داشته باشد یا نه) و آنچه بعد از روزهای عادت دیده اند استحاضه است (خواه نشانه های حیض داشته باشد یا نه).

صفح[۶۱

۲ صاحب عادت وقتیّه

مسأله ۱۳۸: زنانی که فقط «عادت وقتیه» دارند، یعنی دو ماه پشت سر هم در وقت معیّن خون حیض می بینند و سپس پاک می شوند، ولی شماره روزهای آن یک اندازه نمی باشد، باید تمام آن را حیض قرار دهند، به شرط آن که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد.

مسأله ۱۳۹: زنی که از خون پاک نمی شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معیّن خون او نشانه های حیض دارد، امّا شماره روزهای خونی که نشانه حیض دارد یک اندازه نیست، چنین زنی باید تمام آنچه را نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد.

مسأله ۱۴۰: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معیّن، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود، دو مرتبه سه روز یا بیشتر خون ببیند و مجموع

روزهـایی که خون دیـده از ده روز بیشتر نشود (ولی مـاه دوم کمتر یـا بیشتر از ماه اوّل باشـد) چنین زنی نیز بایـد تمام آنچه را دیده حیض قرار دهد، ولی در روزهای وسط که پاك است حکم طاهر را دارد.

مسأله ۱۴۱: زنی که «عـادت وقتیه» دارد اگر در وقت عـادت خود، یـا دو سه روز قبل، یا بعـد از عادت خون ببینـد، بطوری که بگوینـد: «حیض را جلو یا عقب انداخته» باید به حکم زنهای حائض عمل کند، خواه آن خون نشانه های حیض داشـته باشد یا نه.

مسأله ۱۴۲: زنی که عادت وقتیه دارد اگر بیشتر از ده روز خون ببینـد و نتواند تعداد روزهای حیض را به واسـطه نشانه های آن تشـخیص دهـد، بایـد مطابق تعـداد روزهای عادت زنان خویشاونـد خود حیض قرار دهـد (اعمّ از خویشاوندان پدری یا مادی، زنده یا مرده) و این در صورتی است که همه، یا اکثریّت قریب به اتّفاق آنها یکسان باشند، امّا اگر در میان آنها اختلاف است، مثلا بعضـی پنـج روز و بعضـی هشت روز عادت می بیننـد، احتیاط واجب آن است که در هر ماه هفت روز را ایّام عادت خود قرار دهد.

صفحه ۶۲

۳ صاحب عادت عددیّه

مسأله ۱۴۳: زنانی که «عادت عـددیّه» دارنـد، یعنی شـماره روزهای حیض آنها در دو ماه پشت سـر هم یک انـدازه است، ولی وقت آن تغییر می کند، آنها باید در همان چند روز به احکام حائض عمل کنند.

مسأله ۱۴۴: زنانی که از خون پاك نمی شونـد، ولی دو ماه پشت سـر هم چند روز از خونی را که می بینند نشانه حیض و بقیّه نشانه های استحاضه دارد و شماره

روزهایی که نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک انـدازه است، امّا وقت آن یکی نیست، باید آن چند روزی را که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهند.

مسأله ۱۴۵: زنی که «عـادت عـددیّه» دارد اگر بیشـتر از شـماره عـادت خـود، خـون ببینـد و از ده روز بیشـتر شود چنـانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیّه را استحاضه قرار دهد و اگر چنـد روز آن نشانه حیض دارد بایـد همان را حیض قرار دهـد و اگر بیشتر از ایّام عادت او باشد از آخر آن کم می کند و اگر کمتر از ایّام عادت اوست، بایـد آن روزها را با چند روز بعد از آن که روی هم رفته به اندازه عادتش شود، حیض قرار دهد و بقیّه را استحاضه.

۴ مضطربه

مسأله ۱۴۶: «مضـطربه» یعنی زنی که چنـد مـاه خون دیـده، ولی عادت معیّنی پیـدا نکرده است، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببینـد چنانچه بعضـی نشانه حیض داشـته باشـد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشـد، حیض محسوب می شود و اگر همه اش یک جور باشـد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می کند (اگر عادت همه یا اکثریّت قاطع آنها یکسان باشد) و هرگاه عادت آنها مختلف باشد، احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

صفحه۶۳

۵ مبتدئه

مسأله ۱۴۷: «مبتـدئه» یعنی زنی که دفعه اوّل خـون دیـدن اوست، اگر ده روز یـا کمـتر خـون ببینـد همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببینـد و همه اش یک جور باشـد بایـد عادت خویشاونـدان خود را، بطوری که در مسأله قبل گفته شـد، حیض قرار دهد و بقیّه را استحاضه.

مسأله ۱۴۸: اگر «مبتـدئه» بیشتر از ده روز خون ببینـد که چنـد روز آن نشـانه حیض دارد، چنـانچه خونی که نشـانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، آن خون حیض و بقیّه اسـتحاضه است و اگر کمتر از سه روز باشد باید آنچه را نشانه حیض دارد بگیرد و باقیمانـده را به عادت خویشاوندان خود حیض قرار می دهد و همچنین اگر آنچه نشانه حیض دارد بیش از ده روز باشد به تعداد عادت خویشاوندان خود حیض قرار می دهد و بقیّه استحاضه است.

۶ ناسیه

مسأله ۱۴۹: «ناسیه» یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببینـد، بایـد روزهـایی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهـد (به شـرط این که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشـد) و اگر بیشتر باشـد، یا همه روزها یک جور دیـده، احتیاط واجب آن است که هفت روز اوّل را حیض قرار دهـد و بقیّه را استحاضه.

احکام گروههای ششگانه فوق

مسأله ۱۵۰: «مبتدئه» و «مضطربه» و «ناسیه» و زنی که «عادت عددیّه» دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد، باید فوراً عبادت را ترک کند و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، باید عبادتهایی را که به جا نیاورده قضا کند، ولی اگر نشانه های حیض نداشته باشد بر طبق حکم مستحاضه عمل می کند تا ثابت شود که خون حیض است، ولی زنی که عادت «وقتیّه» یا «وقتیّه و عددیّه» دارد به محض دیدن خون در ایّام عادت، عبادت را ترک می کند.

صفحه۶۴

مسأله ۱۵۱: زنی که دارای عادت است (خواه وقتیّه و عددیّه باشد، یا فقط عادت وقتیّه و یا عادت عددیّه)، هر گاه دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود، خونی ببیند عادتش برمی گردد به آنچه در آن دو ماه دیده است.

نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه

سؤال ۱۵۲: نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه چیست؟ آیا گذشتن زمان خاصّی از دیدن آخر لکّه معتبر است، یا ملاک چیز دیگری است؟

جواب : در صورتی که زمان و ایّام عادت معلوم باشد و در حدود همان زمان خون قطع شود و لکّه ای پیدا نباشد عادت پایان یافته است و انتظار بیشتری لازم نیست.

سؤال ۱۵۳: اگر خون حیض قطع شود و حائض نتواند خود را آزمایش کند (مثل این که باکره است، یا خوف ضرر دارد) وظیفه اش چیست؟

جواب : آزمایش مزبور چیز ساده ای است که نه خوف ضرر دارد و نه مزاحمتی برای بکارت، بلکه با مختصر پنبه یا دستمال کاغذی می توان آزمایش کرد.

سؤال ۱۵۴: استعلام وظیفه چه گروهی از زنان حائض است؟

جواب : وظیفه همه کسانی است که شکّ در پایان

یافتن عادت خود دارند.

وظیفه حائض پس از پایان عادت

مسأله ۱۵۵: هنگـامی که زن از حیض پـاک شود بایـد برای انجـام عبادات خود غسل کنـد و اگر دسترسـی به آب نـدارد تیمّم نمایـد، غسل حیض همانند غسل جنابت انجام می شود و از وضو نیز کفایت می کند، ولی احتیاط مسـتحب آن است که وضـو هم بگیرد (خواه قبل از غسل باشد یا پس از آن).

مسأله ۱۵۶: هر گاه پیش از ده روز پاک شود و بدانـد که در باطن خون نیست، باید غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد، اگر چه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند.

مسأله ۱۵۷: هر گاه زن پیش از ده روز پاک شود، ولی احتمال دهـد که در باطن خون است بایـد به وسـیله قـدری پنبه خود را امتحان کنـد، چنانچه پاک بود غسل کنـد و عبادتهای خود را انجام دهـد و اگر پاک نبود، هر چنـد به خونابه آلوده باشد، باید مطابق احکامی که سابقاً درباره حائض گفته شد عمل نماید.

مسأله ۱۵۸: نمازهای روزانه که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه واجب را باید قضا کند.

مسأله ۱۵۹: اگردر حـال عـادت ماهیـانه یـا نفـاس، آفتاب یا ماه بگیرد و تا آخر مـدّتی که خورشـید یا ماه باز می شود از خون حیض و نفاس پاک نشده باشد نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

مسأله ۱۶۰: هر گـاه در آخر وقت نماز پاک شود بایـد غسل کنـد و نماز را بخوانـد، حتّی اگر به انـدازه یک رکعت نماز وقت داشته باشد احتیاط واجب خواندن نماز است و در صورت نخواندن، قضای آن

را به جا آورد.

مسأله ۱۶۱: هر گاه در آخر وقت پاک شود، امّا برای غسل وقت ندارد و فقط می تواند تیمّم کند و یک رکعت نماز را در وقت و بقیّه را در خارج وقت به جا آورد نماز بر او واجب نیست، ولی اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمّم است، مثل این که آب برای او ضرر دارد، باید تیمّم کند و نماز را به جا آورد.

مسأله ۱۶۲: هر گاه زن پاک شود و شک کند که به مقدار کافی وقت برای نماز باقی مانده یا نه، باید نمازش را بخواند.

سؤال ۱۶۳: زنی که در بین مسافرت، مثلاـ در هواپیما یا قطار، از حیض پاک می شود و نمی تواند غسل کند چه وظیفه ای دارد؟

جواب : چنانچه بتواند تیمّم می کند و نماز خود را با همان حال انجام می دهد و اگر نتواند تیمّم کند نماز را احتیاطاً با همان حال می خواند و بعد قضا می کند (این در حال تنگی وقت است).

مسائل متفرّقه غسل حیض

سؤال ۱۶۴: در برخی از مناطق معروف است که غسل حیض فقط در روزهای زوج صحیح است; یعنی حتّی اگر عادت ماهیانه در روز فرد قطع شود و زن پاک شود نمی تواند در آن روز غسل کند و باید به روز بعد موکول کند! آیا این مطلب ریشه شرعی دارد؟

جواب : هیچ فرقی بین روزها نیست، باید در اوّلین فرصت غسل کنند و وظائف شرعی خود را انجام دهند.

سؤال ۱۶۵: هر گاه زن جُنب بوده و عادت ماهیانه او فرا برسد، یا در حال عادت ماهیانه محتلم یا جنب شود، یا به مرده ای دست

بزند، و بطور کلّی غسلی بر او واجب شود، آیا می تواند در همان حال غسل کند؟

جواب : مانعی ندارد و با غسل جنابت از جنابت پاک می شود و همچنین غسلهای مستحب را نیز می تواند انجام دهد.

سؤال ۱۶۶: شیر دادن بچّه شیر خوار در ایّام عـادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ اگر اثر نامطلوبی دارد چه کاری می توان انجام داد تا آن اثر از بین برود؟

جواب : هیچ اثر نامطلوبی ندارد.

سؤال ۱۶۷: برخی از خانمها معتقدنـد که پس از تمام شدن عادت، باید تمام لباسـهایی را که در طول عادت پوشیده اند، حتّی لباسهایی مانند چادر را آب بکشند، هر چند تماسّی با محلّ نجس نداشته باشد، آیا این سخن صحیح است؟

جواب : این گونه سخنها هیچ اعتبار شرعی ندارد، تا لباسها نجس نشود آب کشیدن آن لازم نیست.

سؤال ۱۶۸: اصـلاح صورت، رنگ کردن مو و آرایش به هنگام عادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ یکی از خانمها می گفت: «به هنگام عادت زنانگی موهایتان را رنگ

نکنید؛ زیرا در این وضعیّت رنگ جذب مو نمی شود!» آیا این مطلب صحیح است؟

صفحه ۶۷

جواب : این مطلب جزء خرافات است و اعتباری ندارد.

سؤال ۱۶۹: آیا عرق زن حائض نجس است؟

جواب : نجس نیست.

سؤال ۱۷۰: بعضـی از خانمها نسبت به مخفی نمودن نوارهای بهـداشتی اسـتفاده شـده در ایّام عادت، از چشم نامحرمان، دقّت کافی نمی نمایند. آیا دیدن این نوارها توسّط نامحرم اشکالی دارد؟

جواب : شرعاً حرام نیست، ولی پنهان کردن آن جزء آداب اخلاقی است.

سؤال ۱۷۱: علیرغم سعی فراوان در پاک کردن کهنه هایی که در ایّام عادت مورد استفاده قرار می گیرد، غالباً رنگ خون

باقی می ماند، آیا این کهنه ها پس از تطهیر پاک می شود؟

جواب : در صورتی که جرم خون در آن نباشد، باقی ماندن رنگ ضرری ندارد.

صفحه ۶۸

صفحه ۶۹

۶- احکام غسل نفاس

خون نفاس چیست؟

مسأله ۱۷۲: از موقعی که نخستین جزء بچّه از شکم مادر بیرون می آید، هر خونی که زن می بیند خون «نفاس» است و زن را در این حال «نُفَساء» می گویند.

سؤال ۱۷۳: خانمهایی که فرزندهای چند قلو بدنیا می آورند، شروع نفاس بچّه اوّل است، یا بچّه های بعدی؟ ابتدای ده روز از چه زمانی است؟

جواب : شروع نفاس از بچّه اوّل است و پایان آن پس از ده روز کامل می باشد، ولی احتیاط آن است که در مقدار زائد بر آن نسبت به بچّه اخیر، میان احکام حائض و مستحاضه جمع کند.

سؤال ۱۷۴: آیا لازم است خون نفاس، همانند خون حیض و استحاضه، از نظر رنگ، سرعت، حرارت و برودت و مانند آن، شرایط خاصّی داشته باشد؟

جواب : خون نفاس در حقیقت باقیمانده خون حیض است و معمولاً دارای صفات آن می باشد; ولی بودن آن صفات در آن شرط نیست.

شرایط خون نفاس

مسأله ۱۷۵: خون نفاس باید شرایط زیر را داشته باشد و گرنه احکام نفاس را نخواهد داشت:

صفحه ۷۰

الف: خون ناشی از زایمان باشد، بنابراین خونی که زن قبل خارج شدن طفل می بیند، نفاس نیست.

ب: خون نفاس ممکن است یک لحظه بیشتر نباشد، ولی بیشتر از ده روز نمی باشد.

ج: احتیاط واجب آن است که خلقت بچّه تمام باشد، بنابراین اگر خون بسته ای از رحم خارج شود و بداند که اگر در رحم

می ماند انسان می شد، باید میان اعمال زنی که از خون پاک است و کارهایی را که حائض ترک می کند جمع نماید.(۱)

مسأله ۱۷۶: هر گاه شک کند چیزی از او ساقط شده یا نه، یا

چیزی که ساقط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه؟ خونی که از او خارج می شود خون نفاس نیست و لازم نیست جستجو کند.

سؤال ۱۷۷: آیا استمرار در خون نفاس هم شرط است؟ اگر زنی به هنگام تولّد بچّه خون ببیند و سپس پاک شود و روز پنجم دوباره خون ببیند، آیا همه این پنج روز نفاس محسوب می شود؟

جواب : استمرار در خون نفاس شرط نیست، ولی اگر در اثناء کاملا پاک شود، باید عبادتهای خود را انجام دهد.

سؤال ۱۷۸: ده روز نفاس از چه زمانی شروع می شود؟ اگر خدایی ناکرده بچّه ای در ماه نهم در شکم مادر بمیرد و چاره ای جز قطعه قطعه کردن او نباشد و این عمل چندین ساعت طول بکشد، آیا معیار در شروع ده روز، خارج شدن اوّلین قطعه است، یا خروج قطعه آخر معیار است؟

جواب : جواب این مسأله مانند جواب مسأله چند قلوهاست.

سؤال ۱۷۹: امروزه مسأله «مادر جانشینی» و پرورش نطفه شوهر و تخمک

پاورقی

۱. یعنی دست به نام خدا و خطّ قرآن و نام پیامبران و ائمّه علیهم السّلام نزند، داخل مساجد نشود، به حرم پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمّه علیهم السّلام مشرّف نگردد، طلاق نگیرد، آیات سجده را نخواند، آمیزش جنسی نکند و عبادتهای خویش را انجام دهد و بعداً روزه هایش را نیز قضا بنماید.

همسرش پس از بارور نمودن در رحم زن دیگر، امری امکان پذیر و مرسوم است. آیا مادر جانشین هم به هنگام تولّد آن بچّه «نفساء» محسوب می شود، یا احکام نفاس مخصوص مادران حقیقی است؟

جواب : احکام نفاس دارد.

سؤال

۱۸۰: آیا آخرین جزء بچّه، شامل جفت هم می شود؟

جواب : شامل جفت نمی شود.

سؤال ۱۸۱: در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم، تکلیف زن چیست؟

جواب : در این موارد احتیاط کند; یعنی عبادات را انجام دهد و از آنچه بر حائض حرام است پرهیز کند تا وضع او روشن شود.

کارهایی که بر «نُفَساء» حرام است

مسأله ۱۸۲: تمام کارهایی که بر حائض حرام است بر «نفساء» نیز حرام است و آنچه بر حائض واجب، یا مستحب، یا مکروه می باشد، برای او نیز همین حکم را دارد.

مسأله ۱۸۳: نزدیکی کردن با زن در حال «نفاس» حرام است و اگر شوهر با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است که مطابق دستوری که در مورد «حائض» گفته شد کفّاره دهد، طلاق او نیز در این حال باطل است.

سؤال ۱۸۴: کدام یک از محرّمات زن در حال نفاس، پس از قطع خون، و کدام یک پس از غسل بر او حلال می شود؟

جواب : مقاربت بعد از قطع خون حلال می شود، ولی داخل شدن در مسجد و عبادات بعد از غسل جایز است.

وظیفه «نفساء» پس از قطع خون

مسأله ۱۸۵: هر گاه زن ظاهراً از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون وجود دارد، باید با کمی پنبه خود را امتحان کند و اگر پاک بود غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد.

صفحه ۷۲

سؤال ۱۸۶: خانمی علامت پاکی از خون را در حیض و نفاس، گذشتن ۲۴ ساعت از آخرین لکّه ای که دیده قرار می داده و تنها در این صورت غسل نموده و سپس به وظائفش عمل می کند، آیا این کار صحیح است؟

جواب : گذشتن ۲۴ ساعت لازم نیست، بلافاصله پس از قطع خون غسل می کند و وظائف خود را انجام می دهد.

مسأله ۱۸۷: هنگامی که زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد و هر گاه قبل از گذشتن ده روز از ولادت، دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که

خون دیـده روی هم رفته ده روز یا کمتر از ده روز است، تمام آن نفاس می باشد و روزهایی که در وسط پاک بوده عباداتش صحیح است.

خونی که زن پس از ایّام نفاس می بیند

مسأله ۱۸۸: هر گـاه خـون نفـاس از ده روز بگــذرد، چنـانچه در حیض عـادت عـددیّه دارد بـه انـدازه آن نفـاس اسـت و بقیّه استحاضه، و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیّه استحاضه است.

مسأله ۱۸۹: زنی که عـادت او در حیض کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهـای عـادتش خون نفاس ببینـد بایـد به انـدازه روزهـای عـادت خود نفاس قرار دهـد و بعـد از آن، تا روز دهم بنابر احتیاط واجب عبادت را ترک کنـد، اگر خون از ده روز گـذشت فقط به انـدازه روزهای عادتش نفاس است و بقیّه اسـتحاضه و عباداتی را که در این چنـد روز ترک کرده، بایـد قضـا کند.

مسأله ۱۹۰: بسـیاری از زنان بعـد از وضع حمل یک ماه یا بیشتر خون می بیننـد، چنین زنانی اگر در حیض عادت دارند باید به تعـداد روزهای عادتشان «نفاس» قرار دهند و بعد از آن تا ده روز حکم اسـتحاضه دارد، بعد از گذشـتن ده روز اگر همزمان با ایّام عادت حیضـش باشد باید مطابق احکام حائض عمل کند (خواه نشانه های خون حیض را داشـته باشد یا نه) و اگر همزمان با ایّام عادتش نباشد حکم استحاضه دارد، مگر این که خون دارای نشانه های حیض باشد.

صفحه ۷۳

مسأله ۱۹۱: زنانی که تا یک ماه یا بیشتر بعـد از وضع حمل خون می بینند، اگر عادت ماهیانه ندارند ده روز اوّل نفاس است و ده روز دوم استحاضه و بعد

از آن اگر نشانه های حیض را داشته باشد، حیض و گرنه آن هم استحاضه است.

مسائل متفرّقه نفاس

سؤال ۱۹۲: آیا در ایّام نفاس نیز تنها «روز» ملاک است، یا شبانه روز ملاک می باشد؟

جواب : تنها روز ملاک است.

سؤال ۱۹۳: می گویند زن «زائو» بایستی روز چهلم غسل «چلّه» انجام دهد. لطفاً بفرمائید غسل «چلّه» چیست؟ و آیا تا آن زمان نباید غسلی انجام دهد؟

جواب : این گونه سخنان اعتباری ندارد و حکم نفاس همان است که در مسائل بالا گذشت.

سؤال ۱۹۴: آیا ابتلاء زنان به خونهای سه گانه دلیل بر نقصان ایمان یا عدم کمال آنها محسوب می شود، یا این خونها فلسفه دیگری دارد؟

جواب : این خونها مربوط به وظائف پر افتخار مادری است و دلیلی بر نقصان آنها نمی باشد.

۷-غسل استحاضه

نشانه ها و علامتهای خون استحاضه

مسأله ۱۹۵: یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون «استحاضه» است و در این موقع زن را «مستحاضه» می گویند، بطور کلّی تمام خونهایی که غیر از حیض، نفاس، زخم و دُمَل است و از رحم زن خارج می شود خون استحاضه است.

مسأله ۱۹۶: خون استحاضه غالباً کم رنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید، ولی ممکن است گاهی تیره رنگ یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش خارج شود.

مسأله ۱۹۷: هر خونی که از زن خارج شود و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد و مربوط به بکارت یا زخم یا جراحتی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است.

مسأله ۱۹۸: هر گاه شک کند که خون، از زخم است یا نه و ظاهر حال او سلامت است، خون استحاضه حساب می شود; امّا اگر وضع حال او مشکوک باشد، که

خون از زخم است یا غیر آن، احکام استحاضه ندارد.

سؤال ۱۹۹: آیا استحاضه، همچون حیض و نفاس، حدّاقل و حدّاکثر دارد؟

جواب : استحاضه حدّاقل و اکثر ندارد.

سؤال ۲۰۰: آیا ابتدای استحاضه باید خون مشاهده شود و یا بودن خون در محل کافی است؟ و آیا استمرار در استحاضه نیز معتبر می باشد؟

جواب : بودن خون در محل کافی است و استمرار نیز در آن شرط نیست.

سؤال ۲۰۱: خانمی که در سنّ کسی است که عادتاً حیض می بینند، عمل جرّاحی کرده و رحم او را برداشته اند، اگر خونی ببینند حکم حیض دارد یا استحاضه؟ در صورتی که احتمال بدهد و یا این که یقین نماید خون از زخم و عمل جرّاحی است چه صورت دارد؟

جواب : اگر یقین داشته باشد، یا احتمال بدهد خون زخم یا جرّاحی است، تکلیفی برای او ایجاد نمی کند، تنها خود را می شوید و غسل و وضو به خاطر آن واجب نیست.

سؤال ۲۰۲: همانطور که در توضیح المسائل آمده، خانمها در سنّ ۵۰ سال قمری، که تقریباً مطابق با ۴۸ سال و ۶ ماه شمسی است، یائسه می شوند. حال اگر بعد از این سن هر ماه، مثل زمان عادت ماهیانه، خون ببینند، آیا باید آن را حیض قرار دهند، یا استحاضه؟ عبادات خود را انجام دهند، یا ترک نمایند؟

جواب : خونهایی که زنان بعد از ۵۰ سال قمری می بینند استحاضه محسوب می شود; خواه به شکل و صفات حیض باشد یا نباشد.

اقسام استحاضه

مسأله ۲۰۳: استحاضه فقط دو قسم است: «قلیله» و «کثیره».

استحاضه قلیله آن است که هر گاه زن پنبه ای را داخل کند، خون

آن را آلوده نماید، ولی از طرف دیگر خارج نشود، خواه خون در پنبه فرو رود یا نه.

و استحاضه کثیره آن است که خون در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

سؤال ۲۰۴: آیا در بین فقهای بزرگوار زمان ما، یا مراجع گذشته(رحمهم اللّه) کسی همانند حضرتعالی منکر استحاضه متوسّطه شده است؟

جواب : بزرگان از قدماء و متأخّرین، که معتقد هستند استحاضه دو قسم بیشتر نیست، متعدّد بوده اند.

صفحه۷۷

وظیفه مستحاضه قلیله

مسأله ۲۰۵: زن باید در استحاضه قلیله:

۱ برای هر نماز بنابر احتیاط واجب یک وضو بگیرد (مثلا برای نماز ظهر یک وضو و برای عصر وضوی دیگر).

۲ واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند، امّا عوض کردن نوار بهداشتی و مانند آن واجب نیست; هر چند احتیاط است.

سؤال ۲۰۶: فرموده اید که مستحاضه قلیله برای هر نماز یک وضو بگیرد، حال اگر بعد از نماز ظهر هیچ خونی نبیند و بخواهد نماز عصر را بخواند، باز هم باید وضو بگیرد؟

جواب : در این صورت وضو گرفتن لازم نیست.

سؤال ۲۰۷: اگر مستحاضه قلیله نماز عصر خود را بخواند و تا نماز مغرب خون نبیند، آیا می تواند با همان وضوی نماز عصر نماز مغربش را بخواند؟

جواب : آری می تواند با همان وضو، نماز مغرب و عشا را بخواند.

مسأله ۲۰۸: در استحاضه «قلیله» اگر قبل از اذان صبح برای نماز شب وضو بگیرد و نماز شب را بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن وقت نماز صبح، دو مرتبه وضو بگیرد.

مسأله ۲۰۹: هر گاه زن مستحاضه قلیله، نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشا را از هم

جدا بخواند باید برای هر کدام یک وضو بگیرد و همچنین برای نمازهای مستحبّی; ولی برای مجموع نماز شب یک وضو یا غسل کافی است و برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهّد فراموش شده و سجده سهو، که بلافاصله بعد از نماز بجا می آورد، غسل و وضو لازم نیست.

سؤال ۲۱۰: مستحاضه قلیله اگر بخواهد کاری انجام دهد که شرط آن طهارت است; مانند رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، یا طواف واجب خانه خدا و مانند آن، آیا یک وضو کافی است، یا وظیفه دیگری دارد؟ و اگر بخواهد یکی از این کارها را تکرار کند، لازم است وضو هم تکرار شود؟

صفحه ۷۸

جواب : برای انجام طواف باید وضو بگیرد و همچنین تکرار آن وضو دارد; ولی برای نافله های نمازهای واجب وضوی اضافی لازم نیست و همچنین برای نماز شب که پشت سر هم بجا می آورد یک وضو کافی است.

سؤال ۲۱۱: آیا مستحاضه قلیله پس از پاک شدن از خون باید غسل کند؟

جواب : غسل بر او واجب نیست.

سؤال ۲۱۲: آمیزش، طلاق، رفتن به مسجد الحرام و حرم ائمّه(علیهم السلام) و عبور از سایر مساجد برای مستحاضه قلیله چه حکمی دارد؟

جواب : اشکالی ندارد.

وظیفه مستحاضه کثیره

مسأله ۲۱۳: برزن واجب است که در استحاضه کثیره:

۱ سه غسل انجام دهد، یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوم برای مغرب و عشا.

۲ و باید میان این نمازها جمع کند.

۳ و احتیاط مستحب آن است که علاوه بر این، برای هر نماز یک وضو بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن.

مسأله ۲۱۴:در استحاضه کثیره

اگر قبل از اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دو مرتبه غسل را انجام دهد.

مسأله ۲۱۵: مستحاضه کثیره، هر گاه غسلهای روزانه خود را انجام دهد برای اعمال دیگر، مانند طواف، نماز قضا، نماز آیات و نماز شب، غسل دیگری بر او واجب نیست، تنها باید وضو بگیرد. تبدیل استحاضه قلیله به کثیره و بالعکس

صفحه ۷۹

مسأله ۲۱۶: هرگاه استحاضه قلیله بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل کند.

مسأله ۲۱۷: اگر در بین نماز، استحاضه قلیله زن کثیره شود، باید نماز را رها کند و غسل نماید و از نو بخواند و در صورتی که برای غسل وقت ندارد تیمّم کند; ولی اگر برای تیمّم هم وقت ندارد باید همان نماز را تمام کرده و بنابر احتیاط واجب قضا نماید.

مسأله ۲۱۸: هر گاه استحاضه کثیره زن قلیله شود، باید برای نماز اوّل غسل کند و برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

سؤال ۲۱۹: من حامله هستم و مدّت سه ماه است که پشت سر هم خون می بینم، به سونوگرافی مراجعه کردم خونریزی را ازناحیه جفت تشخیص داده اند، دکتر هم همین عقیده را دارد و می گوید: «چون جفت پائین تر از حدّ معمول است خونریزی می کنید، اگر جفت بالا رود خون قطع خواهد شد» تا حال به وظیفه مستحاضه عمل کرده ام، چون خون کم بود; حتّی بعضی اوقات فقط ترشّح زردرنگی می آمد. ولی امروز

یک ساعت مانده به سحری ناگهان خون زیادی آمد، یعنی به اندازه استحاضه کثیره خون دیدم، برای نماز صبح غسل کردم، ولی باز خون قطع نشد و هر بار بعد از غسل بلافاصله خون می آمد ناچاراً وضو گرفتم و نماز خواندم. لطفاً به دو سؤال من پاسخ دهید:

۱ وظیفه ام را بیان فرمائید.

جواب : مطابق دستور مستحاضه عمل کنید و اگر غسل کردن برای شما ضرر دارد یا موجب مشقّت شدیده است تیمّم نمائید; ولی در ایّام عادت آن خون در حکم عادت ماهیانه است.

۲ چون دکترها خون را از جفت می دانند، آیا باز هم حکم استحاضه دارد؟

صفحه ۸۰

وانگهی سه ماه پی در پی، حتّی بدون یک روز فاصله، خون دیده ام، آیا استحاضه این قدر طول می کشد؟

جواب : خون مزبور حکم استحاضه را دارد و استحاضه حدّ معینی ندارد و انجام اعمال آن ساده است.

روزه در حال استحاضه

مسأله ۲۲۰: زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورتی روزه او صحیح است که غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد و همچنین غسلهای روزی را که روزه است (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۲۲۱: آیا شرط صحّت روزه مستحاضه کثیره فقط انجام غسل است؟ یا شرائط دیگری، از قبیل تعویض نوار بهداشتی آلوده و جلوگیری از سرایت خون به سایر اعضا، نیز معتبر است؟ شرط صحّت روزه برای مستحاضه قلیله چیست؟

جواب : انجام غسل کافی است و روزه مستحاضه قلیله شرط خاصّی ندارد.

مسأله ۲۲۲: هر گاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزه آن روز غسلی ندارد.

سؤال ۲۲۳:

هر گـاه زن مسـتحاضه وظائفش را انجام دهـد، آیا می توانـد برای زنان امام جماعت شود؟ یا روزه نـذری بگیرد؟ یا برای میّتی روزه استیجاری انجام دهد؟

جواب : مانعی ندارد.

مسائل دیگر استحاضه

مسأله ۲۲۴: هر گاه قبل از داخل شـدن وقت نماز، وضو یا غسل را انجام داده باشـد باید در موقع نماز، بنابر احتیاط واجب، آن را اعاده کند.

مسأله ۲۲۵: در تمام مواردی که غسل بر زن مستحاضه واجب می شود اگر غسل کردن مکرّر برای او ضرر دارد، یا مایه مشقّت زیاد است، می تواند به جای آن تیمّم کند.

صفحه ۸۱

مسأله ۲۲۶: زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای اوّلین نماز باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسأله ۲۲۷: هر گاه نداند اسـتحاضه او قلیله است یا کثیره، بنابر احتیاط واجب باید قبل از نماز، خود را وارسـی کند و اگر نمی تواند خود را وارسی کند، احتیاط آن است که هم وظیفه استحاضه کثیره را انجام دهد و هم قلیله، امّا اگر حالت سابق او معلوم است کثیره یا قلیله بوده، می تواند به وظیفه همان حالت سابق ادامه دهد.

مسأله ۲۲۸: هر گاه زن مسـتحاضه بعـد از نماز، خود را وارسـی کنـد و خون نبینـد، با وضویی که دارد می توانـد نماز دیگر را بخواند، هر چند بعد از مدّتی دوباره خون بیاید.

مسأله ۲۲۹: هر گاه زن مسـتحاضه بدانـد پیش از گذشـتن وقت نماز بکلّی پاک می شود و یا به اندازه خواندن نماز، خون قطع می گردد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند و هنگامی که پاک شد غسل کند، یا وضو بگیرد و نماز را بخواند.

مسأله ۲۳۰: مستحاضه باید بعد

از غسـل یـا وضو فوراً مشـغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خوانـدن دعاهای قبل از نماز، بلکه انتظار جماعت به انـدازه معمول، اشکال ندارد و در نماز نیز می تواند مستحبّات، مثل قنوت و مانند آن، را انجام دهد.

مسأله ۲۳۱: هر گاه خون به بیرون جریان دارد چنانچه برای او ضـرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن، بوسیله پنبه و مانند آن، از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر این کار مشقّت زیاد دارد، لازم نیست.

مسأله ۲۳۲: هر گاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی.

مسأله ۲۳۳: زن مسـتحاضه می توانـد نماز قضا بخوانـد، ولی برای هر نماز بنابر احتیاط واجب بایـد یک وضو بگیرد، ولی برای خواندن نوافل روزانه، همان وضوی نماز واجب کافی است و همچنین برای تمام نماز شب یک وضو کفایت می کند، به شرط این که پشت سرهم بجاآورد.

صفحه ۸۲

سؤال ۲۳۴: آیا زن در ایّام استحاضه می تواند قرآن تلاوت نماید؟

جواب : اگر وظائف مستحاضه را انجام دهد در حکم طاهر است، و همه عبادات را می تواند انجام دهد.

سؤال ۲۳۵: چه چیزهایی بر زن مستحاضه حرام است؟ به عنوان مثال، آیا آمیزش با او جایز است؟

جواب : در صورتی که غسلهای خود را انجام دهد در حکم زن طاهر است.

سؤال ۲۳۶: تکلیف خـانمی که چنـد ماه پی در پی لکّه می بینـد چیست؟ لازم به ذکر است که اطبّاء احتمال می دهنـد که این خونها مربوط به زخمهای درونی باشد.

جواب : مسأله دو صورت دارد، اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم

یا دمل است غسل ندارد و طبق معمول باید وضو بگیرد و نماز بخواند و اگر خون مربوط به عوارض رحم بوده باشد استحاضـه است، چنانچه کم باشد، در حدود دیدن لکّه های مختصـر، باید برای هر نماز وضو بگیرد و غسل ندارد و باید بدن را بشوید و نماز بخواند. و اگر جریان دارد غسل واجب می شود (یک غسل برای نماز صـبح و غسل دیگر برای ظهر و عصـر و غسل سوم برای مغرب و عشا) و اگر غسل برای او ضرر یا مشقّت شدید دارد می تواند تیمّم کند.

سؤال ۲۳۷: طلاق زن مستحاضه چه حکمی دارد؟ و با چه شرایطی صحیح است؟

جواب : در صورتی که غسلهای خود را انجام داده باشد، طلاق او در طُهر غیر مواقَع صحیح است.

سؤال ۲۳۸: آیا زن مستحاضه می تواند داخل مسجد الحرام یا مسجد النبی شود و یا در بقیّه مساجد توقّف داشته باشد؟ ورود او به حرم ائمّه اطهار «علیهم السلام» چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که غسلهای خود را انجام داده باشد ورود و توقّف در این مکانها برای او اشکالی ندارد.

صفحه ۸۳

سؤال ۲۳۹: آیا استحاضه (همانند نفاس) اختصاص به زنان دارد، یا دوشیزگان هم مستحاضه می شوند؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب : در این مسأله فرقی میان زنان متأهّل و غیر متأهّل نیست.

صفحه ۸۴

صفحه ۸۵

۸-غسل جنابت

اشاره

سؤال ۲۴۰: آیا زنان و دختران نیز محتلم می شوند؟ یا احتلام مخصوص مردان است؟

جواب : در صورتی که به اوج شهوت جنسی برسند و رطوبتی از آنان خارج شود محتلم شده اند.

سؤال ۲۴۱: آیا آمیزش با وسائلی مانند «کاندوم» که از تماسّ مستقیم جلوگیری می کند

و مانع ریختن نطفه می شود، نیز موجب غسل جنابت می شود؟

جواب : آری موجب غسل جنابت است.

نشانه های احتلام

مسأله ۲۴۲: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه با «جستن» و «شهوت» بوده باشد آن رطوبت حکم منی دارد و اگر این دو نشانه، یا یکی از آنها را نداشته باشد حکم منی ندارد، ولی در زن و مریض لازم نیست که با جستن بیرون آید، بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است، حکم منی دارد.

سؤال ۲۴۳: خانمها معمولا ترشّحات سفیدرنگی می بینند، آیا این ترشّحات غسل دارد؟

صفحه ۸۶

جواب : این ترشحات غسل ندارد، مگر با شرائطی که در مسأله اوّل این فصل بیان شد.

سؤال ۲۴۴: مدّتی است که عقد بسته هستم و هنوز عروسی نکرده ایم. در مورد احتلام سؤالی داشتم که فکر می کنم که این مشکل برای بسیاری از دخترانی که در شرایط من هستند مطرح باشد و آن تشخیص «اوج شهوت جنسی است»، به هنگام ملاعبه و حتّی به هنگام احوالپرسی با شوهرم مایعی از من خارج می شود، امّا نمی دانم اوج شهوت جنسی هست یا نه؟

به هر حال این مسأله برایم مبهم و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان مشکل ساز شده است، بدین جهت سعی می کنم او را در طول ماه مبارک ملاقات نکنم، لطفاً حکم مسأله را کاملا توضیح دهید.

جواب : مادام که شک دارید چیزی بر شما نیست.

سؤال ۲۴۵: هر گاه در مورد احتلام شک حاصل شود، بویژه در مورد دختران که «اوج شهوت جنسی» برای اکثریّت آنها قابل درک نیست، وظیفه چیست؟ آیا

غسل واجب می شود؟

جواب : مادام که شک دارند غسل بر آنها واجب نیست.

سؤال ۲۴۶: زنی پس از آمیزش با همسرش بلافاصله غسل می کند و بعد از غسل باقیمانده منی از او خارج می شود، ولی نمی داند که از خود اوست، یا از شوهرش می باشد، آیا باید دوباره غسل کند؟

جواب : غسل لازم نیست.

سؤال ۲۴۷: اگر رطوبتی از زن خارج شود که نداند منی است یا آب دیگر، آیا ملاحظه این رطوبت و تفحّص درباره آن جهت فهمیدن ماهیّت آن لازم است؟ یا بدون مشاهده می تواند بگوید انشاءاللّه پاک است و غسل ندارد؟

جواب : اگر با مختصر بررسی روشن می شود باید بررسی کند و الّا لازم نیست.

صفحه۸۷

کارهایی که بر جُنب حرام است

تذکّر: مشروح کارهایی که بر جنب حرام است در بحث محرّمات زن حائض گذشت; بدین جهت از تکرار آن صرفنظر می کنیم.

کارهایی که بر جُنب مکروه است

مسأله ۲۴۸: شایسته است جُنب چند چیز را ترک کند:

۱ و ۲ خوردن و آشامیدن; ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

۳ خواندن بیشتر از هفت آیه قرآن، حتّی از سوره هایی که سجده واجب ندارد.

۴ تماسّ بدن با جلد، حاشیه و فاصله سطور (و خطهای) قرآن مجید و همراه داشتن آن.

۵ خوابیدن بدون وضو.

۶ رنگ کردن موها به حنا و مانند آن.

۷ مالیدن روغن و انواع کرمها به بدن.

۸ جماع کردن بعد از محتلم شدن.(۱)

سؤال ۲۴۹: آیا کارکردن (مثل پخت و پز یا شیردادن بچّه) قبل از غسل جنابت کراهت دارد؟

جواب : امور مزبور کراهتی ندارد، هر چند بهتر است انسان درهمه حال با طهارت باشد.

سؤال ۲۵۰: آیا نوشتن آیات قرآن و اسماء متبرّکه برای زن حائض یا جنب حرام است؟

جواب : اگر آن را لمس نکند حرام نیست، ولی بعید نیست مکروه باشد.

سؤال ۲۵۱: در رساله توضیح المسائل فرموده اید: «خوردن و آشامیدن برای جنب

پاورقی

۱. یعنی اگر در خواب و مانند آن بی اختیار منی از او خارج شود و محتلم گردد مکروه است قبل از غسل جنابت با همسر خود آمیزش کند، امّا آمیزش با همسر برای بار دوم حتّی قبل از غسل کراهت ندارد.

مکروه است» آیا منظور خوردن و آشامیدن مفصّل مثل شام و ناهار است، یا خوردن و آشامیدنهای مختصر مثل نوشیدن آب و چای، خوردن قرص و دارو و حتّی چشیدن مزّه غذا به هنگام آشپزی را هم شامل می شود؟

جواب : خوردن و آشامیدنهای جزئی مانند

چشیدن غذا و امثال آن را شامل نمی شود.

سؤال ۲۵۲: با توجّه به این که قرائت بیش از هفت آیه برای جنب و حائض مکروه است، آیا ترک این کار بهتر است، یا منظور این است که ثواب آن نسبت به زمانی که پاک است کمتر می باشد؟

جواب : یعنی ثواب آن کمتر است.

سؤال ۲۵۳: آیا آرایش کردن برای همسر در حال جنابت کراهت دارد؟

جواب : اشکالی ندارد، مگر اینکه سبب انجام کار خلافی شود.

احکام جنابت

مسأله ۲۵۴: مستحّب است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرّات باقیمانده خارج شود و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند.

سؤال ۲۵۵: آیا استبراء از منی، همانند استبراء از بول، مخصوص آقایان است، یا شامل خانمها نیز می شود؟ و به تعبیر دیگر آیا استبراء از منی برای زنان مستحب است؟

جواب : احتیاط مستحب آن است که زنان نیز بوسیله بول کردن قبل از غسل استبراء کنند.

سؤال ۲۵۶: آیا زن پس از نزدیکی با شوهر و قبل از غسل باید صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود؟ و اگر فوراً غسل کند و پس از غسل آب یا رطوبت مشکوکی از او خارج شود، تکلیفش چیست؟

جواب : غسل ندارد; ولی اگر یقیناً منی است باید خود را آب بکشد.

سؤال ۲۵۷: متأسّفانه برخی از دختران دست به خود ارضائی می زنند و با حال جنابت و بدون انجام غسل، نماز می خوانند و روزه می گیرند و سایر کارهایی که نیاز به غسل جنابت دارد را

بدون غسل انجام می دهند. لطفاً بفرمائید:

اوّلا: خود ارضایی چه حکمی دارد و آثار آن چیست؟

ثانیاً: عبادتهایی که به شکل فوق انجام شده چه حکمی دارد؟

جواب : خودارضایی بدون شک حرام است(۱) و اگر کسی به آن دست بزند و در همان حال رطوبتی از او خارج شود واجب است برای نماز و روزه خود غسل کند و اگر غسل نکرده باید اعمال خود را قضا کند.

سؤال ۲۵۸: اگر نعوذ باللّه به دختر یا پسری در کودکی تجاوز شده باشد و پس از رسیدن به سنّ تکلیف متوجّه وجوب غسل نباشد، تکلیف مدّتی که با این حال نماز خوانده و روزه گرفته چیست؟

جواب : در صورتی که دخول حاصل نشده، یا مشکوک باشد، تکلیفی ندارد و اگر یقین به دخول داشته باشد فقط باید نمازهای خود را اعاده کند.

سؤال ۲۵۹: اینجانب دختر ۱۶ ساله ای هستم، می خواستم نظر حضرتعالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زائد بدن قبل از ازدواج جویا شوم; زیرا مادرم من را از این کار منع می کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره به کوتاه نمودن موهای زائد سفارش می کنند و می گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می گردد» حال وظیفه من چیست؟

جواب : کوتاه کردن موهای زائد بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است; ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، امّا در مواردی که متعارف است دوشیزه ها موهای زائد را از بین نمی برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

پاورقی

۱. مشروح مباحث مربوط به این موضوع و آثار

زیانبار آن و راههای نجات از این بیماری بزرگ را در کتاب «مشکلات جنسی جوانان» مطالعه فرمائید.

صفحه ۹۰

صفحه ۹۱

۹-غسل مسّ میّت

مسأله ۲۶۰: هر گاه بچّه چهار ماهه ای یا بیشتر مرده به دنیا بیاید، مادر او بنابر احتیاط واجب باید غسل مسّ میّت کند.

سؤال ۲۶۱: مادری در شکم خود جنین مرده ای دارد، آیا لازم است جهت

انجام فریضه نماز، غسل مسّ میّت انجام دهد؟ و در صورت لزوم، چون تماسّ با این جنین میّت دائمی است، آیا باید برای هر نماز غسلی بجا آورد، یا یک غسل تا خارج شدن جنین کفایت می کند؟ آیا در این مسأله تفاوتی میان جنین کامل و ناقص می باشد؟

جواب : در هیچ یک از این دو حالت غسل مسّ میّت بر او لازم نیست.

سؤال ۲۶۲: خانمی پدرمرحومش را قبل از غسل میّت و بعد از سرد شدن

بدنش بوسیده و سپس قبل از انجام غسل مسّ میّت دختر بچّه اش را نیز

بوسیده است، آیا غسل مسّ میّت بر دخترش، که با واسطه با میّت تماس داشته،

نیز لازم است؟

جواب : غسل مسّ میّت بر آن دختر واجب نیست.

صفحه ۹۲

غسلهای مستحب

مسأله ۲۶۳: غسلهای مستحب در شرع مقدّس اسلام بسیار فراوان است، یکی از آنها غسل زنی است که برای غیر شوهرش (سایر مردان) بوی خوش استعمال کرده است; غسل بر چنین زنی مستحب است.(۱)

پاورقی

۱. در روایتی می خوانیم: «هر زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استفاده کند هیچ نمازی از او پذیرفته نمی شود، تا این که مانند غسل جنابت، غسل کند (یعنی برایش حالتی پیدا خواهد شد که برای بر طرف شدن آن همانند جنابت، نیاز به غسل

دارد). «عروه

الوثقی، فصل فی الاغسال المستحبّه».

صفحه ۹۳

۱۰- برخی از احکام غسل

سؤال ۲۶۴: آیا کیفیّت غسل زنان با مردان متفاوت است، یا تفاوتی ندارد؟

جواب : تفاوتی ندارد.

سؤال ۲۶۵: خالکوبی برای خانمها چه حکمی دارد؟ آیا ضرری به غسل و وضوی آنها می زند؟

جواب : هرگاه ضرر خاصّی نداشته باشد و عکسهای موجب فساد اخلاق در آن نباشد، جایز است. و در هر حال برای غسل و وضو مشکلی ایجاد نمی کند.

سؤال ۲۶۶: خانمی ۳۵ سال است که تمام غسلهایش را به شکل زیر انجام داده است: «اوّل سمت راست بدن، سپس سمت چپ بدن و در مرحله آخر سر و گردن را می شسته است» و با همین وضع حج رفته و نماز خوانده و روزه گرفته است، اکنون چه وظیفه ای دارد؟

جواب : احتیاط آن است که نمازهای خود را تدریجاً و بطوری که به زحمت نیفتد قضا کند، ولی روزه او صحیح است و در مورد حج باید طوافها و نماز طوافها و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر خودش قادر به انجام این کار نیست از کسانی که به حج یا عمره مشرّف می شوند بخواهد تا به نیابت او تمام این اعمال را بجا آورند.

سؤال ۲۶۷: خانمهایی که گوش خود را برای گوشواره سوراخ می کنند، ولی فعلاً گوشواره ای ندارند، آیا لازم است به هنگام غسل آب به داخل سوراخ ایجاد شده برسانند؟ برخی سعی می کنند با چوب کبریت و مانند آن آب به آن برسانند.

صفحه ۹۴

جواب : هرگاه دست به آن بکشند آن مقداری که آب به آن می رسد کافی است.

سؤال ۲۶۸: آیا رنگ مو، مش، لاک، ابروهای مصنوعی،

فرمژه و مانند آن، برای غسل خانمها ضرر دارد و مانع محسوب می شود؟

جواب : هرگاه آب به پوست بدن و موها برسد کافی است.

سؤال ۲۶۹: برخی از عروس خانمها برای این که آرایش آنها خراب نشود از غسل کردن و وضو گرفتن و در نتیجه نماز خواندن در شب اوّل عروسی خودداری می کنند، آیا این مسأله عذر شرعی محسوب می شود؟

جواب : این عذر کافی نیست.

سؤال ۲۷۰: متأسّفانه شوهرم اهل پرداخت وجوهات شرعیّه نیست و از آن بدتر رباخوار است و در نتیجه پول آب و برق و سایر مخارج منزل را از درآمدهای حاصل از ربا می پردازد، آیا غسل و وضوی ما با این وضعیّت صحیح است؟ اگر صحیح نیست وظیفه ما چیست؟

جواب : خمس اموالی را که در آن تصرّف می کنید به ذمّه بگیرید و هر زمان توانایی پیدا کردید بپردازید و در مورد اموال آلوده به ربا، چنانچه مقدار آن را نمی دانید و صاحبش را نمی شناسید برای آن هم خمس را بر ذمّه بگیرید و هر موقع توانایی پیدا کردید بپردازید، در این صورت اعمال شما صحیح و تصرّفات شما جایز می باشد.

صفحه ۹۵

۱۱- احکام مردگان

مقدّمه

«مرگ» از جمله قوانین جهان طبیعت است که هیچ استثنائی ندارد! و به تعبیر زیبای قرآن مجید «همه موجودات طعم آن را خواهند چشید» جالب این که آیه فوق، سه بار در قرآن مجید تکرار شده است.(۱)

و از سوی دیگر یکی از پر تجربه ترین امور زندگی هر انسانی همین «مرگ» است; چرا که از نزدیک، مرگ عزیزان خویش را مشاهده می کند و با دست خود آنان را کفن نموده، سپس

دفن می کنـد; ولی افسوس که بسـیاری از انسانها در عمل مرگ را برای همسایه می داننـد و مردگان را مسافرانی می پنـدارند که چند صباحی دیگر باز خواهند گشت! و این علّتی جز غفلت، که عامل بسیاری از مشکلات مادّی و معنوی است، ندارد.

مطالعه احکام مربوط به مردگان یکی از راههای زدودن پرده غفلت است، به بخشی از این احکام توجّه فرمائید:

مسأله ۲۷۱: حضور زن حائض در نزد «محتضـر» (یعنی کسـی که در حال جان دادن است) و نیز تنها گذاشتن زنها نزد او را، از مکروهات شمرده اند.

پاورقی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵; سوره انبیاء، آیه ۳۵; سوره عنکبوت، آیه ۵۷.

مسأله ۲۷۲: اگر میّت زن حامله باشد و هنوز بچّه در شکم او زنده است و یا احتمال زنده بودن او را بدهند، باید پهلوی چپ او را بشـکافند و طفل را بیرون آورند، سـپس پهلو را بدوزند و چنانچه دسترسـی به اهل اطّلاع بوده باشد این کار را زیر نظر آنها انجام دهند.

مسأله ۲۷۳: برای غسـل و کفن و نمـاز و دفن میّت بایـد از ولیّ او اجـازه بگیرنـد، شوهر نسـبت به زن خود از همه أولی است، سپس کسـانی که از میّت ارث می برنـد، به ترتیبی که در ارث بیـان شـد، ولایت بر میّت دارنـد. و چنانچه در یک طبقه وارث مرد و زن باشد احتیاط این است که از هر دو اجازه بگیرند.

غسل میّت

مسأله ۲۷۴: مرد نمی توانـد زن را غسل دهد، همچنین زن نمی تواند مرد را غسل دهد، مگر زن و شوهر که هر کدام می تواند دیگری را غسل دهد، هر چند احتیاط مستحب آن

است که اگر ضرورتی نیست این کار را نکنند.

مسأله ۲۷۵: مرد می تواند دختر بچّه ای را که سنّ او از سه سال کمتر است غسل دهد و زن هم می تواند پسر بچّه ای را که سه سال کمتر دارد غسل دهد.

مسأله ۲۷۶: اگر برای غسل دادن میّت مرد، مرد پیدا نشود زنانی که با او محرمند می توانند او را غسل دهند، همچنین اگر برای غسل دادن میّت زن، زن پیدا نشود مردهایی که با او محرمند می توانند او را غسل دهند، و بهتر است از روی لباس باشد.

مسأله ۲۷۷: هرگاه زن، میّت زن را غسل دهد، جایز است غیر از عورت بدن او را برهنه کند.

سؤال ۲۷۸: هرگاه برای غسل دادن میّت زن، زن پیدا نشود و مردهائی که با او محرمند بخواهند غسلش دهند، چگونه باید غسل دهند؟ آیا باید از روی لباس غسل دهند؟ یا می توانند بدنش را برهنه کنند؟

صفحه ۹۷

جواب : در مورد محارم لازم نیست از روی لباس غسل دهند، ولی باید عورت را بپوشانند.

سؤال ۲۷۹: هرگاه زن در حال حیض یا نفاس یا جنابت از دنیا برود، آیا علاوه بر غسل میّت، برای امور مذکور نیز باید او را غسل دهند، یا همان غسل میّت کافی است؟

جواب : غسل میّت کافی است.

کفن و حَنُوط

مسأله ۲۸۰: کفن زن بر عهده شوهر اوست، هر چند از خودش مال داشته باشد. و زنی که طلاق رجعی گرفته، هرگاه پیش از تمام شدن عدّه بمیرد، کفن او نیز بر شوهر است.

سؤال ۲۸۱: اگر شوهر قدرت تهیّه کفن همسرش را نداشته باشد و خود زن نیز مالی نداشته باشد، هزینه کفن

او بر عهده کیست؟ آیا بر عهده پدر و مادرش می باشد؟

جواب : در صورتی که پدر و مادر قدرت داشته باشند احتیاط واجب آن است که کفن را بدهند و اگر قدرت ندارند هزینه آن بر عهده بیت المال مسلمین است.

سؤال ۲۸۲: آیا کفن کردن با پارچه ابریشم خالص یا طلاـ بافت برای میّت زن نیز اشکال دارد، یا فقط برای مردان مشکل است؟

جواب : احتیاط واجب آن است که زن نیز در این گونه کفنها کفن نشود.

سؤال ۲۸۳: آیا در تعداد قطعه های واجب و مستحب کفن و نیز در کیفیّت و چگونگی آن، تفاوتی بین میّت مرد و زن وجود دارد؟

جواب : در واجبات کفن تفاوتی نیست.

مسأله ۲۸۴: زنی که شوهرش مرده و هنوز در عدّه وفات است، حرام است خود را خوشبو کند، ولی اگر بمیرد حَنُوط او واجب است.

صفحه ۹۸

۹۸ سؤال ۲۸۵: شرکت بانوان در تشییع جنازه چه حکمی دارد؟ آیا تفاوتی بین تشییع جنازه میّت مرد و زن و نیز تشییع جنازه بستگان نزدیک و غیر آن هست؟

جواب: معروف در میان فقهاء کراهت شرکت زنان در تشییع است.

نماز میّت

مسأله ۲۸۶: نماز میّت پنج تکبیر و چهار ذکر دارد که تنها در ذکر چهارم بین میّت مرد و زن تفاوت وجود دارد و در بقیّه مثل هم هستند، بنابراین هر گاه میّت، زن باشد کافی است که بعد از تکبیر چهارم بگوید:

اَللّهُمَّ اغْفرْ لِهذِهِ المیّت و اگر این ذکر را بگوید بهتر است: اَللّهُمَّ اِنَّ هذِه اَمَتُک وَ ابْنَهُ عَبْدِکَ وابْنَهُ اَمَتِکَ نَزَلَتْ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُول بِها، اَللّهُمَّ انّا لا نَعْلَمُ مِنْها اِلّاخَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِها مِنّا

اَللّهُمَّ اِنْ کـانَتْ مُحْسِـنَهً فَزِدْ فی اِحْسانِهـا وَ اِنْ کانَتْ مُسـیئَهً فَتَجاوَزْ عَنْها وَ اغْفِرْ لَها اَللّهُمَّ اجْعَلْها عِنْـدَکَ فی اَعْلی عِلّیّینَ وَ اخْلُفْ عَلی اَهْلِها فِی الْغابِرینَ وَ ارْحَمْها بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحمینَ.

مسأله ۲۸۷: مسـتحبّ است به امیـد ثواب پروردگار، امام جماعت یا کسـی که فرادی نماز میّت می خواند، اگر میّت زن اسـت مقابل سینه اش بایستد.

مسأله ۲۸۸: مسـتحبّ است به امیـد ثواب پروردگـار، زن حـائض، در صورتی که نمـاز میّت را به جماعت می خوانـد، در یک صف تنها بایستد.

سؤال ۲۸۹: آیا زن مسـتحاضه کثیره که غسل خود را انجام نـداده و نیز زن نفساء درحکم زن حائض هسـتند، که بایـد در یک صف تنها بایستند؟ یا حکم فوق مخصوص زن حائض است؟

جواب : این حکم درباره حائض و نفساء است و شامل مستحاضه نمی شود.

دفن

مسأله ۲۹۰: اگر زن کـافری از دنیا برود و بچّه در شـکم او نیز بمیرد، چنانچه پـدر آن بچّه مسـلمان باشـد بایـد زن را در قبر به پهلوی چپ پشت به قبله بخواباننـد تـا روی بچّه به طرف قبله باشـد، حتّی اگر هنوز روح به بـدن بچّه داخل نشـده باشـد (یعنی هنوز حسّ و حرکت پیدا نکرده است) بنابر احتیاط واجب به همین دستور عمل کنند.

صفحه ۹۹

سؤال ۲۹۱: زن مسـلمانی که بچّه مسلمان هفت ماهه ای در شکمش بوده فوت کرده است، بعضی می گویند: «باید آینه ای در سمت پشت مادر قرار دهند، تا انعکاس صورت بچّه نیز به طرف قبله باشد» آیا این کار لازم است؟

جواب : روبه قبله بودن مادر کافی است و گذاشتن آینه معنا ندارد.

مسأله ۲۹۲: هر گاه بچّه ای دررحم

مادر بمیرد و ماندنش دررحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه ممکن او رابیرون آورند، حتّی اگر ناچار شوند او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد، این کار باید در درجه اوّل بوسیله شوهرش، اگر اهل فنّ است، و در درجه بعد زنی که اهل فنّ است انجام شود. و اگر ممکن نیست از مرد محرمی که اهل فنّ است استفاده کنند و در غیر این صورت، ناچار باید از مرد نامحرمی که اهل فنّ است کمک بگیرند.

مسأله ۲۹۳: هر گاه مادر بمیرد و بچّه در شکمش زنده باشد، باید فوراً بچّه را به وسیله کسانی که در مسأله پیش اشاره شد از هر طرفی که سالم بیرون می آید بیرون آورند و دوباره شکم او را بدوزند و حتّی الامکان باید این کار زیر نظر اهل فن انجام گیرد و اگر اهل فن نباشد پهلوی چپ را بشکافند و بچّه را فوراً بیرون آورند.

مسأله ۲۹۴: مستحبّ است به امید این که مطلوب پروردگار باشد هنگام دفن اگر میّت زن است از طرف عرض بدن او را وارد قبر کنند و به هنگام وارد کردن او، پارچه ای روی قبر بگیرند.

سؤال ۲۹۵: چرا میّت مرد را از طرف سر و بدن میّت زن را از طرف عرض جسد وارد قبر می کنند؟

جواب : این کار در مردان نوعی عبرت و در زنان برای رعایت اصول عفّت است.

سؤال ۲۹۶: اگر میّت زن است مستحب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد و اگر محرم نباشد خویشانش او

را در قبر بگذارند.

نبش قبر

مسأله **۲۹۷:** نبش قبر مسـلمان، یعنی شـکافتن قبر او، حرام است؛ هر چنـد طفل یا دیوانه باشد. و منظور از نبش قبر آن است که آن را طوری بشکافند که آثار بدن میّت ظاهر شود؛ بنابراین اگر بدن ظاهر نشود اشکال ندارد، مگر این که موجب هتک و بی احترامی باشـد؛ ولی نبش قبر در چنـد مورد حرام نیست، یکی از موارد آن، نبش قبر برای انجام یک مطلب شـرعی که اهمیّت آن از شـکافتن قبر بیشتر است، مثل این که بخواهند بچّه زنده ای را از شـکم زن حامله (که دفن شده است) بیرون آورند (البتّه روشن است که بچّه، مدّت کمی بعد از مادر ممکن است زنده بماند).

سؤال **۲۹۸:** خواهرم فوت کرده و به جز من، که یک زن تنها و از کار افتاده هستم، کسی ندارد. به من وصیّت کرده که بدنش را به کربلای معلّی انتقـال دهم و در آن سـرزمین پاک و معطّر از عطر شـهدای کربلا دفن کنم، اکنون راه کربلا بسـته است و مـدّتی است که بدن او را بدون دفن کردن در محلّی به امانت گذاشـته ام، آیا تأخیر در دفن بخاطر انجام وصـیّتش جایز است؟ آیا انتقال آن جسد از محلّی که به امانت گذاشته ام نبش قبر محسوب نمی شود؟

جواب : احتیاط آن است که هر چه زودتر بدن او را دفن کنید.

سؤال **۲۹۹:** دختر پـانزده سـاله ای در حـادثه تصـادف ماشـینی از دنیـا رفت و او را به خاک سپرده انـد. اکنون مـدّتی است که خویشاوندان و آشنایان وی ، مخصوصاً خواهر بزرگترش، مرتّباً او را در خواب می بینند

که اصرار می کند بیایند او را ببرند; چون او زنده است و آنقدر این خوابها تکرار شده که وضع روحی خانواده آن مرحومه را به مخاطره افکنده و سلامتی آنها را مختل کرده است; آیا نبش قبر در این مورد جایز است؟

جواب : با توجّه به ضرورت ناشی از نگرانی شدید این خانواده و عدم صدق هتک احترام در مورد سؤال و مراعات احتیاط (در انجام حدّاقلّ نبش لازم) جایز است.

سؤال ۳۰۰: شوهرم قبل از فوتش یک قبر دو طبقه در بهشت زهراء برای من و خودش تهیّه کرد، ایشان سال قبل فوت کرد و در طبقه پائین آن قبر دفن شد، حال پس از فوت من، آیا شکافتن این قبر و دفن جسد من در طبقه اوّل آن جایز است؟

جواب : در صورتی که بدن سابق ظاهر نشود اشکالی ندارد.

چند مسأله دیگر

سؤال ۳۰۱: آیا جایز است زن در مرگ نزدیکان و عزیزانش صورت و بدن خود را بخراشد و به خود لطمه بزند و یقه پاره کند؟

جواب : هیچ یک از امور فوق جایز نیست، ولی پاره کردن یقه تنها در مرگ پدر و برادر جایز است.

مسأله ۳۰۲: هر گاه مرد در مرگ زن یا فرزند، لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میّت صورت خود را بخراشد، بطوری که خون بیاید، یا موی خود را بکند، بنابر احتیاط واجب باید مانند کفّاره قسم را بدهد. (یعنی به ده فقیر غذا دهد و یا آنها را بپوشاند و یا یک بنده آزاد کند) بلکه اگر خون هم نیاید به این دستور عمل نماید.

سؤال ۳۰۳: معمولا خانمها به هنگام عزای اموات صدا

را بلند می کنند، آیا این کار جایز است؟

جواب : احتیاط واجب آن است که در گریه بر میّت صدا را خیلی بلند نکنند و فریاد نکشند.

سؤال ۳۰۴: آیـا رابطه زنـاشوئی زن و شـوهر پس از مرگ بکلّی قطع می شود؟ یعنی مثلاـ به عکس و فیلمهـای بـدون حجـاب یکدیگر نمی توانند نگاه کنند؟

صفحه ۱۰۲

جواب : نگاه کردن به آن عکسها و فیلمها اشکالی ندارد.

سؤال ۳۰۵: دربعضـی منـاطق مرسوم است که زنهـا پس از مرگ شوهران، یـا بسـتگان نزدیـک خود، تا مـدّتهای طولانی لباس مشـکی می پوشند، صله رحم را ترک و از منزل خارج نمی شوند در مراسم شادی دیگران شرکت نمی کنند، به مسافرت نمی روند، سـر و صورت خود را اصـلاح نمی کنند و حتّی بعضـی از آنها با این که جوان هسـتند دیگر ازدواج نمی کنند، این امور شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب : ترک زینت در ایّام عدّه وفات لازم است، ولی ترک زینت به معنی ترک نظافت نیست و سـزاوار است این زنان بعد از گذشتن عدّه ازدواج کنند; مگر این که مانعی داشته باشند و ترک صله رحم نیز کار صحیحی نمی باشد.

صفحه۱۰۳

۱۲– مسائل نماز

مسائل نماز

مقـدّمه: نماز رابطه انسان با خـدا و مایه صـفای روح و پاکی دل و پیـدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. نمـاز مهمترین عبادات است که طبق روایات «اگر قبول درگاه خـدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهـد شـد و اگر قبول نگردد اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد»(۱).

در آیات قرآن مجید و روایات اسـلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمّه معصومین(علیهم السلام) از مهمترین کارهایی که

روی آن تأکید شده نماز است. بدین جهت ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود.

سزاوار است انسان نماز را اوّل وقت بخوانـد و به آن اهمیّت بسیار دهـد و از تند خواندن نماز، که ممکن است مایه خرابی آن گردد، جـدّاً بپرهیزد. روح نماز «حضور قلب» است، بنابراین باید عوامل حضور قلب را در خود تقویت کند، مثل این که معانی کلمات نماز را بفهمـد و در حال نماز به آن توجّه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسـی سخن می گویـد و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خدا بسیار کوچک ببیند. و نیز کارهائی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می کنـد انجـام ندهـد، مثلاـ در حـال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میـان صـدا و در برابر منظره هایی که جلب توجّه می کند به نماز نایستد.

پاورقی

۱. مرحوم علاّمه مجلسی(رحمه الله) در جلد ۸۰ بحارالانوار، صفحه ۲۰ و ۲۵، به این روایت اشاره کرده است.

صفحه ۱۰۴

سر و صدا و در برابر منظره هایی که جلب توجّه می کند به نماز نایستد

کارهـائی که ثواب نماز را زیاد می کنـد انجام دهـد، لباس پاکیزه بپوشـد، موهای خود را شانه بزنـد و مسواک کنـد و خود را خوشبو نمایـد و انگشـتر عقیـق بـه دست کنـد. امیـد است که خداونـد مهربـان همه مـا را جزء نمـازگزاران واقعی قرار دهـد و عبادتهای ناقص مارا به فضل و کرمش قبول فرماید.

احکام اوقات نماز

سؤال ۳۰۶: خانم بچّه داری که برای تطهیر لباسهایش مشکل دارد، آیا بهتر است که نماز ظهر و عصر را در

اوّل وقت بخواند، یا صبر کند تا در آخر وقت با لباس پاک بخواند و بلافاصله نماز مغرب و عشاء را نیز با همان لباس پاک اقامه نماید؟

آیا مردی که وظیفه تربیت بچّه خردسالی را بر عهده گرفته، نیز همین حکم را دارد؟

جواب : باید نمازها را در زمانی بخواند که می تواند با لباس پاک انجام دهد، و فرقی بین مرد و زن از این نظر نیست.

سؤال ۳۰۷: درمسأله ۶۸۲ رساله توضیح المسائل حضرتعالی، یکی از راههای شناخت فرا رسیدن وقت نماز را «شهادت یک مرد عادل» شمرده اید، آیا «مرد» در این مسأله خصوصیّت دارد، یا شهادت «زن» نیز کافی است؟

جواب : اگر شهادت زن نیز موجب اطمینان، یا ظنّ قوی شود، کافی است.

سؤال ۳۰۸: هر گاه شوهر در اوّل وقت نماز تقاضای تمکین کند، آیا اجابت تقاضای او مقدّم است، یا انجام نماز اوّل وقت، که از مستحبّات مؤکّد است و در روایات راجع به آن سفارش زیادی شده است؟ و اگر زن به خواسته شوهر اعتنا نکرد و به نماز پرداخت، نمازش چه حکمی دارد؟

جواب : اجابت شوهر مقدّم است، ولی اگر به نماز بپردازد گناه کرده، امّا نماز او باطل نیست.

سؤال ۳۰۹: انجام نمازهای مستحبّی مقدّم است، یا اجابت در خواست شوهر؟ مخصوصاً در نمازهای مستحبّی که وقت آن محدود است، به گونه ای که اگر دعوت شوهر اجابت شود وقت آن تمام می شود، کدام یک مقدّم است؟

جواب : اجابت دعوت شوهر (در صورتی که در حدّ معمول و معقول باشد) مقدّم است.

پوشانیدن بدن در نماز

مسأله ۳۱۰: زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتّی سر و موی خود را،

بپوشاند ولی پوشاندن گردی صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، امّا برای این که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسأله ۳۱۱: برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دستبند و گردنبند) نیز لازم است.

سؤال ۳۱۲: آیا پوشش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف، بدن او دیده نشود؟ آیا پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز، در جایی که نامحرم نیست، لازم است؟

جواب : پوشاندن تمام بدن در نماز، به استثناء وجه و کفّین و پاها تا مچ، از چهار طرف لازم است و زینت آلات اگر روی لباس باشد برای نماز اشکال ندارد.

سؤال ۳۱۳: نماز خواندن با مانتو و شلوار و روسری معمولی، یا بلوز و دامن و جوراب و روسری معمولی، به گونه ای که به جز گردی صورت و دستها تا مچ بقیّه بدن پوشیده باشد، چه حکمی دارد؟ اگر این لباسها زینتی باشد چطور؟

جواب : اشکالی ندارد، هر چند چادر حجاب برتر است، و در صورتی که لباس زینتی باشد، ولی در مقابل نامحرمان نباشد، آن هم اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۴: استفاده از چادرهای نازک، که در برابر نور بدن نمایان می شود، برای

نماز چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که در آنجا نوری نباشد که بدن نمایان شود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۵: چنانچه زن هنگام نماز، یا پس از آن، دریابد قسمتی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده، پوشیده نشده است، تکلیف چیست؟

جواب : نمازش صحیح است.

سؤال ۳۱۶: من در

منزل معمولاً با لباس آستین کوتاه و دامن (بدون شلوار و روسری) به همراه چادر نماز می خوانم; ولی دو مطلب برایم موجب سؤال شده است، از شما ممنون خواهم شد اگر جواب آن را بفرمائید:

الف: به هنگام رکوع قسمتی از ساق پا و به هنگام سجده قسمتی از ساق دستم نمایان می شود.

ب: گاهی از اوقات که می خواهم چادرم را مرتّب کنم، قسمتی از بدنم که باید پوشیده باشد آشکار می شود، آیا این موارد جزئی نیز برای نماز اشکال دارد؟

جواب : آری ظاهر شدن ساق دست یا ساق پا و مانند آن اشکال دارد.

سؤال ۳۱۷: در جایی که شخص نامحرم و اجنبی به قصد تلذّذ به دستها (تا مچ) و گردی صورت زن نمازگزار که زینت دارد، نگاه می کند، نماز خواندن بدون پوشاندن آنها چه حکمی دارد؟

جواب : اشکالی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که خود را در معرض دید نامحرم قرار ندهد.

سؤال ۳۱۸: در جائی که نامحرمی نیست، آیا زن می تواند با چهره ای کاملا آرایش کرده (البتّه با رعایت حجاب لازم برای نماز) به نماز بایستد؟

جواب : اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۹: فلسفه پوشش و حجاب زن به هنگام نماز چیست؟ مگر خداوند جمیل و دوست دار زیبائیها، از همه کس حتّی شوهر به زن نزدیکتر نیست؟ پس چرا زن باید خود را در مقابل خداوند بپوشاند؟

جواب : زن باید بهترین و مناسب ترین لباس را در مقابل خداوند بپوشد و بهترین لباس زن، حجاب کامل است، به علاوه این سبب می شود که در موارد دیگر حجاب را فراموش نکند.

سؤال ۳۲۰: آیا رعایت حجاب و پوشانیدن بدن در

اعمال عبادی غیر از نماز، همانند تلاوت قرآن و دعاء، فضیلتی برای زن محسوب می شود؟

جواب : دلیلی بر وجوب یا استحباب آن نداریم، ولی اگر مشکلی ایجاد نکند محترمانه تر محسوب می شود.

شرایط لباس به هنگام نماز

سؤال ۳۲۱: شوهرم اهل خمس و وجوهات شرعیّه نیست و تذکّرات و نصیحتهای من نیز تا کنون مؤثّر نبوده است، با توجّه به این که یکی از شرائط لباس نمازگزار این است که غصبی نباشد، نماز من با لباسهایی که از این پولها تهیّه می شود چه حکمی دارد؟

جواب : به شما و امثال شما اجازه می دهیم که در این لباسها تصرّف کنید و اگر می توانید وجوه شرعیّه آن را بپردازید و اگر توانایی ندارید به ذمّه بگیرید و هر زمان موفّق شدید بپردازید.

مسأله ۳۲۲: نماز خواندن با لباس طلا بافت برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می کند، ولی برای زنان، در صورتی که اسراف نباشد، اشکالی ندارد. در غیر حال نماز نیز پوشیدن چنین لباسی برای مردان حرام است.

مسأله ۳۲۳: زینت طلا، مانند انگشتر طلا و یا ساعت مچی طلا و مانند آن، برای مردان حرام است، و نماز با آن باطل است، و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلاـ هم خودداری شود، ولی همه اینها برای خانمها در نماز و غیر نماز جایز است.

مسأله ۳۲۴: پوشیدن لباسی که از ابریشم خالص است برای مردان حرام است،

حتّی عرقچین و بند شلوار، و نماز با آن باطل است. حتّی آستر لباس نیز نباید از ابریشم خالص باشد، امّا همه اینها برای خانمها، چه در حال نماز و چه در غیر نماز، جائز

است.

سؤال ۳۲۵: چرا استفاده از طلاـ و ابریشم در نماز و غیر آن، برای مردان ممنوع و برای خانمها جایز است؟ فلسفه آن را بیان فرمائید.

جواب : زینت جزئی از زندگانی زنان است و به همین دلیل اسلام اجازه استفاده از زینت حتّی طلا و لباس ابریشمی (در حدّ معقول و دور از اسراف) را به آنها داده است.

مسأله ۳۲۶: احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان، و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

سؤال ۳۲۷: منظور از این که فرموده اید: «پوشیدن لباس مخصوص مرد برای زن و بالعکس اشکال دارد» چه نوع لباسی است؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب : منظور لباسی است که در عرف عام می گویند لباس زنانه است (ولی هرگاه فسادی بر آن مترتّب نشود حرام نیست).

سؤال ۳۲۸: بسیار اتّفاق می افتد که زن در داخل منزل دمپائی شوهر یا شوهر دمپائی خانمش را می پوشد، آیا این کار اشکال دارد؟

جواب : اشکالی ندارد، بلکه لباسهای مخصوص هر کدام را نیز اگر دیگری بپوشد و مفاسدی بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد، امّا آنجا که فسادانگیز است حرام می باشد.

سؤال ۳۲۹: گاهی از اوقات در نمایش ها و تئاترهای مخصوص بانوان، که تمام بازیگرها زن هستند، زنانی که نقش مردها را بازی می کنند ناچارند لباس مردانه بپوشند، آیا در این صورت هم پوشیدن لباس مخصوص مردان اشکال دارد؟ یا این اشکال مخصوص جایی است که با چنین لباسی در جامعه ظاهر شود؟

جواب : آری آن هم اشکال دارد.

صفحه۱۰۹

سؤال ۳۳۰: آیا منظور از لباس مخصوص زنان یا مردان، لباسهایی مانند روسری و مقنعه و چادر

و دامن است که کاملاـ مختصّ به زنـان است، یا حتّی کت و شـلوار و بلوز و ماننـد آن، که مرد و زن هر دو می پوشـند، را نیز شامل می شود، هر چند شکل آنها متفاوت است؟

جواب : در صورتی که شکل آنها متفاوت باشد جزء لباسهای اختصاصی محسوب می شود.

برخی از مواردی که نجس بودن لباس یا بدن نمازگزار جایز است

مسأله ۳۳۱: یکی از موارد عفو، خون کمتر از درهم است، که اگر در لباس نمازگزار باشـد، نماز خوانـدن با آن جایز است، به شرط این که از خـون حیض و نفـاس و اسـتحاضه و خون سـگ و خوک و مردار و خون حیوان حرام گوشت و همچنین خون کافر نباشد (بنا بر احتیاط واجب).

سؤال ۳۳۲: یکی از مواردی که نجس بودن لبـاس نمـازگزار جایز است لباسـهای کوچک نمازگزار، ماننـد عرقچین و جوراب است، آیا جورابهای بلند زنانه، که گاهی بجای شلوار از آن استفاده می شود، و نیز «کر ست» مشمول این حکم می باشد؟

جواب : جورابهای بلند زنانه مشمول این حکم نیست، ولی مورد دوم مشمول همین حکم است.

مسأله ۳۳۳: یکی دیگر از موارد عفو، زنی است که پرستار بچّه می باشد و نمی تواند برای نماز به آسانی لباس طاهر تهیّه کند. هرگاه در شـبانه روز یک مرتبه لباس خود را بشویـد می تواند با آن نماز بخواند، هر چند لباسـش با بول بچّه نجس شود، ولی احتیاط آن است که لباس خود را برای اوّلین نمازی که به جا می آورد آب بکشد.

مسأله ۳۳۴: هرگاه بتوانـد با وسایلی (مثلا با پوشـکهای معمولی) جلوی سـرایت نجاست بچّه را بگیرد باید چنین کند و نیز اگر لباسهای متعدّد دارد باید از

لباس پاک استفاده کند.

صفحه ۱۱۰

سؤال ۳۳۵: آیا در حکم فوق بین مادر بچّه و زن دیگری که برای پرستاری بچّه اجیر شده، تفاوتی وجود دارد؟ اگر مردی پرستاری چنین بچّه ای را بر عهده بگیرد، آیا مشمول این حکم می شود؟

جواب : فرقی بین مادر و زنان دیگر، که پرستاری بچّه را بر عهده دارند، نیست.

برخی از مستحبّات و مکروهات لباس نمازگزار

سؤال ۳۳۶: آیا کراهت لباس سیاه برای نماز، شامل چادر مشکی و همچنین عبای مشکی می شود؟

جواب : معروف کراهت لباس سیاه در نماز است و دلیلی که برای آن ذکر شده زن و مرد، هر دو، را شامل می شود، ولی عبا از آن استثناء شده و بعید نیست چادر زنان نیز مشمول استثناء باشد.

سؤال ۳۳۷: در مسأله ۷۹۰ رساله حضرتعالی آمده است که: «استعمال بوی خوش در لباس نمازگزار به امید ثواب مطلوب است». آیا برای زنی که در مسجد نماز می خواند، استعمال بوی خوش به هنگام نماز جایز است؟ مخصوصاً اگر بداند، یا احتمال دهد، که به هنگام بازگشت از مسجد به سوی خانه، بوی آن را مرد نامحرم استشمام می کند؟

جواب : در چنین صورتی احتیاط اجتناب است.

مکان نمازگزار

مسأله ۳۳۸: زن باید در نماز، عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب تر باشد و الاّ نمازش باطل است، و در این حکم محرم و نامحرم تفاوتی ندارد، ولی اگر میان مرد و زن دیوار، یا پرده و مانند آن باشد، یا به اندازه ده ذراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد اشکال ندارد.

مسأله ۳۳۹: اگر زن در کنار مرد، یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو

صفحه ۱۱۱

باطل است، امّا اگر یکی قبلا وارد نماز شده باشد نماز او صحیح و نماز دومی باطل است.

سؤال ۳۴۰: با توجّه به این که شرط مذکور در دو مسأله بالا، در مسجدالحرام رعایت نمی شود و زنها در ردیف مردها و گاهی جلوتر از آنها به نماز می ایستند، نماز طواف و سایر

نمازهای واجب و مستحبّ آنها چه حکمی دارد؟

جواب : در آنجا اشکالی ندارد.

سؤال ۳۴۱: آیا بودن پرده و دیوار و مانند آن، بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی دارد؟

جواب : بودن پرده بهتر است، ولی واجب نیست، مشروط بر این که موازین شرعی رعایت شود.

مسأله ۳۴۲: بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت، که دیگری نمی تواند به آنجا وارد شود، اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است و نماز خواندن در آنجا نیز اشکال دارد. همچنین نماز خواندن در محلّی که مجلس گناه است، مثل این که در آنجا شراب می نوشند، قمار می زنند، یا غیبت می کنند، اشکال دارد.

مسأله ۳۴۳: برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم بخوبی حفظ کنند بهتر است در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

اذان و اقامه

سؤال ۳۴۴: آیا اذان و اقامه مردان و زنان مانند هم است، یا تفاوت دارد؟

جواب : تفاوتی با هم ندارد; ولی اگر زن مایل باشد می تواند بجای اذان کامل، تنها چهار تکبیر و شهادتین را بگوید، و بجای اقامه، دو تکبیر و شهادت به وحدانیّت خداوند و نبوّت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) بدهد.

صفحه ۱۱۲

مسأله ۳۴۵: در پنج مورد اذان ساقط می شود و بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترک کرد. یکی از آن موارد، نماز عصر و عشای زن مستحاضه است که باید بلافاصله آن را بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند.

مسأله ۳۴۶:

اگر مرد اذان زن را بشنود اذان از او ساقط نمی شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود از او ساقط می شود.

مسأله ۳۴۷: در جماعتی که مردان و زنان شرکت دارند، اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان، اذان و اقامه زنان کافی است.

واجبات و مستحبّات نماز

سؤال ۳۴۸: حکم نماز پیرزنی که در قرائت و اذکار نمازش غلطهای زیادی دیده می شود و قدرت بر اصلاح و تصحیح آنها ندارد، چیست؟

جواب : اگر قادر به یاد گرفتن نباشد به همان شکل که می تواند بخواند.

مسأله ۳۴۹: شایسته است در حال ایستادن (به هنگام نماز) مردان کمی پاها را باز بگذارند و زنان به هم بچسبانند.

سؤال ۳۵۰: بعضی از فقهاء معتقدند که خانمها به هنگام ایستادن در نماز، مستحبّ است دستها را روی سینه و آقایان روی رانها بگذارند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب : بهتر است که زنها هم مطابق معمول دستها را بیندازند.

مسأله ۳۵۱: واجب است زنان حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را آهسته بخوانند، امّا حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشاء» را می توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

سؤال ۳۵۲: آیا در مقدار خم شدن برای رکوع، و نحوه گذاشتن دست بر روی زانو به هنگام رکوع، و جلو و عقب بودن زانو در این حال، بین زنان و مردان نمازگزار تفاوتی وجود دارد؟

جواب : احتیاط آن است که آنها هم دست ها را بر سر زانو بگذارند.

صفحه ۱۱۳

سؤال ۳۵۳: آیا حضرتعالی علاوه بر مواضع هفتگانه که به هنگام سجده باید

بر روی زمین قرار گیرد، جاهای دیگری از بدن زنان مانند آرنجها را مستحب می دانید که بر زمین بگذارند؟

جواب : این کار به قصد رجا خوب است; ولی واجب نیست.

مسأله ۳۵۴: چند چیز در سجده به امید ثواب الهی مطلوب است:

از جمله این که به هنگام رفتن برای سجده، مردان اوّل دستها را بر زمین بگذارند و زنان اوّل زانوها را، و سپس به سجده روند.

سؤال ۳۵۵: آیا پس از سجده کیفیّت خاصّی برای نشستن خانمها مطلوب است؟

جواب : بهتر است مطابق معمول بنشینند.

سؤال ۳۵۶: برخی از فقهاء فرموده اند: «بر مردها مستحب است که موقع بلند شدن اوّل دستها و سپس زانوها را از زمین بردارند، ولی خانمها بتدریج و راست بایستند، به صورتی که حجم بدن آنها کمتر ظاهر شود» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب : رعایت این کار خوب است.

سؤال ۳۵۷: آیا مستحبّ است که زنان به هنگام نماز زیور آلات خود را همراه داشته باشند؟

جواب : این کار را به قصد رجاء انجام دهند.

برخی از مبطلات نماز

مسأله ۳۵۸: یکی از مبطلات نماز باطل شدن وضو به هنگام نماز است; خواه عمداً باشد، یا سهواً، و یا از روی ناچاری، ولی خارج شدن خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمی کند، به شرط این که به دستورات استحاضه عمل کرده باشد.

مسأله ۳۵۹: هر گاه مرد، یا زن نامحرم، و حتّی بچّه ای که خوب و بد را می فهمد به نمازگزار یا غیر نمازگزار سلام کند، جواب او واجب است.

سؤال ۳۶۰: اگر مرد نامحرمی به زن نمازگزار سلام کند، آیا جوابش واجب است

صفحه ۱۱۴

جواب : آری واجب است.

سؤال ۳۶۱: خانمی عادت دارد که همواره

آدامس بجود، حال اگر در حال نماز فراموش کند که آدامس در دهان اوست، یا عمداً آدامس را بیرون نیندازد (البتّه آدامسی که مزّه ای ندارد) آیا نمازش باطل است؟ بطور کلّی اگر زنی در حال نماز آدامسی که شیرینی آن از بین رفته را در دهان داشته باشد ولی نخورد، نمازش چه حکمی دارد؟ و اگر بجود چطور؟

جواب : عمداً این کار را نکند، مگر این که در گوشه دهانش باشد و آن را نجود.

نماز مسافر

سؤال ۳۶۲: مسافرت زن بدون اجازه شوهر چه حکمی دارد؟ نماز و روزه اش در سفر چگونه است؟

جواب : باید از همسرش اجازه بگیرد و بدون آن، باید نمازش را تمام بخواند; زیرا سفر او معصیت محسوب می شود، مگر این که سفر واجب باشد.

سؤال ۳۶۳: آیا زن در وطن تابع شوهر است؟

جواب : اگر قصد زن تبعیّت از شوهر بوده باشد، از نظر وطن تابع است.

سؤال ۳۶۴: آیا خروج الزامی زن از وطن، به تبعیّت از شوهر، اعراض محسوب می شود، یا بستگی به قصد و نیّت او دارد؟

جواب : بستگی به قصد و نیّت خود زن دارد; چنانچه امیدوار باشد که شوهر را باز گرداند اعراض نیست و اگر امیدی ندارد اعراض قهری حاصل است.

سؤال ۳۶۵: آیا اعراض قهری برای زنی که قصد جدایی و طلاق از همسرش ندارد، و همسرش نیز تصریح کرده که به وطن زوجه اش برای سکونت، هر چند موقّت، نمی رود، حاصل شده است، یا آنجا هنوز وطن اوست؟

جواب : این، مصداق اعراض قهری است.

سؤال ۳۶۶: دختری شوهر کرده و در شهر دیگری، که بیش از چهار فرسخ شرعی از

وطنش فاصله

دارد، در منزل شوهرش زندگی می کند، حکم نماز و روزه اش به هنگامی که برای صله رحم به زادگاهش باز می گردد و کمتر از ده روز می ماند چیست؟ اگر دختر ملکی در زادگاهش داشته باشد، آیا در حکم مسأله اثر دارد؟

جواب : اگر دختر تصمیم دارد با شوهر خود در شهر دیگری زندگی کند و قصد بازگشت برای اقامت مستمرّ به شهر پدری ندارد، نماز و روزه اش شکسته است; زیرا اعراض حاصل شده است.

سؤال ۳۶۷: زنی به عقد دائم مردی، که از شهرستان دیگری می باشد، درآمده است، ولی هنوز عروسی نکرده اند. آیا قبل از شروع زندگی مشترک، شهرستان شوهر وطن زن نیز محسوب می شود؟

جواب : وطن او محسوب نمی شود.

سؤال ۳۶۸: حدود بیست سال است که ازدواج کرده و از وطن به شهر محل سکونت شوهرم آمده ام و هنوز مشخّص نیست که برای زندگی مستمر به زادگاهم بر خواهم گشت، یا نه؟ آیا اعراض قهری حاصل شده است؟ بطور کلّی چند سال دوری از وطن، یا اقامتگاه سابق، اعراض قهری محسوب می شود؟

جواب : این گونه موارد، و حتّی کمتر از آن، اعراض قهری محسوب می شود.

نماز جماعت(۱)

مسأله ۳۶۹: یکی از شرائط نماز جماعت، نبودن حایل و مانع میان امام و مأموم و نیز میان مأمومین نسبت به یکدیگر است، امّا اگر مأموم زن باشد حایل میان او و

پاورقی

۱. نماز جماعت از مهمترین مستحبّات و از بزرگترین شعائر اسلامی است. و در روایات تأکید فوق العاده ای نسبت به آن شده است برای همسایه مسجد، یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده

و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را با جماعت بخواند.

در روایتی آمده است که: «اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت آن ثواب ۱۵۰ نماز را دارد، و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت آن، ثواب ۶۰۰ نماز، و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و هر گاه عدد آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها کاغذ و تمام دریاها مرکّب و درختها قلم و ملائکه و انسانها و جنّیان نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند». (بحار الانوار، چاپ بیروت، جلد ۸۵، صفحه ۱۴، حدیث ۱۶.)

مردان مانعی ندارد.

سؤال ۳۷۰: آیا دیوار حائل بین صفوف بانوان و آقایان، قاطع صفوف نماز جماعت می باشد؟

جواب : در صورتی که دیوار به قدری بلند نباشد که دو محل را از هم جدا کند و در واقع همه آنها زیر یک سقف نماز بخوانند، اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۱: اگر مأموم مرد است امام هم باید مرد باشد; ولی امامت زن برای زنان (با وجود سایر شرائط) مانعی ندارد.

مسأله ۳۷۲: زن مستحاضه، بنابر احتیاط واجب، حق ندارد امام جماعت بانوان شود.

مسأله ۳۷۳: مستحبّ است به امید ثواب الهی، امور زیر در جماعت رعایت شود:

الف: اگر مأموم یک زن است و امام جماعت مرد است، مأموم در طرف راست امام بایستد، بطوری که جای سجده اش مساوی زانو یا قدم امام باشد و اگر یک مرد و یک زن، یا یک مرد و چند زن باشند، مرد در سمت راست امام و بقیّه پشت سر امام می ایستند و اگر چند مرد یا چند زن

باشند، همه پشت سر امام می ایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند، مردها پشت سر امام و زنها پشت سرمردها بایستند.

ب: اگر امام و مأموم هر دو زن باشند در یک صف می ایستند; ولی امام کمی جلوتر می ایستد.

سؤال ۳۷۴: طیّ پرسشنامه ای که بین دانشجویان این دانشگاه توزیع گشت، سؤالاتی در مورد نماز جماعت دانشگاه مطرح شد، از پاسخ های جمع آوری شده معلوم شد که اهمّیّت نماز جماعت و شرکت در آن در مساجد، برای خانم ها محلّ سؤال می باشد. مثلا بعضی از خانم ها بر این باورند که: «مستحبّ است زنان نماز خود را در خانه بجای آورند» یا «نماز جماعت آن قدر که برای آقایان ثواب دارد، برای خانم ها ثواب ندارد» این قبیل تفکّرات مانع حضور برخی از خانمها در نماز جماعت شده است. لطفاً نظر مبارک را پیرامون مطالب فوق بیان فرمائید.

جواب : در شرایط فعلی برای زنان نیز مستحبّ است که نماز خود را در مسجد و

با جماعت بخوانند و مطمئنّاً ثواب زیادی دارد

صفحه ۱۱۷

نماز جمعه

مسأله ۳۷۵: نماز جمعه تنها توسّط مردان منعقد می شود; ولی زنان هم می توانند در آن شرکت کنند.

سؤال ۳۷۶: آیا در صورت حصول شرایط وجوب نماز جمعه، این نماز بر زنان نیز واجب می شود؟

جواب : واجب نیست; ولی شرکت آنها در نماز جمعه، مخصوصاً در زمان ما، کار خوبی است.

سؤال ۳۷۷: آیا شرکت بانوان در نمازهای جمعه و جماعت کراهت دارد؟

جواب : شرکت آنها در جمعه و جماعات، با توجّه به عناوین ثانویّه در عصر و زمان ما، اولی و بلکه گاهی لازم است.

مسأله ۳۷۸: امامت

زنان در نماز جمعه جایز نیست; هر چند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز باشد.

مسأله ۳۷۹: زنـان می تواننـد در نماز جمعه شـرکت کننـد و نمازشان صـحیح و مجزی از نماز ظهر است; امّا به تنهایی (بـدون شرکت مردان) نمی تواننـد نماز جمعه تشـکیل دهنـد، همانگونه که نمی تواننـد مکمّل (حـدّاقّل) عدد لازم (۵نفر) باشند، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۳۸۰: آیا زن بدون اجازه شوهرش می تواند در نماز جمعه، دعای کمیل و راهپیمائی های اسلامی، شرکت نماید؟

جواب : خروج زن از منزل در غیر واجبات، (مثل تشـرّف به حجّ واجب و مراجعه به دکتر) منوط به اجازه شوهر است; مگر در مـواردی کـه اگر به مجـالس دینی و مساجـد نرود، از اسـلام دور می مانـد و تعـالیم لازمه اسـلامی را فرا نمی گیرد و اخلاـق اسـلامی را ترک می کند، یا در آن ضـعیف می شود. در چنین شـرائطی شرکت در مراسم مزبور، برای بانوان مانعی ندارد، هر چند شوهر راضی نباشد.

صفحه ۱۱۸

صفحه ۱۱۹

۱۳– احکام روزه

مقدّمه

روزه یکی از عبادتهـای مهمّ اسـلامی است که در هر سـال تنها به مـدّت یک ماه، ماه مبارک رمضان، بر مسـلمانان واجب می شود. و یکی از بهترین روشهای خودسازی و تهذیب نفس است.

روزه از معـدود عباداتی است که گناه بزرگ ریا و خودنمائی نمی توانـد در آن نفوذ کند; زیرا شخصـی که اهل روزه است و لیـاقت بـار یـافتن به این ضـیافت الهی را دارد هرگز به غیر از خـدا به دیگری فکر نمی کنـد و شخصـی که لیـاقت این عبـادت بزرگ را ندارد و اهل روزه نیست، بلکه اهل ریا و خودنمائی است، لازم نیست روزه بگیرد و تظاهر

کند، بلکه بدون این که روزه بگیرد بدروغ خود را روزه دار نشان می دهد!

روزه از ارکـان پنجگـانه اسـلام، ابزار رسـیدن به تقوی، سپر آتش جهنّم، موجب سـلامتی انسان و خلاصه یکی از بهترین ابزار ترقّی و قرب الی الله است.

کارهایی که روزه را باطل می کند

مسأله ۳۸۱: جویـدن غـذا برای بچّه و همچنین چشـیدن غـذا و مانند آن و شسـتشوی دهان با آب یا دارو، اگر چیزی از آن فرو نرود روزه را باطل نمی کند و اگر بدون اراده به حلق برسد اشکالی ندارد، ولی اگر از اوّل بداند بی اختیار به حلق

می رسد روزه اش باطل است و قضا و کفّاره دارد.

سؤال ۳۸۲: اگر شـخص جُنب عمـداً تـا اذان صـبح غسـل نکنـد، بنـابر احتیاط واجب روزه اش باطل است; ولی اگر توانایی بر غسـل نـدارد، یا وقت تنگ است تیمّم نمایـد، امّا اگر از روی عمـد نباشـد روزه اش صـحیح است. و زنی که از حیض یا نفاس پاک شده و تا اذان صبح غسل نکرده در حکم کسی است که باقی بر جنابت مانده است.

سؤال ۳۸۳: آیا باطل شدن روزه به خاطر بقاء بر حیض و نفاس، مخصوص روزه ماه مبارک رمضان و قضای آن است، یا شامل تمام روزه ها می شود؟

جواب : در صورتی که از حیض و نفاس پاک شـده باشد، ولی هنوز غسل نکرده است، روزه ماه رمضان و قضای آن در چنین حالتی اشکال دارد و غیر آن اشکال ندارد، ولی اگر هنوز از حیض یا نفاس پاک نشده است روزه برای او جایز نیست.

مسأله ۳۸۴: اگر در ماه مبارک رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک

شود و برای غسل وقت نداشته باشد و تیمّم کند، روزه اش صحیح است، امّا اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت ندارد باید بعداً غسل کند و روزه او نیز صحیح است.

مسأله ۳۸۵: اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود نمی تواند روزه بگیرد، همچنین اگر در اثناء روزه، خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد.

مسأله ۳۸۶: اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاك شود و در غسل کردن کوتاهی کند، بنابر احتیاط واجب روزه اش باطل است، ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلا منتظر باشد که حمّام باز شود، یا آب حمّام گرم شود و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمّم کرده باشد روزه او صحیح است.

سؤال ۳۸۷: اگر زنی که در حال حیض یا نفاس بوده پس از پاك شدن غسل را فراموش کند و تا آخر ماه مبارك رمضان به همین شکل روزه بگیرد و غسل واجب یا مستحبّ دیگری هم نکرده باشد، روزه هایش چه حکمی دارد؟

جواب : احتیاط واجب آن است که روزه ها را قضا کند، ولی کفّاره ندارد.

مسأله ۳۸۸: زنی که در حال استحاضه است باید غسل خود را، به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد، به جا آورد و روزه او صحیح است.

سؤال ۳۸۹: در ماه مبارك رمضان به بیماری مخصوص خانمها گرفتار شدم، به دکتر متخصّص مراجعه کردم، دکتر نوعی کرم جهت استعمال درون رحم تجویز کرد، من مجبورم این کار را با وسیله مخصوصی انجام دهم، آیا این کار مشمول حکم تنقیه (اماله کردن) است که

روزه را باطل می کند؟

جواب : اشکالی ندارد.

سؤال ۳۹۰: بتازگی خداوند فرزندی به من عنایت کرده است، با توجّه به این که فرزند اوّل من است به هنگام شستن کهنه هایش حالت تهوّع و قی کردن به من دست می دهد و گاهی نیز قی می کنم، اگر در حال روزه این حالت پیش آید چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که عمداً این کار را نکنید اشکالی ندارد.

برخی از مکروهات روزه

مسأله ۳۹۱: چند کار برای روزه دار مکروه است، از جمله:

الف: سرمه کشیدن، در صورتی که مزّه یا بوی آن به حلق برسد.

ب: نشستن زن در آب، بنا بر احتیاط.

سؤال ۳۹۲: آیا مداد کشیدن برای خانمهای روزه دار، در حکم سرمه کشیدن است و مکروه می باشد؟ بطور کلّی استفاده از لوازم آرایشی برای زنان روزه دار چه حکمی دارد؟

جواب : این کار موجب بطلان روزه نیست، ولی بعید نیست که هر چیزی که کار سرمه را کند کراهت داشته باشد. و سایر آرایشها در صورتی که خفیف باشد اشکالی ندارد.

صفحه ۱۲۲

قضا و کفّاره روزه

مسأله ۳۹۳: هرگاه روزه خود را عمداً باطل کند، بعد به مسافرت برود کفّاره از او ساقط نمی شود، ولی اگر عمداً روزه خود را باطل کند بعد عذری مانند حیض، یا نفاس، یا بیماری برای او پیدا شود کفّاره بر او واجب نیست.

مسأله ۳۹۴: هرگاه زن روزه دار شوهر روزه دار خود را مجبور به جماع کند، فقط یک کفّاره بر او واجب است و لازم نیست کفّاره شوهر را بدهد.

سؤال ۳۹۵: وظیفه خانمی که سال اوّل تکلیف روزه اش را خورده، چیست؟

جواب : کفّاره ندارد، خواه جاهل مقصّر بوده یا قاصر، ولی اگر عمداً و آگاهانه روزه نگرفته کفّاره دارد و در تمام صورتهای مسأله، قضا لازم است.

مسأله ۳۹۶: کسی که به واسطه بیماری، یا حیض، یا نفاس، روزه ماه رمضان را نگیرد و پیش از پایان ماه رمضان از دنیا برود لازم نیست روزه هایی را که نگرفته برای او قضا نمایند.

زنانی که روزه بر آنها واجب نیست

مسأله ۳۹۷: روزه گرفتن بر زنان بارداری که وضع حمل آنها نزدیک است و روزه برای حمل آنها ضرر دارد واجب نیست، ولی باید برای هر روز یک مُدّ (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو یا مانند آن به فقیر بدهند(۱)، امّا اگر روزه برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و کفّاره هم ندارد، ولی بعداً قضا می کند.

سؤال ۳۹۸: از مسأله ۱۴۵۳ رساله حضرتعالی (مسأله فوق) استفاده می شود که اگر روزه گرفتن برای حمل زنان باردار ضرر داشته باشد روزه بر این دسته از خانمها واجب نیست و بعداً قضا نیز ندارد و فقط باید کفّاره مدّ طعام بدهند. آیا چنین برداشتی صحیح است؟

پاورقی

۱. بهتر

آن است که بجای گندم و جو، نان را انتخاب کند و در این صورت احتیاط واجب آن است که نان به اندازه ای باشد که گندم خالص آن ۷۵۰ گرم باشد.

جواب : آری صحیح است.

مسأله ۳۹۹: زنانی که بچّه شیر می دهند، خواه مادر بچّه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچّه شود روزه بر آنها واجب نیست; ولی برای هر روز همان کفّاره (یک مُدّ طعام) واجب است، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند، امّا اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد، نه روزه واجب است و نه کفّاره، ولی بعداً باید روزه هایی را که نگرفته اند قضا نمایند.

مسأله ۴۰۰: اگر کسی پیدا شود که بدون اُجرت، بچّه را شیر دهد، یا شخصی پیدا شود که اُجرت دایه را بی منّت بپردازد، در این صورت روزه گرفتن واجب است.

سؤال ۴۰۱: زنی ۶۳ ساله هستم که شش بچّه به دنیا آورده ام، در دوران حاملگی و شیر خوارگی بچّه هایم (حدود ۱۲ سال) نتوانستم روزه بگیرم، پس از آن نیز تاکنون هر وقت خواستم روزه بگیرم دچار خونریزی معده شده ام و با توصیه پزشکان روزه نگرفته ام، حال تکلیف بنده چیست؟

جواب : در حال حاضر شما مکلّف به روزه نیستید و احتیاط آن است که اگر قدرت دارید برای هر روز به اندازه یک مدّ طعام به شخص مستحقّی بدهید، همچنین برای ایّام گذشته که روزه نگرفته اید و تا سال بعد هم توانائی بر روزه نداشته اید.

سؤال ۴۰۲: دختری به سنّ بلوغ رسیده، ولی به واسطه ضعف جسمانی توان روزه گرفتن در ماه

مبارک رمضان ندارد و بعد از ماه مبارک هم تا سال بعد نمی تواند قضا کند، حکمش چیست؟

جواب : بایـد کفّاره مُدّ طعام بدهد; یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم گنـدم، یا مانند آن، به فقیر بدهد و قضای این روزه ها بر او واجب نیست.

روزه های حرام و مستحب

مسأله ۴۰۳: روزه گرفتن زن (روزه مستحبّی) در صورتی که حقّ شوهرش از بین

صفحه ۱۲۴

برود بدون اجازه او جایز نیست و اگر حقّ او از بین نرود نیز بنابر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد.

مسأله ۴۰۴: برای زنانی که در بین روز از عادت ماهانه یا نفاس پاک می شوند مستحبّ است اعمالی که روزه را باطل می کند ترک کنند، هر چند روزه بر آنها واجب نیست.

صفحه ۱۲۵

۱۴ـ احکام اعتکاف

مقدّمه

اعتکاف یک برنامه مهمّ خودسازی است که انسان را در مـدّت چنـد روز به کلّی از مظاهر مادّی دنیا جـدا می سازد و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می کنـد و او را به نگریسـتن مجدّد به برنامه های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسـبه و مراقبه وا می دارد و در مجمـوع یـک تولّـد ثـانوی محسـوب می شـود، شایسـته است مسـلمانان از آن بهره گیرنـد و این سنّت اسلامی را زنده نگه دارند.

سؤال ۴۰۵: آیا اعتکاف اختصاص به مردان دارد، یا زنان نیز می توانند معتکف شوند؟

جواب : فرقی بین زنان و مردان در استحباب اعتکاف نیست.

سؤال ۴۰۶: آیا در اعتکاف زن و فرزند، اجازه شوهر و ولیّ لازم است؟

جواب : زن بنابر احتیاط واجب باید از همسرش اجازه بگیرد; ولی فرزندان بالغ احتیاج به اجازه ولیّ ندارند.

سؤال ۴۰۷: در جواب سؤال ۴۹۹ کتاب اسـتفتائات جدیـد، جلد دوم، آمده است: «بوئیدن عطریّات و بوهای خوش، هر چند به قصـد لـذّت نباشـد، برای معتکف حرام است» بـا توجّه به این مسـأله و با توجّه به این که غالب موادّ آرایشـی بانوان دارای بوی خوش است، آرایش نمودن زن معتکف چه

حکمی دارد؟

صفحه ۱۲۶

جواب : اشکال دارد.

سؤال ۴۰۸: اگر زن معتکف را طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟

جواب : اعتکافش باطل می شود و بایـد برای ادامه عـدّه به خانه شوهر برود؛ زیرا زن در مدّت عدّه طلاق رجعی، نباید از خانه شوهر خارج شود.

صفحه ۱۲۷

۱۵- احکام خمس

مقدّمه

خمس یکی از عبادات مالی است که تحت شـرائط ویژه بر افراد خاصّی واجب می شود. خمس پشتوانه مطمئن و مناسبی برای بیت المال مسلمین می باشد. خمس قسمتی از خلأ اقتصادی موجود در جامعه اسلامی را پر نموده و بودجه مورد نیاز فعالیّتهائی که جنبه دینی دارد را تأمین می کند.

سؤال ۴۰۹: آیـا تعیین سـال خمسـی اختصاص به مردها دارد، که به عنوان نان آور و مـدیر خانواده هسـتند، یا شامل زنان خانه داری که تحت سـرپرستی مردهـا به سـر می برنـد و عایـدات جزیی دارنـد نیز می شود؟ در صورتی که جواب مثبت است، آیا نحوه محاسبه خمس اموال آنان با مردان متفاوت است؟

جواب : هر کس درآمـدی زاید بر مخارجش دارد باید سال خمسـی داشـته باشد و بعد از گذشـتن سال اموال خود را تخمیس کند، و تفاوتی بین زن و مرد از این جهت نیست.

سؤال ۴۱۰: از آنجا که اینجانبه معلّم هستم حساب سال جداگانه ای از شوهرم دارم، می خواستم بدانم که آیا به لوازم مصرفی، که قسمتی از آن در پایان سال اضافه می آید، مانند لوازم آرایش خانمها، خمس تعلّق می گیرد؟ بطور کلّی، آیا لوازم آرایش جزء مؤونه است، یا همه آن خمس دارد؟

صفحه ۱۲۸

جواب : این لوازم در حدّ معقول جزء مؤونه است و هر گاه چیزی از آن آخر سال اضافه

بیاید خمس دارد و این در صورتی است که باقیمانده واقعاً قیمت داشته باشد.

مسأله ۴۱۱: در میان بسیاری از خانواده ها معمول است که جهیزیّه دختران را تدریجاً تهیّه می کنند، چنانچه سال بر آن بگذرد خمس آن واجب است; ولی در مناطقی که اگر جهیزیّه را قبلاـ تهیّه نکنند عیب محسوب می شود، یا این که تهیّه آن جز به صورت تدریجی مشکل است، خمس ندارد.

سؤال ۴۱۲: دختری شاغل و در سنّ ازدواج می باشم، بر خلاف آنچه در بین مردم متداول است، من به تدریج جهیزیّه ام را تهیّه نمی کنم، بلکه پولی که هر ماه بدست می آورم را تبدیل به طلاـ نموده و نگهداری می کنم تا به هنگام نیاز جهیزیّه را یکجا تهیّه کنم، تا هم نیازی به حفظ و نگهداری نداشته باشد و هم مُد روز باشد. آیا به این پس اندازها خمس تعلّق می گیرد؟

جواب : آری به اینها خمس تعلّق می گیرد، ولی چنانچه در زحمت باشند ما به اینگونه افراد اجازه می دهیم خمس آن را بر ذمّه بگیرند و هنگام توانایی بپردازند.

سؤال ۴۱۳: شغلم آرایشگری خانمهاست. در ضمن گاهی از اوقات برای همسایه ها لباس نیز می دوزم، آیا به لوازم آرایشگری و خیّاطی خمس تعلّق می گیرد؟

جواب : به هر گونه ابزار کار خمس تعلّق می گیرد، ولی اگر وسیله ای را برای زندگی شخصی بگیرید و گاهی از آن برای دیگران استفاده کنید، خمس ندارد.

سؤال ۴۱۴: آیا به شیربها و مهریّه خانمها خمس تعلّق می گیرد؟

جواب : خمس ندارد.

سؤال ۴۱۵: اگر خانمی دارای زینت آلات طلا باشد و برخی از آن نیز هدیه

باشد و سال بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟

جواب : چنانچه زینت آلات مزبور مورد نیاز و جزء شؤون او بوده باشد خمس ندارد.

سؤال ۴۱۶: مجبور شدم برای حلّ مشکلی از مشکلات زندگی، زینت آلاتم را

بفروشم، ولی اکنون بیش از یک سال پول آن نزد من است، آیا این پول مشمول خمس است؟

جواب : مشمول خمس نیست.

سؤال ۴۱۷: آیا حقوقی که ازطرف بنیاد شهید به خانواده محترم شهداء پرداخت می شود مشمول خمس است؟

جواب : بنابر احتیاط لازم در سر سال، خمس زیادی را بدهند.

سؤال ۴۱۸: بیشتر خانمهای شهر ما قالیباف هستند; ولی معمولا خرید لوازم فرش و نیز فروش فرش و تصرّف در پول حاصل از آن، به عهده شوهر است; با توجّه به این که بافتن این فرشها چندین سال طول می کشد، چگونه حساب می شود؟ آیا خمس آن بر عهده شوهر است، یا خود زن باید بپردازد؟

جواب : فرش هنگامی که آماده فروختن شد جزء درآمد آن سال محسوب می شود و خمس آن بر عهده کسی است که مالک آن فرش و درآمد آن است.

سؤال ۴۱۹: خانمی زمین موروثی پدری اش را فروخته و با پول آن خود و فرزندانش جهت عزیمت به حجّ، ثبت نام نموده اند. آیا در صورت گذشتن سال خمسی بر زمین یا پول آن، خمس به آن تعلّق می گیرد؟

جواب : ارث مشمول خمس نیست; مگر این که قیمت زمین از زمانی که مال الارث به او منتقل شده افزایش یافته باشد که به افزایش آن خمس تعلّق می گیرد، ولی اگر قبل از گذشتن سال، آن را برای نام نویسی هزینه کرده، در

این صورت چیزی بر او نیست.

سؤال ۴۲۰: متأسّفانه شوهرم اهل پرداخت وجوهات شرعیّه نیست، تکلیف من و فرزندانم چیست؟

جواب : به شما و امثال شما اجازه می دهیم که در صورت نیاز در اموال او به مقدار نیازتان تصرّف کنید و خمس آن را به ذمّه بگیرید و اگر بعداً توانایی پیدا کردید بپردازید و اگر توانایی پیدا نکردید بخشوده خواهد شد.

صفحه ۱۳۰

سؤال ۴۲۱: چنانچه پدری که نعوذ باللّه ثروتش از راه حرام بدست آمده، جهیزیّه ای برای دخترش تهیّه کند، یا هدیه ای به او بدهد، آیا دختر می تواند از آن استفاده کند؟ راه پاک کردن آن چیست؟

جواب : اگر یقین ندارد که از مال حرام است، برای او اشکالی ندارد. و اگر یقین دارد، چنانچه مقدار حرام و صاحبانش شناخته شده نیستند، واجب است خمس آن را بپردازد و بقیّه پاک می شود.

سؤال ۴۲۲: آیا سیادت از طریق مادر به فرزندان او منتقل می شود؟

جواب : بعضی از احکام سیادت، از جمله گرفتن خمس، منتقل نمی شود و سبب آن در کتب فقهیّه نوشته شده است.

سؤال ۴۲۳: آیا می توان به زن سیّده ای که شوهرش سیّد نیست، ولی نیازمند است، از سهم سادات کمک نمود تا خرج شوهر و فرزندانش کند؟

جواب : اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۴: چرا وقتی پدر خانواده سیّد است به فرزندانش سیّد می گویند، ولی اگر مادر سیّد باشد به آنها سیّد نمی گویند؟

جواب : معمولاـ نسب انسان در عرف از طریق پدر منشعب می شود، به همین جهت همیشه فامیل کودکان مطابق فامیل پدر ثبت می شود، و در اسلام نسب خانواده از طریق پدر است;

هر چند سیادت مادر نیز سبب احترام فرزند است.

صفحه ۱۳۱

۱۶- احکام زکات

مقدّمه

زکات نیز از عبادات مالی اسلام است و با شرائط خاصّی واجب می شود. در اهمیّت زکات همین بس که خداوند متعال در نزدیک به سی آیه قرآن، پس از دستور به نماز، سفارش به زکات می کند، گوئی رابطه ای عمیق بین نماز و زکات است، به گونه ای که نماز بی زکات، نماز مقبولی نخواهد بود.(۱)

روایات فراوانی نیز در مورد زکات وجود دارد، از جمله در روایتی می خوانیم که: «مانع زکات و شخصی که زکات بر او واجب شده و نمی پردازد مسلمان از دنیا نمی رود!».(۲)

سؤال ۴۲۵: من بتازگی ازدواج کرده ام، مجموع طلاهایی که همسرم و بستگانش و نیز بستگان و آشنایان خودم به من هدیه کرده اند بیش از ۱۵ مثقال معمولی (نصاب اوّل طلا) می باشد و اکنون بیش از یک سال است که از آنها استفاده می کنم، آیا به این طلاها زکات تعلّق می گیرد؟ زکات آن چقدر است؟

جواب : زکات تنها به طلاهایی تعلّق می گیرد که به صورت سکّه رایج معامله باشد.

سؤال ۴۲۶: خواهر شوهرم مقداری از طلاجات خود را جهت استفاده در یک

جشن به رسم امانت به من داد و سپس بطور ناگهانی و بخاطر معالجه به خارج از کشور سفر کرد و اکنون بیش از یک سال است که این طلاها نزد من می باشد و

از آن استفاده می کنم، شخصی می گفت: «اگر کسی طلا قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد» آیا این مطلب صحیح است و زکات بر من واجب می باشد؟

پاورقی

۱. وسائل

الشیعه، جلد ۶، صفحه ۳، حدیث ۱.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۱۸، حدیث ۳ و ۵.

جواب : همانگونه که در مسأله بالا گفته شد این گونه طلاها زکات ندارد.

سؤال ۴۲۷: زن بیوه ای هستم که برای حفظ ارزش اندک ذخیره ای که دارم بیش از یک سال است که آن را تبدیل به ۳۰ عدد سکّه بهار آزادی کرده ام. آیا به این سکّه ها زکات تعلّق می گیرد؟

جواب : چون این سکّه ها بصورت پول رایج معامله در بازار به کار نمی رود زکات ندارد.

مستحقّین زکات

مسأله ۴۲۸: هر گاه شوهر مخارج همسرش را نمی پردازد، ولی زن می تواند از طریق حاکم شرع یا غیر او حقّ خود را بگیرد، چنین زنی نمی تواند از زکات استفاده کند.

مسأله ۴۲۹: زن می تواند به شوهر فقیر خود زکات دهد، هر چند شوهر زکات را بگیرد و صرف مخارج آن زن و اولادش کند.

سؤال ۴۳۰: شوهرم مفقود الاثر گردیده است، جهت طلاق به دادگاه مراجعه کردم قرار شد چهار سال جستجو کنند و پس از آن حکم طلاق را صادر کنند. در این مدّت از جهت نفقه واقعاً در مضیقه هستم، آیا می توانم از زکات استفاده کنم؟

جواب : آری، در چنین شرایطی استفاده کردن از زکات مانعی ندارد.

سؤال ۴۳۱: شوهرم وضع مالی مناسبی ندارد و مخارج خانواده اش را به سختی تأمین می کند، با توجّه به این که من سیّده هستم، آیا او که سیّد نیست می تواند زکات بگیرد و صرف مخارج ما نماید؟

جواب : اشکالی ندارد.

زکات فطره

مسأله ۴۳۲: اگر انسان نانخور کسی باشد، ولی قبل از غروب عید فطر نانخور دیگری شود، زکات فطره او بر عهده شخص دوم است; مثل این که دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود که شوهرش باید فطره او را بدهد.

مسأله ۴۳۳: زنی که شوهرش مخارج او را نمی دهد و نانخور دیگری است فطره اش بر عهده کسی است که نانخور او می باشد و اگر زن غنی است و از مال خود خرج می کند باید شخصاً فطره را بدهد

صفحه ۱۳۴

صفحه ۱۳۵

۱۷- احکام حج

مقدّمه

حج یکی از ارکان مهمّ اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است. حج در تمام طول عمر انسان، طبق شرائط خاصّی، یکبار بر انسان واجب می شود که با انجام آن تولّدی دوباره می یابد و «مانند روزی که از مادر متولّد شده از گناهان پاک می شود»(۱). به بخشی از احکام حج توجّه فرمائید:

سؤال ۴۳۴: زنی مهریّه زیادی، که به حدّ استطاعت حج می رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلبکاری مستطیع شده و حج بر ذمّه او مستقر می شود؟ و هر گاه قبل از گرفتن مهریّه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حج بفرستند؟

جواب : هر گاه گرفتن مهریّه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود. و اگر نرفت، باید ورثه او از مالش بردارند و حجّ او را اداء کنند.

سؤال ۴۳۵: مهریّه خانمی چند برابر استطاعت او بوده است، آیا بعد از فوت او بر ورثه اش واجب است که قبل از

تقسیم اموال او مخارج حج را کسر کنند؟

پاورقی

۱. به بحارالانوار، جلد ۹۶، صفحه ۲۶، ۳۱۵، ۳۱۶ و ۳۴۱ مراجعه فرمائید.

صفحه ۱۳۶

جواب : چنانچه زن در زمان حیاتش، طبق عرف و عادت می توانسته مهریّه را از شوهر بگیرد، مستطیع بوده و باید از ترکه او برداشته شود و چنانچه نمی توانسته مستطیع نبوده است.

سؤال ۴۳۶: در بعضی از شهرها رسم شده است که «انجام حج» به عنوان بخشی از مهریّه زن در عقد نامه ذکر می شود، آیا به صرف اجرای عقد با چنین مهریّه ای، حج بر زن واجب می شود، یا حکم دیگری دارد؟

جواب : در صورتی که مشروط به شرط خاصّی نباشد و مطالبه کردن زن مشکلی برای او ایجاد نکند مستطیعه است و باید مطالبه کند و به حج برود.

سؤال ۴۳۷: زن جوانی از طریق شوهر، دوستان و اقوام، در جشن عروسی دارای مقداری طلا شده که با پول آن می تواند به حج مشرّف شود. آیا این عروس خانم مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و آرایش او می باشد طلای مذکور جزء مؤونه زندگی او است؟

جواب : اگر آن مقداری که دارد جزء شؤون او در مورد زینت است، مستطیع نیست.

سؤال ۴۳۸: دختری هستم که چندی پیش پدرم را از دست دادم، مقداری ارث به من رسید که کفاف یکی از دو مراسم ازدواج و حج را می نماید، ولی برای هر دو کافی نیست، آیا با این شرایط مستطیع هستم؟

جواب : در صورتی که نیاز به ازدواج دارید و علاوه بر مخارج ازدواج، پول دیگری برای حج ندارید مستطیع نیستید و حج بر شما واجب نیست.

مسأله ۴۳۹: هر

گاه زنی مالی دارد که می توانـد با آن به حـج برود، ولی بعـد از بازگشت، نه شوهر قادر بر تأمین زندگی اوست و نه خودش، حج بر او واجب نمی شود.

سؤال ۴۴۰: زنی نیاز به همراه دارد و همراه هم مزد می گیرد و او توانایی پرداخت مزد ندارد، آیا چنین زنی مستطیع است؟

جواب : مستطیع نیست.

سؤال ۴۴۱: خانمی به لحاظ مالی و بدنی و سایر شـرایط مستطیع است، ولی طفل شیر خواری دارد که با غیر او آرام نمی گیرد و نمی تواند او را همراه خود ببرد، آیا او مستطیع است؟

جواب : چنـانچه جـدا شـدن از طفـل موجب خطر جانی یا بیماری شدیـد او، یا سـبب عُسـر و حرج برای دیگران شود مسـتطیع نیست.

سؤال ۴۴۲: شوهرم تمام مخارج حجّ مرا بر عهـده گرفته است، ولی متأسّـفانه او اهل خمس نیست و من نیز از خود مالی ندارم که خمس بپردازم، تکلیف من در ارتباط با هزینه رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی و قربانی چیست؟

جواب : خمس اینها بر عهده شماست و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید.

سؤال ۴۴۳: اگر خـانمی قبـل از ازدواج نـذر کرده باشـد که حجّی بجا آورد و بعـد از آن ازدواج کنـد، آیا در این صورت نیز اجازه شوهر لازم است؟

جواب : اجازه شوهر لازم است و شوهر حقّ ممانعت دارد.

سؤال ۴۴۴: سازمان حجّ و زیارت از زنان مسـتطیعه اجازه رسمی شوهرانشان را می خواهد و شوهر بعضی از خانمها اجازه نمی دهند، تکلیف زن چیست؟

جواب : بعید است آنها در حجّ واجب اجازه شوهر را بخواهند، زیرا شرعاً اجازه شوهر شرط نیست.

سؤال ۴۴۵: اگر زوج، زوجه

عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کند، با توجّه به این که زوجه هنوز در خانه پدرش بسر می برد و نفقه خور همسرش نمی باشد، اگر در این حال عازم سفر عمره گردد، آیا سفر زوجه معصیت است؟ آیا احرام او صحیح می باشد؟ بطور کلّی وظیفه زوجه چیست؟

جواب : احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کند، ولی حج و عمره او درهر حال صحیح است، امّا احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند و اگر سفر اوّل او باشد، خواه برای حج و یا عمره، اجازه شوهر شرط نیست.

سؤال ۴۴۶: دختری هستم که مادرم قبل از بلوغ مرا به حج برده و تمام اعمال نیابت بردار را از طرف من انجام داده و اعمالی را که خود می توانستم انجام دهم، مرا وادار به انجام آن نموده است، آیا هم اکنون که استطاعت مالی دارم، دوباره حج بر من واجب است؟ در صورت عدم وجوب می توانم ازدواج کنم؟

جواب : هرگاه تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اید، از احرام خارج شده و می توانید ازدواج کنید و چنانچه استطاعت مالی و سایر شرایط را دارید مستطیع هستید و حَجّه الاسلام بر شما واجب است.

سؤال ۴۴۷: با توجّه به این که دولت (به خاطر خطرات احتمالی) از رفتن زنان حامله به حج جلوگیری می کند، آیا از نظر شرعی آنان مستطیعه هستند؟

جواب : چنین زنانی مستطیع نیستند.(۱)

پاورقی

۱ با توجّه به این که مسائل حج مورد ابتلای همه بانوان محترمه نیست و از سوی دیگر کتاب مستقلّی بنام «حجّ بانوان» مطابق با فتاوای حضرت

آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی «مدّظلّه» منتشر شده است، از ذکر بقیّه مسائل اختصاصی حجّ بانوان صرفنظر می کنیم؛ علاقمندان به کتاب مذکور مراجعه کنند.

۱۸- احکام ازدواج

مقدّمه

بی شک هیچ شالوده ای مقدّس تر از شالوده بنای رفیع ازدواج نیست، زیرا در سایه این بنای مقدّس، زن و شوهر به آرامش می رسند و نیازهای طبیعی خود را بر طرف می سازند و علاوه بر ساختن آینده خود در دنیا، برای جهان آخرت خود نیز بهتر گام بر می دارند و بدینسان امنیّت و آرامش جهان آخرت را نیز در این جهان و با این امر مقدّس پایه گذاری می کنند، بنابراین درخت پرثمر ازدواج میوه های شیرینی همچون آرامش فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی دارد، بدین جهت در آیات قرآن و روایات معصومان(علیهم السلام) فوق العاده مورد تأکید قرار گرفته است. به بخشی از احکام ازدواج توجّه فرمائید:

اولیای عقد

مسأله ۴۴۸: دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، چنانچه باکره باشد احتیاط آن است که با اجازه پدر یا جدّ پدری ازدواج نماید؛ ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازه او شرط نیست، همچنین اگر به پدر یا جدّ پدری خود دسترسی نباشد و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد، یا این که دختر قبلا شوهر کرده باشد، که در این

دو صورت نیز اجازه پدر و جدّ پدری در ازدواج جدید لازم نیست.

سؤال ۴۴۹: دختر باکره ای که عقل و شعور کافی دارد و به سنّ بلوغ رسیده، آیا می تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم یا موقّت مردی در آورد؟

جواب : جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۴۵۰: شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده است،

امّا والـدینش فرد دیگری را در نظر دارند، به گونه ای که اگر با او ازدواج نکند حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می گردد، آیا اطاعت از والدین در این صورت واجب است؟

جواب : رعایت نظر پدر و مادر در این گونه مسائل واجب نیست، ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

سؤال ۴۵۱: اگر در نکاح موقّت باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نباشد، یا دختر عدم دخول را شرط نماید، آیا اذن ولی شرط است؟

جواب : اذن ولی در تمام موارد شرط است، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۴۵۲: اگر مرد مقلّد مرجعی باشد که معتقد است: «ازدواج موقّت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است»، ولی دختر مقلّد کسی است که می گوید: «احتیاط واجب کسب اجازه پدر است» آیا آن مرد می تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟

جواب : دختر بنابر احتیاط واجب نمی تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

سؤال ۴۵۳: برای ازدواج با دختر باکره اذن پدر یا ولی شرط است، آیا در این مسأله، ازدواج موقّت با دائم فرق دارد؟

جواب : احتیاط واجب آن است که اجازه بگیرند و تفاوتی بین ازدواج موقّت و دائم نیست.

سؤال ۴۵۴: دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می رود و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح آنان بدون رضایت پدر اجرا می شود و اعمال

صفحه ۱۴۱ مترتّب بر ازدواج انجام می گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می کرد مانعی وجود نداشت، حکم عقد در صورت تحصیل رضایت و عدم تحصیل رضایت پدر چیست؟

جواب : بهتر این است که بعداً

رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۴۵۵: آیـا دختر باکره ای که پـدر و جـدّ پـدری نـدارد، به هنگام ازدواج بایـد از برادر، یا عمو، یا دایی، یا مادرش اجازه بگیرد، یا اصلا نیازی به اجازه ندارد؟

جواب : احتیاط این است که از بعضی بزرگترهای فامیل اجازه بگیرد; مخصوصاً برادر بزرگتر.

سؤال ۴۵۶: طبق فتوای مراجع عظام در صورتی که پـدر یا جـدّ پـدری غایب باشـد و دختر باکره احتیاج به شوهر داشـته باشد، اجازه ولی ساقط می شود. معنای «احتیاج داشتن به شوهر» چیست؟

جواب : منظور این است که به سنّی رسیده که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا خطر می افتد.

سؤال ۴۵۷: اگر دختر باکره ای با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب : در فرض مسأله، اگر پدر مخالفت کند، اذن او ساقط می شود.

سؤال ۴۵۸: به نظر حضر تعالی آیا کفو شرعی کافی است، یا کفو عرفی هم لازم است؟ منظور از کفو شرعی و عرفی چیست؟

جـواب : منظـور از کفـو شـرعی آن است که مسـلمان باشـد و منظـور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتمـاعی بـا هم متناسب باشـند و مراعات کفو عرفی لازم نیست; مگر در جایی که دختر رشـد فکری کافی ندارد و ولی برای او شوهر انتخاب می کند.

سؤال ۴۵۹: برای خاله بنـده خواسـتگارهای زیادی آمـده است که بیشتر آنها افرادی متـدیّن بوده انـد، ولی پدر بزرگ من، که پدر خاله ام می باشد، آنها را رد کرده است. او

صفحه ۱۴۲

می گوید فقط باید با فامیل من ازدواج کند. تکلیف خاله من چیست؟

جواب : هر گاه

خواستگاران با او تناسب داشته اند و کفو شرعی و عرفی او بوده اند، او حق نداشته آنها را رد کند. همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند و اجازه و اذن او در این موارد ساقط است; ولی در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

سؤال ۴۶۰: در بعضی از مواقع پسران و دختران مجرّد، که رشید می باشند، به اتّفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می نمایند که چندین بار خانواده پسر از خانواده دختر خواستگاری کرده، ولی پدر دختر بی جهت با ازدواج آنها مخالفت می کند که این امر باعث افسردگی دختر و پسر شده است. بدین جهت پسر و دختر اصرار دارند که عقد آنها بدون اذن ولیّ دختر خوانده شود; چون در عسر و حرج خاصّی بسر می برند. آیا در این گونه موارد اذن ولیّ دختر ساقط می شود؟

جواب : اگر شوهری که برای دختر پیدا شده شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حقّ مخالفت ندارد; ولی باید تحقیق کرد که چرا پدر مخالفت می کند.

سؤال ۴۶۱: اگر پدر دختر اجازه ازدواج ندهد، در حالی که دختر بر اثر ترک ازدواج به گناه می افتد، آیا در این صورت هم اجازه او لازم است؟

جواب : در صورتی که همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند رضایت او شرط نیست.

سؤال ۴۶۲: آیا در سقوط اذن ولیّ دختر باکره در صورت وجود کفو شرعی و عرفی برای دختر، انحصار کفو شرط است؟ مثل این که مانند این پسر که به خواستگاری او آمده

دیگر نخواهد آمد، یا انحصار شرط نیست، هر چند مانند این خواستگار، که ولیّ دختر با او مخالف است، افراد دیگری هم باشند و همه آنها کفو شرعی و عرفی دختر باشند، اذن ولی ساقط است؟

جواب : در صورتی که ولی با کفو شرعی و عرفی مخالفت کند، اجازه او ساقط است; خواه کسان دیگر باشند یا نباشند.

صفحه ۱۴۳

سؤال ۴۶۳: دختر و پسری (العیاذ باللّه) رابطه نامشروع داشته اند که در نتیجه دختر حامله می شود و در هفت ماهگی به وسیله پسر سقط جنین انجام می شود، آیا ازدواج آنان با یکدیگر، با توجّه به عدم موافقت پدر دختر، جایز است؟

جواب : در اینجا اجازه پدر دختر شرط نیست; ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

سؤال ۴۶۴: اگر پرده بکارت دختری بر اثر ورزش و مانند آن زایل شود، یا دختری به عقد مردی درآید و قبل از عروسی طلاق بگیرد، و یا در حین عقد از طریق غیر متعارف آمیزش کنند، ولی بکارت او محفوظ باشد. آیا در این موارد سه گانه اذن پدر ساقط می شود؟ بطور کلّی دختر باکره که در ازدواج نیاز به اجازه ولی دارد، به چه دختری گفته می شود؟

جواب : در صورتی که دختر شوهر کند و سپس طلاق بگیرد در مرتبه بعد بدون اذن ولی می تواند ازدواج کند.

سؤال ۴۶۵: پدری دختر صغیره خود را، که کمتر از ۹ سال دارد، بدون اطّلاع او به عقد مردی، که ۲۵ سال از او بزرگتر است و همسر دیگری هم دارد، در آورده است. دختر پس از بلوغ نارضایتی خود را اعلام و اصرار بر طلاق می

نماید، ولی شوهر حاضر به طلاق نمی شود، آیا عقد فوق صحیح است؟

جواب : چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده باطل است و دختر می تواند بدون طلاق شوهر کند; ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی تواند آن را بر هم زند.

سؤال ۴۶۶: آیا پدر و جدّ پدری در امر ازدواج بر فرزند صغیر خود ولایت دارند؟

جواب : با توجّه به این که ولایت پدر و جدّ پدری منوط به مصلحت صغیر است و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی باشد، بنابراین پدران، جز در موارد استثنائی، حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی در آورند.

سؤال ۴۶۷: می خواهم دختری را به عقد موقّت در آورم، ولی نمی دانم پدر او راضی

صفحه ۱۴۴

است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است» آیا حرف او قابل قبول است؟

جواب : احتیاط آن است که خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

شرایط مجاز و غیرمجاز در عقد نکاح

سؤال ۴۶۸: آیا زن می تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهرش شرط کند که تحصیل یا تدریس خود را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟

جواب : مانعی ندارد.

سؤال ۴۶۹: آیا زن می تواند شرط کند که از طرف مرد وکیل در طلاق خویش باشد؟ آیا این شرط، در ضمن عقد ازدواج تحقّق می یابد، یا باید عقد لازم دیگری انجام شود؟

جواب : این شرط می تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

سؤال ۴۷۰: آیا زن می تواند حقّ وکالت در طلاق خویش را برای فرد ثالثی، مثلا پدرش، به عنوان شرط ضمن العقد قرار دهد؟ و

آیا باید چنین شرطهایی را به هنگام عقد ازدواج قرار داد، یا بعد از عقد نیز می توان در ضمن عقد لازمی شرط کرد؟

جواب : قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز می توان آن را در ضمن معامله دیگری، هر چند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

سؤال ۴۷۱: اگر زن مهریّه خود را ببخشد، مشروط بر این که تا او زنده است شوهرش همسر دیگری اختیار نکند، لطفاً بفرمائید:

الف: آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

جواب : اشکالی ندارد.

ب: اگر مرد بر خلاف شرط عمل کند چه حکمی دارد؟ آیا زن دوم بر او حرام می شود؟

جواب : چنانچه مرد از شرط تخلّف کند و ازدواج مجدّد نماید، ازدواجش صحیح است و زن دوم بر او حرام نیست; ولی زن اوّل می تواند مهریّه اش را باز پس بگیرد.

صفحه ۱۴۵

سؤال ۴۷۲: آیا شرط عدم آمیزش و اکتفاء به سایر تمتّعات از سوی زن، مخصوصاً در عقد موقّت، مشروع است؟

جواب : مانعی ندارد.

عیوبی که به خاطر آن می توان عقد را فسخ کرد

قسمت اول

مسأله ۴۷۳: زن می تواند در چند صورت عقد را به هم بزند:

۱ دیوانه بودن شوهر ۲ نداشتن آلت مردی ۳ ناتوانی از نزدیکی جنسی

۴ بیضه های او را کشیده باشند.

مسأله ۴۷۴: هرگاه به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد را بر هم زند، شوهر باید نصف مهریّه او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد مرد یا زن عقد را به هم بزند، اگر با هم نزدیکی نکرده باشند چیزی بر مرد نیست و اگ.....Øjباشند، بنابر احتیاط واجب باید مرد تمام مهر را بپردازد.

سؤال ۴۷۵: شوهرم

پزشک محترمی بود؛ ولی متأسّفانه پس از چند سال زندگی مشترک، مبتلا به جنون شد. اختلال حواسّ او را به دادگاه اعلام کردم و پزشک قانونی نیز آن را تأیید کرده است. در صورتی که محجور شود نکاح خود به خود فسخ می شود، یا جهت فسخ نکاح باید به حاکم شرع مراجعه کنم؟

جواب : زن می تواند صیغه فسخ را جاری کند و احتیاط آن است که آن را به اطّلاع حاکم شرع برساند.

سؤال ۴۷۶: اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون ادواری مبتلا شوند، آیا حقّ فسخ نکاح را دارند؟

جواب : احتیاط آن است که به فسخ قناعت نشود، زوج از طلاق استفاده نماید و زن هم، در صورت موافقت زوج، از خلع استفاده کند.

سؤال ۴۷۷: اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوراً عقد را بر هم نزند و از شوهر جدا نشود؛ ولی راضی به عقد

صفحه ۱۴۶

نباشد، آیا در این صورت زن می تواند بدون طلاق شوهر کند؟

جواب : در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به مرد مهلت می دهد، اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست؛ مگر به ازدواج جدید.

سؤال ۴۷۸: اینجانبه مدّت دو سال و نیم است که به عقد دائم فردی درآمده ام که به علّت ناتوانی جسمی قادر به

تصاحب بنده نبوده و هنوز هم باکره می باشم. لطفاً در این خصوص به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف: آیا این مورد، از موارد فسخ است؟

ب: آیا شرعاً مستحقّ نفقه می باشم؟

ج: سایر حقوقی که به بنده تعلّق می گیرد چیست؟

جواب : در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حقّ فسخ دارید و چنانچه حکم را نمی دانسته اید و فسخ نکرده اید و آماده تمکین بوده اید، حقّ نفقه دارید و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد، حقّ نصف مهر را دارید.

سؤال ۴۷۹: اگر در مدّت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدّت، زوجه حقّ فسخ دارد؟

جواب : چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدّت تمکین تجدید شود.

سؤال ۴۸۰: زوجه مدّعی ناتوانی جنسی زوج است، ولی زوج برای نفی ادّعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه دکترهای عدول و مجامعت با زوجه را انجام دهد و نفقه زوجه را نیز نمی پردازد، حکم شرعی این زوجین را بیان فرمائید.

جواب : اگر زوج نسبت به ترک انفاق، اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود، حاکم شرع می تواند زوجه را مطلّقه سازد و یا حقّ او را از زوج بگیرد و نسبت به اتّهام عنین بودن، اگر این امر از ابتدای زوجیّت بوده و زوج حاضر به

آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد، باز حاکم شرع می تواند زوجه را مطلّقه سازد. ضمناً توجّه داشته باشید هر گاه ثابت شود زوج عنین است، باید یک سال

مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حقّ فسخ دارد و می تواند نصف مهر خود را بگیرد.

سؤال ۴۸۱: با توجّه به پیشرفت علوم پزشکی، در صورتی که با آزمایشات متعدّد اطمینان حاصل شود که زوج عنین است، آیا باز هم یک سال مهلت دادن لازم است؟

جواب : آری لازم است و باید به او فرصت معالجه داد.

سؤال ۴۸۲: زنی پس از سالها ازدواج بچّه دار نشده است، دکتر تشخیص داده که عیب از مرد می باشد، اکنون زن می گوید: «شوهرم فاقد بیضه است» و بدین جهت بچّه دار نشده است، آیا زن می تواند عقد را فسخ کند؟

جواب : در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می تواند فسخ کند; مگر این که بعد از آگاه شدن راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

سؤال ۴۸۳: شخصی، از دختری، که در افغانستان بسر می برد، برای پسرش، که در ایران است، خواستگاری می کند، دختر راضی می شود مشروط بر این که تعریف و توصیف هایی که پدر داماد از پسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر به ایران می آید متوجّه می شود آن توصیفها کاملاـ دروغ بوده و پدر و مادر پسر، عکس شخصی دیگر را به عنوان عکس فرزندشان به دختر نشان داده اند! آیا عقدی که خوانده شده صحیح است؟

جواب : در فرض مسأله دختر حقّ فسخ دارد.

سؤال ۴۸۴: زوجه ای در دوران عقد متوجّه بیماری روحی و عصبی صعب العلاـجی در شوهرش می شود، بگونه ای که عوارض بیماری (شوک های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی ثباتی شخصیّتی، نا بینایی موقّت، غش

و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره آمیز ساخته است. نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک و ضرورت

صفحه ۱۴۸

درمان چند ساله و نبودن عزم جدّی بر معالجه از سوی زوج و خانواده اش، آیا زوجه حقّ فسخ دارد؟ حکم مهریّه و نفقه چیست؟

جواب : در صورتی که قبلاـ زوج و کسان او اظهار داشته اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این صورت هر گاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است حقّ دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولاً با بذل مهریّه انجام می شود; مگر این که با زوجه توافق دیگری شود.

سؤال ۴۸۵: هر گاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «همسر و فرزندی ندارم» و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حقّ فسخ دارد؟

جواب : در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتّی موجب کمال نباشد، ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد و می تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

سؤال ۴۸۶: زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه در خارج از منزل موافقت کرده و متعهّد شده که ممانعت نکند، حال پس از گذشت چند سال از ازدواج و اشتغال زوجه،

زوج مانع ادامه کار او شده است، آیا زن در اینجا حقّ فسخ دارد؟

جواب : آری، اگر شوهر تخلّف از شرط کند، زوجه می تواند نکاح را فسخ کند.

قسمت دوم

سؤال ۴۸۷: والدینم مرا بالاجبار به عقد شخصی در آوردند، شوهرم پس از مدّتی مانع انجام فرائض دینی ام شد و معلوم گشت که او شیعه نیست و حتّی مرا در صورت باقی ماندن بر مذهبم تهدید به مرگ کرد، تکلیف من چیست؟

جواب : در فرض مسأله شما می توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست بر نداشت و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می تواند شما را طلاق دهد. و اگر ازدواج شما بالاجبار بوده از اوّل باطل بوده است و احتیاج به طلاق ندارد و اگر شما راضی به ازدواج شده اید، در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرّفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده اید، حقّ فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

صفحه ۱۴۹

سؤال ۴۸۸: اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش معتاد است، آیا می تواند عقد را فسخ کند؟ تکلیف مهریّه چه خواهد شد؟

جواب : اگر زن در موقع عقد شرط کند که هر گاه شوهرش مثلا مسافرت نماید، یا معتاد به موادّ مخدّر گردد، یا خرجی او را ندهد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است; ولی هر گاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هر گاه این کارها را انجام دهد خود را مطلّقه کند، این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

سؤال ۴۸۹: اگر زن بعد از

ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟

جواب : نمی تواند با او زندگی کند و ازدواجش باطل است.

مسأله ۴۹۰: هر گاه مرد بعد از عقد بفهمد که زن او یکی از هفت عیب زیر را دارد می تواند عقد را فسخ کند: ۱ دیوانگی ۲ بیماری خوره ۳ برص (پیسی) ۴ کور بودن ۵ شل بودن، بطوری که آشکار باشد. ۶ إفضا شدن (یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائط او، یکی شده باشد و بطور کلی پارگی طوری باشد که قابل استفاده برای آمیزش جنسی نباشد) ۷ گوشت، یا استخوان، یا غدّة ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

سؤال ۴۹۱: چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترك زناشوئی متوجّه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری های خویش را، که فلج مثانه و اگزیما بوده و از کودکی به آن مبتلا می باشد، از شوهر پنهان نموده، در حالی که به هنگام عقد خود را سالم معرّفی کرده است، در فرض سؤال، آیا مرد حقّ فسخ نکاح را دارد؟

جواب : در فرض مسأله اگر مرد بعد از اطّلاع رضایت به این ازدواج نداده حقّ

راضی به ازدواج شده اید، در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرّفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده اید، حقّ فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

فسخ دارد، و ضرر و زیانهائی را که بر او وارد شده می تواند از کسانی که تدلیس کرده اند بگیرد.

سؤال ۴۹۲: پس از ازدواج معلوم شد که در قسمتهای بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف

بجا مانده است و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جرّاحی ممکن نیست; در حالی که قبل از ازدواج در خصوص سلامتی زوجه، هیچ مذاکره ای انجام نشده است، آیا در این مورد، مرد حقّ فسخ دارد؟

جواب : در صورتی که با جرّاحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصّی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی شود.

سؤال ۴۹۳: اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسخ کند، موردی که دارای بیماری روانی، سر گیجه، استفراغ، تشنّج، پرخاشگری و حالتهای غیر عادی، که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد و پزشکان متخصّص و شاهدان عینی تصدیق نموده اند، آیا چنین فسخی صحیح است؟

جواب : هرگاه زن و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است و در واقع سلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد درآید و بعداً کشف خلاف شود، شوهر می تواند عقد را فسخ کند و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست و اگر قبل از آگاهی بر عیب دخول کرده است تمام مهر بر او لازم است و می تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد و اگر تدلیس کننده زن باشد مهر او ساقط است.

سؤال ۴۹۴: آیا بیماری ایدز، در هر یک از زن و شوهر، از عیوب موجب فسخ است؟

جواب : اگر به گواهی اهل اطّلاع این بیماری در مرحله ای باشد که موجب سرایت و خطر گردد و شوهر حاضر به طلاق دادن نباشد، زن می تواند طلاق خود را به

وسیله حاکم شرع بگیرد و مرد نیز در این گونه موارد می تواند زن را طلاق دهد.

سؤال ۴۹۵: دختری را به ازدواج پسرم در آورده ام و عروسی هم کرده اند، حال

معلوم شده که دختر مدّتهاست به بیماری صرع (غش) مبتلا است، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده اند، ولی پدر و مادرش این مطلب را پنهان کرده اند، حتّی دختر می گوید: «می خواستم بگویم، امّا والدینم مانع شدند» تکلیف عقد و مهریّه چیست؟

صفحه ۱۵۱

جواب : بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد; ولی اگر در مذاکرات قبل از عقد یا به هنگام اجرای صیغه عقد، شرط سلامت کرده باشند، شوهر خیار فسخ دارد.

سؤال ۴۹۶: آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می شود؟ معنی فسخ چیست؟

جواب : در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حقّ فسخ دارد و معمولاً در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می باشد و معنی فسخ این است که بگوید: «من عقد را فسخ کردم، یا به هم زدم» و به هر زبانی کافی است.

سؤال ۴۹۷: در صورتی که داماد بخاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند، چه مقدار از مهریّه را باید بپردازد؟ در صورت تدلیس از چه کسی می تواند بگیرد؟

جواب : در صورت شرط بکارت، یا هر شرط کمال و عدم نقص خواه به صورت ذکر در عقد باشد، یا قبل از آن چنانچه خلاف آن ثابت شود حقّ فسخ دارد و هر گاه دخول

حاصل نشده باشد، مهریّه بکلّی ساقط است و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمّی پرداخته می شود، سپس از کسی که تدلیس کرده می گیرد.

سؤال ۴۹۸: اگر زوجه، یا بستگان زوجه، در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح (بعد از نزدیکی) فسخ شود، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلا پرداخت کرده باشد، می تواند باز پس بگیرد؟

جواب : زوج باید تمام مهر را بدهد و می تواند به مُدلّس رجوع کند.

صفحه ۱۵۲

سؤال ۴۹۹: مواردی که مرد حقّ فسخ دارد، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادر زادی، افضاء، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می باشد. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجّه موارد مذکور گردد، آیا باز هم اختیار بر هم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان و هزینه آن، بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر می باشد؟

جواب : هر گاه به سهولت قابل معالجه بوده باشد وزن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست.

مسأله ۵۰۰: هر گاه مرد، یا زن، به واسطه یکی از عیوبی که گفته شد، عقد را به هم زنند، احتیاجی به طلاق نیست، همان فسخ کافی است.

محارم و عدّه ای از کسانی که ازدواج با آنها جایز نیست

مسأله ۵۰۱: پدر شوهر و جدّ او هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری شوهر، هر چه پائین آیند به زن او محرمند، چه قبل از عقد متولّد شده باشند و یا بعد از عقد.

مسأله ۵۰۲: زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر درآید.

سؤال ۵۰۳: آیا ازدواج موقّت زن

مسلمان با غیر مسلمان، مخصوصاً اهل کتاب، نیز حرام است؟

جواب : آری حرام است.

سؤال ۵۰۴: آیا ازدواج زنان و دختران شیعه، با جوانان و مردان اهل سنّت، جایز است؟

جواب : در صورتی که خوف انحراف نباشد مانعی ندارد; ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست.

سؤال ۵۰۵: آیا ازدواج با پسری که بظاهر مسلمان است، ولی اهل نماز نیست، حکم ازدواج با کافر را دارد؟

صفحه ۱۵۳

جواب : چنین ازدواجی جایز است، ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود.

مسأله ۵۰۶: اگر زن شوهر دار (نعوذ باللّه) زنا دهد بر شوهر خود حرام نمی شود، ولی چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد بهتر است شوهر او را طلاق دهد، امّا باید مهرش را بدهد.

مسأله ۵۰۷: زنی را که سه مرتبه طلاق داده اند بر شوهرش حرام می شود، ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق آمده، با مرد دیگری ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد می تواند دوباره با شوهر اوّل ازدواج کند.

سؤال ۵۰۸: زن و شوهری صاحب اولاد نمی شوند، اگر بخواهند بچّه ای از شیر خوارگاه بگیرند، برای محرم شدن با آنها چه راهی وجود دارد؟

جواب : اگر دختر باشد و پدر آن مرد در حیات باشد مجاز است عقد موقّت آن دختر را، برای پدر خویش بخواند تا حکم زن پدر پیدا کند و محرم شود و اگر خواهر آن مرد یا زن برادر او شیر داشته باشد و آن بچّه شیر خوار باشد و از شیر آن خواهر یا زن برادرش (با شرائط لازم) بخورد حکم خواهر زاده اش را پیدا می کند و

محرم می شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیّت آن است که از شیر خواهر یا مادر آن زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر رضائی آن پسـر شود و محرم گردد و اگر دوران شـیرخوارگی پسر بچّه گذشته باشد، راه قابل ملاحظه ای برای محرمیّت او نیست.

احکام عقد دائم

الف: حقوق زن بر شوهر

۱ نفقه

مسأله ۵۰۹: بر شوهر واجب است که غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را مطابق

صفحه ۱۵۴

معمول برای همسر دائمی خود تهیّه کند. (حتّی هزینه طبیب و دارو و مانند آن) و اگر تهیّه نکند بنابر احتیاط بدهکار او خواهد بود، خواه توانایی داشته باشد یا نه.

سؤال ۵۱۰: آیـا بر شوهر لازم است که ماهیـانه یـا روزانه پولی جهت مخـارج همسـرش به او بپردازد؟ در صورت وجوب، آیا شوهر حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟

جـواب :مـانعی نـدارد که شوهر به همسـرش در تهیّه نفقه وکـالت دهـد و بر زن لازم است که طبق شـرط عمـل کنـد. این در صورتی است که شوهر به زن وکالت در تهیّه نفقه بدهد; ولی اگر حقّ نفقه را به او واگذار می کند زن در مصـرف آن مختار است.

سؤال ۵۱۱: آیـا بر زوج لازم است که آنچه معمولاـ تمـام زنها به آن نیاز دارنـد را به عنوان نفقه برای زوجه اش تهیّه کنـد؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟

جواب : آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

سؤال ۵۱۲: مرسوم است که بین عقـد ازدواج و زفـاف، مادامی که زن به خانه شوهر نرفته از زوج نفقه نمی گیرد، بنابراین اگر زوجه پس

از مدّتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا با توجّه به این که تمکین کامل ننموده حقّ نفقه دارد؟

جواب : نفقه ندارد.

سؤال ۵۱۳: شوهر در عقـد ازدواج و قبل از دخول می گویـد: «قدرت برگزاری مراسم عروسـی را از لحاظ مالی ندارم»، زوجه هم می گوید: «فقط با رعایت شـرایط و تشـریفات مرسوم و عرف محل حاضـرم به خانه شوهر بروم» در فرض مسأله، آیا زوجه مستحقّ نفقه می باشد؟

جواب : اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حقّ امتناع ندارد، و اگر امتناع کند حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۵۱۴:آیـا هزینه دارو و درمـان زوجه مریض، بـا توجّه به این که مـداوای بیمـاری عرفاً جزء نیازهـای اوّلیه هر انسـانی می باشد، نیز جزء نفقه زوجه است؟

جواب : مداوا در حدّ متعارف جزء نفقه است.

صفحه ۱۵۵

سؤال ۵۱۵: زنی به سـبب آتش سوزی در منزل شوهر، در بیمارسـتان بستری و سـپس فوت می کند، آیا هزینه بیمارسـتان او بر عهده شوهر است؟

جواب : احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

سؤال ۵۱۶: اگر زن جهت دریافت مهریّه از تمکین خود داری کند، در این مدّت حقّ نفقه دارد؟

جواب :در صورتی که مهریّه بصورت نقد بوده باشد حق دارد قبل از گرفتن آن از تمکین خودداری کند و حقّ نفقه هم دارد.

سؤال ۵۱۷: شخصـی برای مـدّتی از طریق دادگاه زنـدانی شـده است و پس از چندی با حصول برائت یا تحمّل حبس آزاد می شود، اگر در این مـدّت به عائله تحت تکفّل وی از طریق مراجع دولتی نفقه ای داده باشـند، یا هیچ وجهی در این مدّت نگرفته باشند، آیا آنها

حقّ مطالبه نفقه گذشته را دارند؟

جواب : احتیاط واجب آن است که نفقه آنها را بپردازد، یا با آنها مصالحه کند.

مسأله ۵۱۸: هر گاه زن مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می تواند هر روز، به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه از اموال او بر دارد و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد و اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیّه کند، در موقعی که مشغول کار است اطاعت از شوهر بر او واجب نیست.

سؤال ۵۱۹: در تحریر الوسیله، جلد دوم، صفحه ۳۰۶، آمده است: «اگر زوج حقوق زن را، از قبیله نفقه، نپردازد، ابتدا حاکم زوج را الزام می کند و در صورت عدم تأثیر، او را تعزیر می نماید»، آیا مراد از «الزام» صدور حکم قضائی است، یا صدور حکم به الزام؟

جواب :منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می کند که نفقه زن را بپردازد و هر گاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر کند.

سؤال ۵۲۰: آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نا مشروع کسب درآمد می کند، جایز است که از در آمد او استفاده کنند؟

جواب : اگر می دانند نفقه ای که به آنها پرداخته می شود از همان پول است، تصرّف در آن جایز نیست; مگر در حال ضرورت.

سؤال ۵۲۱: آیا شخص ثالثی می تواند ضمن عقد ازدواج، نفقه زوجه را تعهّد نماید تا هرگاه بین زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آمد، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟ و در این صورت آیا نفقه از زوج ساقط می شود؟

جواب : مانعی

ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید، و در این صورت نفقه بر عهده او خواهد بود.

۲ مهریّه

مسأله ۵۲۲: تعیین مهر در عقـد دائم واجب نیست و بدون آن عقد صـحیح است، ولی چنانچه بعداً با زن نزدیکی کند باید مهر او را مطابق معمول زنهایی که مثل او هستند بدهد.

سؤال ۵۲۳: شایسـتگی زنان مسلمان را به چه مهریّه ای می دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان در این زمینه چه توصیه ای دارید؟

جواب : اخلاـق اسـلامی ایجـاب می کنـد که مهریّه ها سـبک باشـد و اصولا ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سـعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسؤولیّت شدید دارد.

سؤال ۵۲۴: آیـا زوج می توانـد مهریّه همسر خود را آموزش تلاـوت قرآن قرار دهـد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد، ولی زن به جهت کُند ذهن بودن نتواند یاد بگیرد، وظیفه زوج چیست؟

جـواب : آمـوزش قرآن می توانـد مهریّه بـوده باشـد و مرد بایـد وظیفه خود را انجـام دهـد، اگر زوجه اسـتعداد نـداشت و مرد کوشش لازم را کرد، دَین خود را ادا کرده است.

سؤال ۵۲۵: مرسوم است که عقد را به انضمام یک جلد کلام اللّه مجید جاری

می کننـد، آیا این کار به معنی تعلیم قرآن به زوجه است، تا بر مرد واجب باشـد که قرآن را به همسـرش تعلیم بدهد، یا معنای دیگری دارد؟

صفحه۱۵۷

جواب : قرار دادن قرآن جزء مهریّه کـار خوبی است و مفهومش تهیّه یـک جلـد کلام اللّه مجیـد برای زوجه است، نه آموزش قرآن; ولی

لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.

سؤال ۵۲۶: حدّ و میزان مهریّه چقدر است؟ حدّاقلّ و حدّاکثر آن را بیان کنید.

جواب : مهر حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریّه های سنگین پرهیز شود، طبق برخی از روایات زنانی که مهریّه سنگین دارند شوم هستند.(۱)

سؤال ۵۲۷: لطفاً پیرامون اقسام سه گانه مهریّه; «مهر المثل»، «مهر المسمّی» و «مهر السنّه»، توضیحی بیان فرمائید.

جواب : منظور از «مهر المسمّی» همان مهری است که در عقد نامبرده می شود.

و مراد از «مهرالمثل» آن است که مثلا به هنگام عقد نامی از مهر نبرده اند در این صورت باید دید مهرامثال آن زن در عرف و عادت چقدر است و به او بپردازند.

و منظور از «مهر السنّه» مهر حضرت فاطمه زهراء(علیها السلام) است، که معروف است پانصد درهم (دویست مثقال نقره مسکوک) بوده است.

سؤال ۵۲۸: اگر مردی مهریّه همسرش را به قدری سنگین کرده باشد که معادل حقوق ماهیانه تمام عمرش هم کفاف آن را نکند، چنین مهریّه و عقدی چه حکمی دارد؟

جواب : کار خوبی نکرده، ولی عقد و مهر باطل نیست; مگر این که در حدّی باشد که آن مهریّه را سفیهانه بدانند.

سؤال ۵۲۹: با توجّه به این که مورّخین مهریّه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهراء(علیها السلام) را مختلف نقل کرده اند:

پاورقی

۱. روایات متعدّدی به این مضمون در کتاب شریف وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۵، آمده است.

۱ برخی آن را یک زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم، به اضافه یک دست لباس کتان و یک قطعه پوست گوسفند گفته اند.

۲ بعضی آن را چهارصد درهم شمرده

اند.

۳ و برخی دیگر چهارصد مثقال نقره بیان کرده اند.

و از طرف دیگر در روایتی مهریّه آن حضرت «شفاعت گنهکاران از امّت پدرش»(۱) آمده است، آیا صرف تعیین مهریّه حضرت زهرا(علیها السلام) (مهرالسّنه) برای عروسان، بدون تعیین ارزش فعلی آن، صحیح است؟

جواب : معروف است که مهرالسّنه معادل پانصد درهم می باشد (هر درهم تقریباً چهارصد تومان، که مجموعاً ۲۰۰ هزار تومان می شود)(۲) هر گاه در محیط زوجین این شهرت وجود داشته باشد کافی است و الّا باید تعیین کنند.

سؤال ۵۳۰: اگر زنی مهریّه خویش را، مهر السّنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد، یا مهر المثل بر عهده زوج است؟

جواب : چنانچه طرفین می دانسته اند که مهر السّنه طبق مشهور پانصد درهم نقره است اشکالی ندارد و باید با پول رایج حساب کنند، امّا اگر هر دو، یا یکی از آنها آگاه نبوده اند، احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

سؤال ۵۳۱: از آنجا که در زمان ما درهم سکّه دار وجود ندارد، آیا معیار قیمت مهر السّنه، نرخ نقره معمولی و بدون سکّه است؟

جواب :در شرایطی که درهم سکّه دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره موجود سکّه دار و رایج بود چه اندازه به قیمت آن افزوده می شد؟ اضافه قیمت را بطور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزائیم و از آنجا که این حکم، یک حکم استحبابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

مسأله ۵۳۲: در صورتی که مدّتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد زن حق

دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه

می توانـد پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر خودداری نماید، چه شوهر توانایی بر دادن مهریّه داشـته باشد یا نه; مگر این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اوّل بر ذمّه بوده، نه بصورت نقدی.

پاورقی

۱. احقاق الحق، جلد ۱۰، صفحه ۳۶۷.

۲. توجّه داشته باشید که قیمت درهم در زمانهای مختلف، متغیّر است; قیمت مزبور مربوط به سال ۱۳۷۸ ه .ش می باشد.

صفحه ۱۵۹

سؤال ۵۳۳: هر گـاه زن جز به گرفتن مهر، حاضـر به تمکین نشـود و شوهر قـادر بر ادای آن نباشـد و در عین حـال می گویـد: «طلاق نمی دهم و تا پایان عمر نفقه می پردازم» حکم این مسأله چیست؟

جواب : اوّلا: زن حق دارد قبل از تمکین مطالبه مهر کند; حتّی اگر شوهر قدرت بر پرداخت مهریّه نداشته باشد.

ثانیاً: اگر شوهر قدرت بر پرداخت مهریّه ندارد، باید نفقه را بدهد.

ثالثاً: اگر این امر مدّتها ادامه یابد و باعث ضـرر و زیان زوجه، یا عسـر و حرج شدید او شود، حاکم شـرع مرد را وادار به طلاق می کنـد و اگر طلاق نـداد حاکم شـرع طلاق می دهـد و نصف مهر بر ذمّه زوج می مانـد تا وقتی که قـدرت بر پرداخت پیـدا کند.

سؤال ۵۳۴: آیـا حقّ امتنـاع زوجه از تمکین، در فرض عـدم پرداخت مهریّه از سوی مرد، مختصّ به دخول است، یـا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازمه (از قبیل اقامت در منزل شوهر یا مسافرت با اذن او) نیز می گردد؟

جواب : ظاهر این است که زن می تواند بدون گرفتن مهر معجّل، خود را مطلقاً تسلیم شوهر

نکند و در این مدّت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد.

سؤال ۵۳۵: زوجه از شوهر خود تمکین نموده، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علّت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ وی اکنون تمکین مجدّد را، منوط به دریافت کلّ مهریّه می نماید. آیا به علّت عدم دخول، حقّ زوجه به قوّت خود باقی است، یا در فرض مسأله، حقّ او ساقط شده است؟

جواب : حقّ زوجه در گرفتن مهریّه قبل از تمکین مجدّد ثابت است؛ مشروط بر این که مهر حالّ بوده باشد، نه بر ذمّه زوج.

سؤال ۵۳۶: هر گاه مهریّه حالّ (نقد) باشد و شوهر قدرت پرداخت آن را بصورت یک جا نداشته باشد و در صورت تقسیط بتواند ظرف چند سال بپردازد، آیا دادگاه می تواند بدون توافق زوجه با تقسیط مهریّه؛ با وصول اوّلین قسط مهریّه (بدون رعایت حقّ عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین نماید؟

جواب : در صورتی که قرائنی، مانند سنگین بودن مهریّه و عدم تمکّن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریّه یکجا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عندالقدره و الاستطاعه بوده است، باید زن با گرفتن قسط اوّل تمکین کند.

سؤال ۵۳۷: مردی زنی را به عقد خود درآورده، ولی هنوز عروسی نکرده اند، امّا زن از طریق انزال در محل باردار شده است، اگر قبل از عروسی از هم جدا شوند، آیا مهریّه تنصیف می شود؟

جواب : هر گاه مرد سبب باردار شدن زن شده، احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد؛ هر چند دخول نکرده باشد.

سؤال ۵۳۸:آیا زوجه غیر مدخوله بعد از فوت زوج،

مستحقّ تمام مهریّه است، یا نصف آن؟

جواب : مستحقّ تمام مهر است.

سؤال ۵۳۹: آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریّه وی نصف می شود؟

جواب : تمام مهر را می برد، تنها طلاق است که سبب تنصیف می شود.

سؤال ۵۴۰: آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریّه کامل، در فرض متارکه و طلاق، می گردد؟

جواب : آری موجب پرداخت مهریّه کامل می گردد.

سؤال ۵۴۱: آیا بین باکره و زنان دیگر، در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریّه می شود، فرقی هست؟

جواب : فرقی میان باکره و غیر آن از این جهت نیست.

سؤال ۵۴۲: مهریّه خانمی چهل سال قبل دو هزار تومان تعیین شده است، و اکنون تقاضای اداء آن را دارد، شوهر حاضر است همان مبلغ را بپردازد، ولی زن می گوید: «شوهرم در آن زمان مهریّه را یک ساعت آب و نصف منزل قرار داد و من هم قبول کردم، ولی بخاطر مشکل ثبتی، همان مبلغ دو هزار تومان قرار داده شد» اکنون با توجّه به تورّم شدید حکم این مسأله چیست؟

جواب : اگر آن زن ثابت کند که مهریّه واقعی همان آب و منزل بوده، حق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریّه دو هزار تومان بوده، می تواند معادل آن را به قیمت امروز (طبق نرخ متوسّط تورّم اجناس) بگیرد. در سایر مطالبات نیز حکم همین است; یعنی هر گاه فاصله زمانی و تورّم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می شود.

سؤال ۵۴۳: هفده سال پیش به عقد مردی در آمدم و در این مدّت علیرغم تمام مشکلات همراه

او بودم، وی هم اکنون صاحب ۲۵ ملیون تومان سرمایه است و اقدام به ازدواج مجدّد کرده و مرا طلاق داده است، با توجّه به تنزّل شدید ارزش پول، آیا می توانم مهریّه ام را به قیمت امروز بگیرم؟ آیا در برابر زحماتی که برای بچّه هایش کشیده ام و خدماتی که برای خودش انجام داده ام، چیزی به من می رسد؟

جواب : چنانچه ارزش مهریّه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلّی کرده، باید به قیمت امروز بپردازد و اگر در مقابل خدمات شما قول داده است که جبران کند موظّف است به قولش عمل کند.

سؤال ۵۴۴: شخصی که با پدرش زندگی می کرده از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریّه زوجه او بر پدرش می باشد؟

جواب : مهریّه زن بر عهده شوهر است، نه پدر; مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد و آن مزد به اندازه مهریّه یا بیشتر از آن باشد.

سؤال ۵۴۵: پدر داماد قسمتی از مهریّه عروسش را بر ذمّه می گیرد، ولی قبل از عروسی و پس از عقد، یعنی هنگامی که می خواستند مهریّه را ثبت کنند از تعهّد

خود استنکاف میورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمّه خود می گیرد و سپس عروسی واقع می شود، آیا عروس می تواند مدّعی آنچه بر ذمّه پدر شوهر بوده است، شود؟

جواب : اگر موقع خواندن صیغه عقد بر ذمّه گرفته موظّف است بپردازد و بازگشت جایز نیست.

سؤال ۵۴۶: در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریّه، قول کدام

یک مقدّم می شود؟ اگر هیچ کدام دلیلی جهت ادّعای خود نداشته باشند چطور؟

جواب : چنانچه زوج مدّعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

۳ حق آمیزش و همخوابی

مسأله ۵۴۷: مرد نمی توانـد بیش از چهـار ماه، نزدیکی با همسـر دائمی خود را ترک کنـد، بلکه اگر زن جوان باشـد و در این مدّت بیم آن می رود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد.

سؤال ۵۴۸: با توجّه به مسأله بالا، اگر زنی جوان نباشـد، ولی اگر شوهر به آمیزش یکبار در چهار ماه اکتفاء کند بیم گناه بر او می رود، در این صورت مرد در برابر او چه وظیفه ای دارد؟

جواب : احتیاط واجب آن است ترتیبی بدهد که او آلوده گناه نشود.

مسأله ۵۴۹: مرد حق ندارد زن دائمی خود را طوری ترک کند که نه مانند زن شوهردار باشد و نه بی شوهر; ولی واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند، امّا اگر همسرهای متعدّد دارد باید در میان آنها از این جهت با عدالت رفتار نماید.

سؤال ۵۵۰: آیا شوهر حق دارد بدون رضایت همسرش از انزال نطفه خودداری کند و به آمیزش تنها قناعت کند؟

جواب : مانعی ندارد، ولی در موردِ آمیزشِ واجب، بدون رضایت همسر نمی تواند این کار را انجام دهد

صفحه ۱۶۳

سؤال ۵۵۱: آیـا زن حق دارد از شوهر بخواهـد که به جـای آمیزش واجب (هر چهـار مـاه یکبـار) از راههـای دیگر او را ارضاء کند؟

جواب : در صورتی که طرفین راضی شوند مانعی ندارد.

سؤال ۵۵۲: اگر شخصی دو

همسر داشته باشد، آیا لازم است یک شب را نزدِ یکی، و شب بعد را نزد دیگری باشد؟ یا از هر چهار شب باید یک شب را نزد هر یک از آنها باشد و دو شب دیگر را آزاد است هر کجا باشد؟

جواب : از هر چهار شب واجب است یک شب را نزد هر یک از آنها باشد، و دو شب دیگر را مختار است.

ب: حقوق شوهر بر زن

۱ تمکین

مسأله ۵۵۳: زنی که عقد دائم شده، نباید بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری کند.

سؤال ۵۵۴: اگر زن دائمی شرط کند که هفته ای یکی دو بار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب : چنانچه طرفین به این شرط راضی شده باشند، این شرط صحیح است.

سؤال ۵۵۵: آیا زن می تواند به این علّت که شوهرش به او تهمت زده و آبروی او را برده، خود را بر او حرام کند و با دیدنش در حجاب شود و از تمکین عامّ و خاصّ جلوگیری نماید؟ هرچند شوهر بارها به پاکی او اعتراف کرده باشد.

جواب : زن حق ندارد به این عذرها از تمکین خودداری کند و اگر شوهر به او تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۵۵۶: آیا تمکین از مرد حدّ خاصّی دارد، یا هر زمانی که او تقاضای تمکین

کند زن باید اجابت کند، هر چند موجب عسر و حرج برای زن شود؟

جواب : در صورتی که سبب عسر و حرج برای زن باشد واجب نیست، و اصولا درخواست او باید در حدّ معقول و متعارف باشد.

سؤال ۵۵۷: چه چیزهائی حقّ تمکین

مرد را ساقط می کند؟

جواب : در صورتی که درخواست مرد غیرمعقول و غیر متعارف باشد تمکین در برابر آن لازم نیست، همچنین در صورتی که زن مریض یا در عسر و حرج بوده باشد یا تقاضای شوهر نامشروع باشد، مانند ایّام عادت، تمکین واجب نمی باشد.

سؤال ۵۵۸: اگر شوهر (با توجّه به مُعسر بودن) به حکم دادگاه، مهریّه را به صورت اقساطی بپردازد، با توجّه به این که امروزه مهریّه ها متأسّفانه بالاست و پرداخت قسطی آن هم سالها طول می کشد، آیا در این فرض زن، که هنوز باکره است، حق دارد تا پایان اقساط مهریّه تمکین نکند؟

جواب : در صورتی که قرائنی وجود داشته باشد که این مهریّه سنگین را یکجا نمی توان مطالبه کرد، خودداری از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقّف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

سؤال ۵۵۹: آیا آمیزش با همسر از پشت جایز است؟

جواب : این کار حرام نیست، امّا کراهت شدید دارد; ولی در صورت عدم رضایت همسر جایز نیست.

سؤال ۵۶۰: شوهرم تمکین را مشروط به پوشیدن لباسهای خاص، یا آرایش مخصوصی می کند، آیا رعایت این امور لازم است؟

جواب : لازم نیست; ولی انجام در خواستهای معقولِ همسر برای طرفین خوب است.

۲ اطاعت از شوهر

اطاعت از شوهر

مسأله ۵۶۱: زنی که عقد دائم شده بنا بر احتیاط واجب نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، یا کاری در خارج خانه انتخاب کند (خواه اجازه لفظی باشد و یا از قرائن معلوم شود که او راضی است).

صفحه ۱۶۵

سؤال ۵۶۲: لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف: آیا زوجه حق دارد بدون رضایت شوهر از منزل خارج شود؟

جواب :

بنابر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد; مگر برای کارهای واجب شرعی، یا ضروری زندگی.

ب: در صورتی که بـدون رضایت شوهر منزل را ترک کنـد و تمکین ننمایـد و تقاضای مکرّر بازگشت همسـرش را بی پاسـخ بگذارد، آیا ناشزه محسوب می شود؟

جواب : چنین زنی ناشزه است.

ج:در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه دارد؟

جـواب : قـدر مسلّم از نشوز و عـدم تمکین، که موجب سـلب حقّ نفقه می شود، عـدم تمکین در برابر تمتّعـات جنسـی است; بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی شود (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۵۶۳: آیا زن بدون رضایت شوهر می تواند برای فعّالیّت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

جواب : در صورتی که منافات با حقّ زوج نداشته باشد احتمالا بتواند; ولی احتیاط در ترک آن است. و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقّی برای خود قائل شده باشد اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۴: در صورتی که مهر حالّ (نقـد) باشـد زوجه غیر مـدخوله حق دارد تا گرفتن مهریّه تمکین نکنـد; امّا آیا این حق را هم دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکنـد; مثلا منزل پـدر و مادر خود بماند و هر جا که مایل بود برود و هر کار که خواست انجام دهد و با این حال مطالبه نفقه نماید؟

جـواب : بایـد به وظـایف دیگر خـود عمـل کنـد، تنهـا می توانـد تمکین را منـوط به گرفتن مهر کنـد، آن هم در صـورتی که مهرحالّ بوده و قرائنی دالّ بر تأخیر آن نبوده باشد.

صفحه ۱۶۶

سؤال ۵۶۵: زنی پس از فوت شوهرش با برادر همسر مرحومش ازدواج می کند، آیا

می تواند شبهای جمعه برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اوّل برود؟

جواب : با اجازه شوهر اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۶: آیا زنان می توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدیّن می باشند، در مسجد فعّالیّت کنند؟ به گونه ای که امورات یک مسجد را کاملا در دست بگیرند. در حالی که این کار موجب اختلاف خانوادگی می شود.

جواب : بدون اجازه همسر جایز نیست; ولی رفتن به مسجد برای فرا گرفتن احکام و معارف دین جایز است.

سؤال ۵۶۷: شخصی دوازده سال قبل به همسرش پیشنهاد می کند که از تهران مهاجرت کنند; امّا زن حاضر به این هجرت نمی شود، و مرد هجرت می کند. اکنون مرد، به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می پردازد و نه طلاق می دهد، حکم این مسأله چیست؟

جواب : در صورتی که در ازدواج قرار داد خاصّی برای محلّ سکونت زن نباشد، زن موظّف است در محلّ سکونت تابع مرد باشد; مگر این که ضرر و زیان مهمّی برای او داشته باشد.

سؤال ۵۶۸: آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب : اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشوئی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هر چند بهتر است که زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

سؤال ۵۶۹: در صورتی که مرد با رفتن زنش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه ای دارد؟

جواب : باید رضایت شوهر را جلب کند; مگر این که در عقد ازدواج

شرط کرده باشد.

صفحه ۱۶۷

سؤال ۵۷۰: اگر شوهر اجازه انتخاب شغلی به همسر خود بدهد، آیا بعد از طیّ مراحل خاصّ گزینش و شروع به کار، می تواند ممانعت کند، یا اجازه اوّل التزام به تمام لوازم آن است؟

جواب : هر گاه زن قرار دادی با اجازه شوهر نسبت به مدّتی با اداره یا مؤسّسه ای بسته است، آن قرار داد لازم الاجرا می باشد و شوهر حقّ ممانعت ندارد. و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار زن در خارج از منزل شرط نشده باشد و الّا احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرار داد نیست; ولی در هر حال باید شؤون شوهر و خانواده را رعایت کند.

سؤال ۵۷۱: اگر زن به خاطر انجام مستحبّات زیاد، دچار خستگی فراوان شود، بطوری که مرد نتواند تمتّعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحبّاتی نهی کند؟ آیا اطاعت از شوهر در اینجا لازم است؟

جواب : مرد نمی تواند او را نهی کند; مگر این که بطور کلّی تمتّع از بین برود و در این صورت چون مزاحم حقّ شوهر است زن بدون اجازه او نمی تواند اقدام کند.

مسأله ۵۷۲: اگر زن در همه کارهایی که در مسائل قبل (به شرحی که گذشت) گفته شد، از شوهر اطاعت نکند گناهکار است و حقّ غذا و لباس و منزل و همخوابی او از بین می رود; ولی مهر او از بین نمی رود.

کارهای منزل

مسأله ۵۷۳: زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیّه کند و نظافت و مانند آن را عهده دار شود; مگر به میل

خود. و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید، زن می تواند حقّ الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد.

سؤال ۵۷۴: آیا زن می تواند در منزل وظایف خود را انجام ندهد; مثلا غذا نپزد، یا خانه را مرتبّ نکند؟ آیا مرد می تواند او را مجبور به انجام این گونه امور بنماید؟

جواب : مرد حق ندارد او را مجبور به این کارها کند; مگر این که زن با میل خود این کارها را انجام دهد.

صفحه ۱۶۸

سؤال ۵۷۵: آیا این شرط، که همسر آینده کارهای معمولی منزل را انجام دهد، صحیح است؟ در صورتی که زن به شرط عمل نکند حکم آن چیست؟

جواب : هر گاه شرط کنند، این شرط لازم الاجراست و در صورت تخلّف احتیاط این است که زن هزینه آن را بپردازد.

سؤال ۵۷۶: می دانیم که زن موظّف به انجام کارهای منزل نیست، حتّی می تواند برای شیر دادن و پرورش طفل از شوهرش اُجرت دریافت کند; لکن با توجّه به این که در ایران رسم بر این است که زنان معمولاً کارهای خانه را انجام می دهند و پس از تولّد بچّه، او را نگهداری نموده و شیر می دهند، آیا می توان گفت که عقد مبنیّاً علیها واقع شده و در نتیجه زن باید کارهای معمولی خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهرش طلبکار نیست; مگر در جایی که خلاف آن ثابت شود؟

جواب : این گونه موارد عقد مبنیٌ علیه نیست، تا حکم شرط ضمن العقد داشته باشد; ولی از آنجا که زنان و مردان در این گونه خانواده ها نسبت به خدمات

اضافی، هر دو، قصـد تبرّع دارنـد، گرفتن اجرت المثل مشـکل است; مگر در مقابل کارهایی از قبیل قالی بافی و شبیه آن، و یا در مواردی که از ابتدا شرط اجرت کند.

ازدواج موقّت

سؤال ۵۷۷: نظر حضـرتعالی در رابطه با ازدواج موقّت چیست؟ آیا آن را راه حلّ مناسبی برای جوانان، که مشـکلاتی بر سر راه ازدواج دائم دارند و از طرفی می ترسند که به فساد کشیده شوند، می دانید؟

جواب : اگر بـا شـرایط معقول و رعـایت موازین شـرعی انجام شود و دسـتاویزی برای هوسـبازی هوسـبازان و فساد بیشتر نشود بیقین کارساز است; ولی این، کار بسیار دقیق و ظریفی است.(۱)

صفحه ۱۶۹

سؤال ۵۷۸: اگر پسـر و دخـتری بخواهنـد از طریـق ازدواج موقّت (بـدون اسـتمتاع جنسـی و آمیزش) رابطه متعـارف شـغلی، یا تحصیلی داشته باشند، آیا در دو فرض زیر اجازه پدر دختر شرط است؟

الف: امکان دسترسی به ولیّ دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.

ب: امکان دسترسی هست; امّا ولیّ دختر بدون منطق مخالفت می کند و اصلا رضایت نمی دهد.

جواب : در هر صورت احتیاط واجب استیـذان از ولیّ دختر است; ضـمناً تجربه نشان داده است که این رابطه ها، مخصوصاً در جوانها، معمولا در یک حدّ محدود و معیّنی ثابت نمی ماند و تدریجاً توسعه می یابد و مایه مشکلات فراوانی می شود.

سؤال ۵۷۹: کسـی که قصـد ازدواج موقّت دارد، آیا می توانـد بـدون اطّلاع ولیّ دختر از او خواسـتگاری کنـد؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمائید.

جواب : خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی اجراء صیغه عقد بدون اذن ولیّ دختر

باکره اشکال دارد، امّا در بیوه رضایت طرفین برای اجرای صیغه عقد کافی است.

سؤال ۵۸۰: اگر شخصی با زن بی شوهری ازدواج موقّت کند و زن به برادرش اطّلاع ندهد، آیا این کار خیانت به برادر محسوب می شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقّت را داشته باشد، عمل مذکور چه حکمی دارد؟

جواب : اجازه برادر معتبر نیست و اطّلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی شود؛

ولی مشورت با او مناسب است

پاورقی

۱. مشروح این بحث را در کتاب «این است آئین ما» و «تفسیر نمونه» جلد ۳، صفحه ۳۳۵، مطالعه فرمائید.

صفحه ۱۷۰

سؤال ۵۸۱: زنی به عقد موقّت مردی در آمده و بعد از دخول، شوهرش را ترک کرده است، آیا بر مرد واجب است که تمام مهریّه او را بپردازد؟

جواب : تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریّه اش لازم است.

مسأله ۵۸۲: همسر موقّت می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، یا کاری در خارج از خانه برای خود انتخاب کند، مگر این که به خاطر بیرون رفتنش حقّ شوهر از بین برود.

مسأله ۵۸۳: همسر در ازدواج موقّت حقّ خرجی ندارد، هر چند باردار شود. و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد و حقّ واجب همخوابی نیز ندارد.

مسأله ۵۸۴: زن می تواند در ازدواج موقّت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند و تنها لذّتهای دیگر ببرد؛ ولی اگر بعداً به این امر راضی شود مانعی ندارد.

مسأله ۵۸۵: پدر یا جدّ پدری می تواند برای محرم شدن با زنی، او را به عقد موقّت

پسر نابالغ خود درآورد (به شرط این که مدّت عقد به اندازه ای باشد که پسر به حدّ بهره گیری جنسی برسد) و نیز می تواند دختر نابالغی را برای محرم شدن بستگان به عقد کسی درآورد (به همان شرط که در مورد پسر گفته شد) و در هر دو صورت بنابر احتیاط واجب باید عقد فایده ای برای آن دو داشته باشد و خالی از مفسده باشد.

سؤال ۵۸۶: به مدّت ده سال به عقد موقّت مردی درآمده ام، ولی اکنون سه سال است که مرا رها کرده و هیچ خبری از او ندارم، به دادگاه مدنی مراجعه کردم ولی نتیجه ای نگرفتم، من شرایط ازدواج موقّت را نمی دانستم و منبع درآمدی هم ندارم و در وضعیّت سختی بسر می برم، تکلیف من چیست؟

جواب : هر گاه شما به تشخیص حاکم شرع، در عسر و حرج شدید باشید و راه حلّی نداشته باشید و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، حاکم شرع می تواند باقیمانده مدّت را به شما ببخشد و می توانید پس از عدّه (در صورت آمیزش) شوهر کنید.

سؤال ۵۸۷: آیا در ازدواج موقّت عسر و حرج برای زوجه متصوّر است؟ در صورت اثبات، آیا می توان زوج را به بذل مدّت اجبار نمود؟

جواب : در صورتی که واقعاً به تشخیص حاکم شرع عسر و حرج حاصل شود تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدّت می کند و اگر قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولیّ ممتنع، باقیمانده مدّت را می بخشد و زوجه می تواند بعد از سپری شدن عدّه شوهر

کند.

احکام پوشش

مسأله ۵۸۸: واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند و احتیاط مستحب آن است که از پسر نابالغ که خوب و بد را می فهمد و به حدّی رسیده که مورد نظر شهوانی است مستور دارد، ولی پوشانیدن صورت و دستها تا مچ واجب نیست.

سؤال ۵۸۹: نظر حضرتعالی در مورد اصل مسأله حجاب چیست؟ رعایت آن، مخصوصاً در شهرهای مذهبی، و بالاخص در اماكن مقدّسه دینی، چه حکمی دارد؟

جواب : بدون شك حجاب از مسلّمات اسلام است و تمام فقهای اسلام در آن اتّفاق نظر دارند و هر گونه بد حجابی و بی حجابی بر خلاف شریعت مقدّسه است، خصوصاً در شهرهای مذهبی و از آن بالاتر در أماكن مقدّسه دینی باید بیشتر مراعات شود و گناه بد حجابی و بی حجابی در این أماكن بیشتر است و بدون شك پوشیدن چادر همه جا، مخصوصاً در این أماكن، اولی است.

سؤال ۵۹۰: حجاب از نظر اسلام چیست؟ و چه نوع پوششی برای زن حجاب است؟ آیا موهای مصنوعی، که بعضی از زنها بر سر می گذارند، حجاب موهای طبیعی محسوب می شود؟

جواب : حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دستها تا مچ می باشد، امّا بعضی از انواع پوشش که زینت ظاهری محسوب می شود، مثل موهای مصنوعی کافی نیست و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می شوند کافی نیست.

صفحه ۱۷۲

سؤال ۵۹۱: گفته می شود که استفاده از چادر مشکی مناسب نیست و کراهت دارد و خانمها باید از پوشاك روشن و رنگهای متنوّع استفاده نمایند و دلیلی ندارد که توصیه شود خانمها کفش

و مانتوی تیره بپوشند، نظر شما در این مورد چیست؟

جواب : انتخاب چادر مشکی برای زنان، مکروه نیست و استفاده از رنگهای ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است; البتّه رنگهای سنگین بهتر است.

سؤال ۵۹۲: در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زائل کردن موهای صورت و مانند آن زینت می کنند، آیا پوشیدن صورت در این حالت لازم است؟

جواب : اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۹۳: چنانچه زن با خود زینت داشته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتر، یا چهره اش را آراسته باشد) آیا واجب است صورت و دستها را هم بپوشاند؟

جواب : در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد; ولی در مورد آرایش مشکل است.

سؤال ۵۹۴: آیا سرمه کشیدن، ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبّی زیبا، برای زنان زینت به حساب می آید که پوشش آن لازم باشد؟

جواب : ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.

سؤال ۵۹۵: چنانچه نپوشاندن صورت و دستها تا مچ، برای برخی از زنان در جامعه فسادی را به دنبال داشته باشد، آیا پوشاندن آن واجب است؟

جواب : در این صورت واجب می شود; ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفّین لازم نیست.

سؤال ۵۹۶: آیا شوهر، یا پدر و مادر، می توانند همسر و یا دختران خود را مجبور کنند تا دستها و صورتشان را نیز به هنگام خروج از منزل بپوشانند؟

جواب : اجبار در این امر جایز نیست; ولی هر گاه پدر و مادر یا شوهر حسّاسیت خاصّی داشته باشند

رعایت آن خوب است.

صفحه ۱۷۳

مسأله ۵۹۷: در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را، جز صورت و دستها تا مچ، به هر وسیله ای که می تواند بپوشاند و لباس خاصّی شرط نیست; ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

سؤال ۵۹۸: آیا بر زنان و دختران لازم است پاهایشان تا مچ را نیز بپوشانند؟ یا آنچه اکنون در جامعه رواج پیدا کرده، که با پای بدون پوشش ظاهر می شوند، اشکالی ندارد؟

جواب : پوشیدن روی پا و کف پا بهتر است.

سؤال ۵۹۹: آیا پوشیدن جورابهای نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد، برای زنان جایز است؟

جواب : اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست; ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

سؤال ۶۰۰: اگر مدرسه ای ابلاغ کند که دختران به هنگام ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه حکمی دارد؟

جواب : پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

سؤال ۶۰۱: پوشیدن لباسهای مبتذل، یا لباسهای تنگ و مهیّج، یا مدلهائی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، بویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟

جواب : این گونه لباسها اشکال دارد و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفّت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

سؤال ۶۰۲: آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حجاب اسلامی حفظ نشود و برجستگی های اندام مشخّص باشد، اشکال دارد؟

جواب : در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است; ولی اگر لباس گشاد باشد اشکال ندارد.

صفحه ۱۷۴

سؤال ۶۰۳: پوشیدن مانتو چه حکمی دارد؟

آیا جزء لباسهای زینتی است؟

جواب : پوشیدن لباسهای زینتی اشکال دارد; ولی مانتوهای معمولی زینتی نیست و لباسی که تمام بدن جز صورت و کفّین را بپوشاند کافی است; هر چند چادر محفوظ تر و بهتر است.

سؤال ۶۰۴: منظور از لباس زینتی، که پوشیدن آن اشکال دارد، چیست؟

جواب : منظور لباسهایی است که در عرف مردم آن را لباس زینت می خوانند.

سؤال ۶۰۵: مقدار پوشش زنان مسلمان، در برابر زنان غیر مسلمان چیست؟

جواب : بهتر آن است که بدن خود را در برابر زنان غیر مسلمان برهنه نکنند; هر چند با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیّه حرام نیست.

سؤال ۶۰۶: گفته می شود که زن باید خود را از پسر بچّه ممیّز بپوشاند، بفرمایید ممیّز بودن پسر بچّه از چه راهی شناخته می شود؟

جواب : مستحبّ است خود را از چنین پسری بپوشاند، و منظور از ممیّز این است که از مسائل جنسی آگاه باشد.

سؤال ۶۰۷: شنیده شده است که حجاب بر زنان بزرگسال، که امید ازدواج آنها نمی رود، لازم نیست، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف: چنین زنانی چه مقدار از بدنشان را در مقابل نامحرم می توانند نپوشانند؟

جواب : می توانند سر و گردن و مقداری از دستها را نپوشانند; ولی پوشانیدن برای آنها نیز بهتر است.

ب: آیا این حکم اختصاص به زنان بیوه دارد، یا شامل زنان شوهردار، که در این سنّ و سال هستند، نیز می شود؟

جواب : این حکم شامل همه زنان در این سنّ و سال می شود.

ج: حکم مذکور مختصّ پوشش و نظر است، یا شامل لمس هم می شود؟

جواب : این حکم شامل لمس

نمی شود.

سؤال ۶۰۸: پوشیدن لباسهایی که فقط تنه را می پوشاند برای بانوان در مقابل

یکدیگر و در مکانهای ورزشی مخصوص بانوان، که هیچ مردی حضور ندارد، چه حکمی دارد؟

صفحه ۱۷۵

جواب : در فرض مسأله مانعی ندارد، مگر در مواردی که مفاسد خاصّی ظاهر گردد.

سؤال ۶۰۹: برخی از مادران، دختران خود را، که به سنّ بلوغ شرعی نرسیده اند، با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند، وظیفه چنین مادرانی چیست؟

جواب : بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیّت به مسائل اسلامی آشنا کنند.

سؤال ۶۱۰: آیا حجاب از ضروریّات دین است؟ منکر حجاب چه حکمی دارد؟ لطفاً توضیح دهید که منظور از «ضروری دین» چیست؟

جواب : آری حجاب از ضروریّات دین و برگرفته از قرآن مجید است و همه مذاهب اسلامی آن را قبول دارند و منظور از ضروری دین چیزی است که هر کس با مسلمین مقداری معاشرت داشته باشد، می فهمد مسلمانان به آن پایبند هستند.

سؤال ۶۱۱: فلسفه حجاب بانوان چیست؟ آیا حجاب با آزادی زنان در جامعه منافات ندارد؟

جواب : حجاب برای حفظ شخصیّت زن و جلوگیری از انحراف جوانان و گسترش فساد در جامعه اسلامی است و همانگونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است.

احکام لمس

سؤال ۶۱۲: تماسّ مرد با زن نامحرم درموقع پول دادن، یا مبادله شیء، و یا تماسّ بدنی در معابر، یا نشستن کنار زن نامحرم در وسیله نقلیّه، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر دستها در موقع پول دادن و مبادله اشیاء، با هم تماس پیدا کند

حرام

است; ولی تماسّ بـدنها از روی لباس در وسایل نقلیّه یا مکانهای پر ازدحام اشکالی ندارد; مگر این که مفسده خاصّـِی بر آن مترتّب شود.

سؤال ۶۱۳: بوسیدن و لمس کردن همجنس (مثل این که زنی، زن دیگری را ببوسد) اگر موجب لـذّت شود، یا مصـداق ریبه باشد، چه حکمی دارد؟

جواب : جایز نیست.

سؤال ۶۱۴: در منطقه مـا رسم بر این است که گـاه زن عمـو دست پسـر برادر شوهر خود را می گیرد و او را می بوسـد، یـا زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می کنند و دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست به هنگام بازگشت از سفر و ایّام عید شدیداً رایج و مرسوم است و هر چه تذکّر داده می شود نمی پذیرند، بلکه گاهی ناراحت می شوند، تکلیف ما چیست؟ اگر موجب قطع صله رحم شود چه حکمی دارد؟

جواب : این گونه کارها حرام و خلاف شـرع است و نتیجه ناآگاهی بعضـی از مردم می باشد. وظیفه شـما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر صله رحم بدون آن میسّر نیست، صله رحم را ترک کنید.

سؤال ۶۱۵: در محیـط هـای دانشـگاهی فرانسه، هنگـام برخورد با اساتیـد زن، یا دانشـجویان دختر، ناگزیر به مصافحه هستیم و گرنه حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می شود، در این صورت مصافحه با زنان غیر مسلمان چه صورت دارد؟

جواب : وظیفه شرعی شما دست ندادن است و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا مایه حمل بر اسائه ادب نشود.

سؤال ۶۱۶: دست

دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب : بهتر ترک این کار است; مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۶۱۷: آیا دست دادن با نامحرم از روی لباس اشکال دارد؟

جواب : تماسّ از روی لباس بدون قصد تلذّذ و ریبه اشکالی ندارد.

صفحه ۱۷۷

احکام نگاه و نظر

مسأله ۶۱۸: نگاه کردن مرد به بـدن زن نامحرم، خواه با قصـد لـذّت باشد یا بدون آن، حرام است و همچنین نگاه کردن زن به بـدن مرد نامحرم; ولی نگاه کردن به صورت و دسـتهای زن نامحرم تا مـچ، اگر به قصـد لذّت نباشد و مایه فساد و گناه نگردد اشـکال ندارد، همچنین نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی پوشانند، مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا و دست، اشکال ندارد.

مسأله ۶۱۹: نگـاه کردن به عورت دیگری حرام است; هر چنـد در آئینه یـا آب صـاف وماننـد آن باشـد، خواه محرم باشـد یا نامحرم، مرد باشـد یا زن، و احتیاط واجب آن است که به عورت بچّه ممیّز نگاه نکنـد; ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

سؤال ۶۲۰: هنگامی که با مادرم به حمام می رویم هیچ کدام شورت نمی پوشیم، آیا این کار برای ما اشکال دارد؟

جواب : جایز نیست.

مسأله ۶۲۱: نگاه کردن زن به بدن زن دیگر با قصد لذّت حرام است.

سؤال ۶۲۲: معمولاً خانمها در مجالس جشن و عروسـی لباسهای زیبا می پوشند و خود را آرایش می کنند، گاهی آرایش آنها بقدری غلیظ است که ما زنها هم از نگاه کردن به آن فرد لذّت می بریم، آیا نگاه کردن

در این صورت جایز است؟

جواب :در صورتی که نگاه هوس آلود بوده باشد جایز نیست.

سؤال ۶۲۳: در «رساله توضیح المسائل» و «استفتائات جدید» کلمه «تلذّذ» و «ریبه» زیاد به چشم می خورد; منظور از این دو کلمه چیست؟

جواب : منظور از «ریبه» ترس از افتادن در حرام و منظور از «تلذّذ» همان لذّت جنسی است.

سؤال ۶۲۴: در کلاسهای دانشگاه، هم اساتید مرد و هم اساتید زن، تدریس می کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

صفحه ۱۷۸

جواب : در صورتی که نگاه هوس آلود نباشد، در مورد وجه و کفّین اشکالی ندارد.

مسأله ۶۲۵: مرد و زنی که با هم محرمند (مانند خواهر و برادر) می توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند و در غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند.

سؤال ۶۲۶: با توجّه به آنچه در مسأله بالا آمده است، آیا خواهر و برادر، یا پسر و مادر، یا دختر و پدر، یا عمو و دختر برادر، و مانند آن، می توانند با همدیگر به حمام بروند (با توجّه به این که در حمام معمولا تمام بدن به جز عورتین برهنه است). مخصوصاً در مواردی که افراد مسنّ نیاز به همراه و مراقب دارند؟

جواب : تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نکنند.

مسأله ۶۲۷: عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، مگر این که ناچار باشد که به بدن او، غیر از صورت و دستها، نگاه کند.

مسأله ۶۲۸: در صورتی که زن مقیّد به حجاب شرعی باشد، نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد; مگر این که

او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.

سؤال ۶۲۹: دیدن عکس زنان بدون حجاب غیر مسلمان، بدون قصد لذّت چه حکمی دارد؟

جواب : چنانچه بدون قصد لذّت باشد و منشأ مفاسدی نگردد، اشکال ندارد.

سؤال ۶۳۰: آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را برای ظاهر کردن به عکّاس نامحرم داد؟

جواب : در صورتی که عکّاس صاحب آن عکس را نشناسد و منشأ مفاسد خاصّی نگردد مانعی ندارد.

سؤال ۶۳۱: زن و شوهری با هم عکس گرفته اند، ولی حجاب کامل و کافی نداشته اند، سپس از هم جدا شده اند، یا یکی از آنها فوت کرده است، آیا بعد از طلاق یا فوت یکی از آنها، دیگری می تواند به آن عکسها نگاه کند؟

جواب : در صورت وفات اشکال ندارد، ولی در صورت جدائی نگاه نکنند.

سؤال ۶۳۲: آیا خواهران مذهبی می توانند در عروسی ها و عقدها، که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار گیرند تا توسّط خواهران عکّاس، عکس آنها گرفته شود و عکس آنها را مردان نامحرم ظاهر کنند؟

جواب : عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکال ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

سؤال ۶۳۳: آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرّک است؟

جواب : آری مناظری که در تلویزیون دیده می شود حکم عکس متحرّک را دارد.

سؤال ۶۳۴: آیا دیدن سریالها و فیلمهای خارجی که بعضاً بطور نامناسبی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود و خانمهای بی حجاب در آن بازی می کنند، جایز است؟

جواب : نگاه کردن به فیلمهای

مبتذل، که موجب فساد خود انسان یا خانواده اش می شود، جایز نیست و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد; ولی برنامه هایی که موجب فساد نمی باشد جایز است.

سؤال ۶۳۵: گاهی تلویزیون، شناگران را با بدنهای عریان، یا فیلمهای خارجی، زنان را نیمه عریان نشان می دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

جواب : چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد جایز نیست.

سؤال ۶۳۶: دیدن فیلمهای ویدئویی که در آن زنها در برابر زنها و مردان در برابر مردان می رقصند چه حکمی دارد؟

جواب : مشاهده این فیلمها موجب فساد است و جایز نیست.

سؤال ۶۳۷: در مسأله ۲۰۹۱ رساله حضرتعالی آمده است که: «نگاه کردن مرد به زنی که می خواهد با او ازدواج کند، به منظور آگاه شدن از حُسن و عیب او جایز است» آیا برای زن نیز جایز است که به همین منظور به بدن مردی که به خواستگاری او آمده نگاه کند؟ محدوده این نگاه و شرایط آن چیست؟

جواب : آری برای زن هم جایز است و محدوده آن قسمتهائی از بدن است که مشاهده آن در انتخاب همسر تأثیر دارد. و این امور باید در مواردی باشد که بطور جدّی تصمیم بر ازدواج در فرض پسندیدن وجود دارد.

سؤال ۶۳۸: در مسأله ۲۰۹۳ توضیح المسائل جنابعالی، چاپ بیست و هشتم، چنین می خوانیم: «نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است» آیا حکم فوق اختصاص به مردان دارد؟

جواب : در این گونه مسائل فرقی میان زنان و مردان نیست.

سؤال ۶۳۹: نگاه کردن

به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذّت چه حکمی دارد؟

جواب : اگربه قصد لذّت نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۶۴۰: نگریستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می توان به مردانی که پیراهن آستین کوتاه می پوشند، نگاه کرد؟

جواب : هر گاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۴۱: زنان تا چند سالگی می توانند به بدن پسر بچّه ها نگاه کنند؟ نگاه به عورت بچه های کوچک تا چند سالگی برای مادران آنها، مخصوصاً در موارد ناچاری، مثل وقتی که می خواهند آنها را شستشو بدهند یا تطهیر کنند جایز است؟

جواب : آنها می توانند به قسمتهایی از بدن بچّه های غیر بالغ که معمولا پوشانیده نمی شود نگاه کنند. و نگاه به عورت بچّه غیر ممیّز اشکالی ندارد و مادران در موارد ضرورت می توانند آن را جهت شستشو یا غیر آن لمس کنند.

گفتگو

مسأله ۶۴۲: شنیدن صدای زن نامحرم، در صورتی که به قصد لذّت نباشد و سبب انجام گناه نشود اشکالی ندارد; ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که

هوس انگیز باشد.

صفحه ۱۸۱

سؤال ۶۴۳: شغل بعضی از خانمها ذکر توسّل به اهل بیت(علیهم السلام) است گاهی از اوقات که مشغول روضه خوانی در مجالس زنانه هستند، مرد یا بچّه هایی که خوب و بد را می فهمند وارد حیاط آن خانه می شوند و صدای این خانم را می شنوند، حکم این قبیل روضه خوانیها چیست؟

جواب : لازم است در موارد فوق، صدای خود را آهسته تر کند و یا بدون تکیه بر صوت بخواند.

سؤال ۶۴۴: اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد نامحرم می تواند

به آن گوش دهد؟ آیا در این مورد تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب : در صورتی که زن بطور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد; ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند، گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی کند.

سؤال ۶۴۵: شوخی کردن و خنده نمودن استاد زن در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر، به منظور رفع کسالت و خستگی و تجدید روحیه دانشجویان، چه حکمی دارد؟

جواب : رعایت آداب عفّت در کلاس درس واجب است.

سؤال ۶۴۶: آیا پاسخ دادن به سلام مرد نامحرم، مخصوصاً مردان جوان، لازم است؟

جواب : جواب سلام بصورت عادی و متعارف واجب است.

سؤال ۶۴۷: آیا بطور کلّی گفتگو با زن نامحرم جایز است؟

جواب : در صورتی که بطور عادی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۶۴۸: آیا خواهران دانشجو می توانند در مورد امور کلاس یا مسائل علمی در بین برادران دانشجو، کنفراس ارائه نمایند؟

جواب : هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد و مفسده خاصّی نداشته باشد

مانعی ندارد.

سؤال ۶۴۹: منزل ما در همسایگی یک دبیرستان دخترانه است، گاهی از اوقات مخصوصاً به هنگام مراسم صبحگاهی دانش آموزان، صدای آنها را در حال قرائت قرآن یا دعا و گاهی سرودهای دستجمعی می شنویم، حکم آن چیست؟

جواب : شما عمداً گوش ندهید، هر چند بدون اختیار به گوش شما برسد و لازم است به مسؤولین آنجا یادآور شوید که صدا را آهسته تر کنند.

سؤال ۶۵۰: گفتگو با مردان نامحرم با چه شرائطی جایز است؟

جواب : در حدود سخنان عادی، مشروط به این که منشأ فسادی نباشد، جایز است.

سؤال ۶۵۱: حدود شرعی ارتباط دختر و

پسری که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه میزانی است؟ چه مقدار گفتگو برای آنها جایز است؟

جواب : مرد و زنی که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می توانند به مقدار لازم در جلسه ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند و اگر در یک جلسه مقصود حاصل نشد، می توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند و سپس تصمیم بگیرند.

سؤال ۶۵۲: مکالمه تلفنی پسر و دختر و مراوده طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟ اگر این گونه امور مقدّمه ای برای تحقیق پیرامون ازدواج باشد چه صورت دارد؟

جواب : جایز نیست; مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد.

سؤال ۶۵۳: هنر پیشگی دختران و زنان در فیلم های تلویزیونی و سینمایی در کنار مردان نامحرم و به عنوان همسر صوری آنان چه حکمی دارد؟ آیا در هنگام اجرای نقش، مجاز به خنده و گفتگوی صمیمانه با یکدیگر هستند؟

جواب : صحبتهای معمولی و ایفاء این نقشها، اگر مفسده خاصّی بر آن مترتّب نشود و حجاب اسلامی رعایت گردد، اشکالی ندارد.

صفحه ۱۸۳

اختلاط زن و مرد

مسأله ۶۵۴: احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود، نمانند; حتّی اگر در آنجا نماز بخوانند نماز آنها اشکال دارد.

سؤال ۶۵۵: محدوده خلوت با اجنبیّه چیست؟ اگر شخصی مطمئن باشد که در خلوت با اجنبیّه به گناه نمی افتد، باز هم این کار اشکال دارد؟

جواب : اگر در مکانی هستند که معمولا هیچ کس رفت و آمد نمی کند، خلوت با اجنبیّه محسوب می شود و خلوت

با اجنبیّه، حتّی اگر فکر می کنند به حرام نمی افتند، اشکال دارد.

سؤال ۶۵۶: خانمی می خواهد به تحصیل خود ادامه دهد تا در آینده شغل مناسب و مشروعی انتخاب کند، ولی ادامه تحصیل او ملازم با این است که با نامحرمان روبه رو شود; مثل این که نزد نامحرم درس بخواند، یا با دانشجویان پسر در یک کلاس بنشیند، آیا ادامه تحصیل در چنین شرایطی جایز است؟

جواب : هرگاه توأم با امر حرامی - مانندِ خلوت با اجنبیّه و یا مفاسد دیگر نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۵۷: آیا شرکت دختران و بانوان همراه با مردان و پسران در ارگانهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، بنیاد شهید، سپاه پاسداران و مانند آن، و انجام امور محوّله و نشست با هم، که ناچار از تماسّ و برخورد با هم می باشند، مشروع است؟

جواب : در صورتی که جهات شرعی رعایت شود و منشأ فسادی نگردد، جایز است.

سؤال ۶۵۸: با توجّه به آنچه در مسأله ۴۹ از احکام النکاح جلد دوم عروه الوثقی آمده که اختلاط مردان و زنان مکروه شمرده شده است، آیا این کراهت در آن دسته از مناسک حج که بصورت مختلط انجام می شود نیز وجود دارد؟

جواب : در مورد مناسک حج، که سیره مسلمین همیشه بر آن جاری بوده، اشکالی نیست.

سؤال ۶۵۹: نظر حضر تعالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر، که در برخی مناطق بخاطر کمبود محلّ درس ناچار از آن هستند، چیست؟

جواب : در موارد ضرورت، با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی مانعی ندارد; ولی کوشش برای جدا سازی این مدارس باید ادامه یابد.

سؤال ۶۶۰: آیا برای نمایش صحنه

های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفّار بازی می کنند و همراه با مکالمات مهیّج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

جواب : بازی کردن در نقش کفّار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد; ولی مکالمات محرّک و شهوت انگیز جایز نیست.

سؤال ۶۶۱: گاهی دانشجوی پسری در بین عدّه ای دانشجوی دختر و یا بالعکس درس می خواند، با توجّه با این که اگر با این شرایط تحصیل را ادامه ندهد متضرّر می شود، آیا درس خواندن در فرض مسأله جایز است؟

جواب : اگر موجب کار حرامی نمی شود اشکالی ندارد; ولی سزاوار است که مسؤولین کشورهای اسلامی برنامه ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند.

مجلس عروسی

سؤال ۶۶۲: به نظر حضرتعالی جشن عروسی یک مسلمان چه ویژگیهایی دارد؟ به تعبیر دیگر، زوجین جوان مسلمان که قصد دارند جشن عروسی برپا کنند، به گونه ای که از یک سو مورد رضایت خداوند باشد و قدم اوّل زندگی مشترک را با معصیت آغاز نکنند و از سوی دیگر همراه با شادی و شور و شعف باشد و رضایت دعوت شدگان هم فراهم شود، باید چه کنند؟

جواب : باید از برنامه هایی استفاده کنند که آمیخته با خلاف شرع نباشد و این، امر ممکنی است و بسیاری از مؤمنین انجام می دهند.

صفحه ۱۸۵

سؤال ۶۶۳: طبق نظر برخی از مراجع تقلید، موسیقی در مجالس عروسی استثناء شده است، نظر حضر تعالی در این زمینه چیست؟ آیا مقلّدین شما (در صورتی که جواب منفی باشد) می توانند در این مسأله از آن مراجع تقلید کنند؟

جواب : بنا بر احتیاط واجب فرقی میان مجالس

عروسی و غیر عروسی نیست و با توجّه به این که ما در این مسأله احتیاط واجب داریم، مقلّدین ما می توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند.

سؤال ۶۶۴: آواز خوانی زنان و دختران بصورت انفرادی یا دستجمعی، در محفل خصوصی زنان، مخصوصاً مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر منظور از آواز، خوانندگیهای مناسب مجالس لهو و فساد باشد، جایز نیست.

سؤال ۶۶۵: آواز خواندن زن برای شوهرش چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که بدون آهنگهای مناسب لهو و فساد باشد اشکال ندارد.

سؤال ۶۶۶: زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال از داماد و عروس در خیابانها و در جمع نامحرمان ترانه های محلّی می خوانند، این عمل چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در این مجالس جایز است؟

جواب : خواندن این ترانه ها جایز نیست و شرکت در این گونه مجالس اشکال دارد.

سؤال ۶۶۷: برخی از خانمها معتقدند که نواختن آهنگ با سازهای بدون حلقه و نیز با ظروفی مانند قابلمه و سطل و مانند آن اشکال ندارد، آیا نواختن آهنگ با این وسائل در مجالس عروسی زنانه جایز است؟

جواب : هرگاه با این وسائل آهنگهایی مانند وسایل موسیقی نواخته شود جایز نیست; امّا اگر همانند آن آهنگها نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۸: خانمها در مجالس عروسی نسبت به سرو وضع و رخت و لباس خود صفحه ۱۸۶

حسّاسیّت خاصّی دارند، به گونه ای که اگر خانمی لباس گرانقیمتی را در یک جشن عروسی بپوشد، آن را در مجلس جشن دیگر نمی پوشد! حتّی برخی از خانمها به این مقدار نیز قناعت نکرده و در یک مجلس عروسی چند بار لباس عوض می کنند! این گونه

کارها چه حکمی دارد؟

جواب : این گونه کارها در شأن زنان با شخصیّت و با ایمان نیست.

سؤال ۶۶۹: آیا رقص در مجالس عروسی، مخصوصاً مجالس زنانه، جایز است؟

جواب : رقص منشأ فساد است و اشکال دارد، خواه رقص زن برای زن، یا مرد برای مرد و یا زنان برای مردان باشد; ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.

سؤال ۶۷۰: آیا جایز است زن در میان زنان برقصد؟ اگر جایز نیست، حکم نشستن زنان در تالارها و چنین مجالسی چگونه است؟

جواب : همانگونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیّه اشکال دارد و نباید در مجالس معصیت شرکت کرد.

سؤال ۶۷۱: آیا برای عروس جایز است که در مجلس عروسی زنانه، که هیچ مردی جز داماد حضور ندارد، فقط برای شوهرش برقصد; هر چند زنان دیگر هم تماشا کنند؟

جواب : رقص زن فقط برای شوهرش جایز است، نه در حضور زنان دیگر.

سؤال ۶۷۲: حکم کف زدن و دست افشانی و چوب بازی در مجالس عروسی چیست؟

جواب : کف زدن اشکالی ندارد، و چوب بازی نیز اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصّی بر آن مترتب شود; ولی رقص برای غیر شوهر اشکال دارد.

سؤال ۶۷۳: شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می داند در آن رعایت شؤونات اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) چه حکمی دارد؟

جواب : شرکت در مجالس گناه حرام است.

صفحه ۱۸۷

سؤال ۶۷۴: متأسّفانه غالب مجالس عروسی در زمان ما برای مؤمنین مشکل ساز شده است، به گونه ای که رفتن به مجلس عزا برای آنها،

خوشایندتر از رفتن به چنان مجالس شادی است! حال اگر شخصی مجبور باشد در مجلس عروسی، که آلوده به گناهانی همچون موسیقی حرام و رقص و مانند آن است شرکت کند و در اطاقی که این گناهان انجام می شود نرود، بلکه در اطاق مجاور که صدای ساز و آواز می آید باشد، آیا مرتکب گناه شده است؟ همچنین اگر در تالاری باشند که در یک قسمت موسیقی و رقص هست و او در قسمت دیگری است، ولی صدای موسیقی را می شنود، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر در محلّ جداگانه ای باشد که دو مجلس محسوب شود اشکالی ندارد; ولی عمداً به موسیقی حرام گوش ندهد، هر چند بی اختیار به گوشش برسد.

حضانت

سؤال ۶۷۵: زن بیوه ای، که یک پسر پنج ساله از شوهر مرحوم خود دارد، چند سال پس از فوت شوهرش ازدواج کرده است، پدر بزرگ این پسر می گوید: «من به عنوان ولیّ نمی گذارم نوه ام در خانه مرد بیگانه ای تربیت شود» و مادر پسر می گوید: «من به عنوان مادر، خود او را پرورش می دهم» حقّ حضانت این پسر بچّه با کیست؟

جواب : در مورد نگهداری بچّه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچّه بر جدّ او مقدّم است; حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال، حقّ با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

سؤال ۶۷۶: در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می شود و فرزند مشترکی دارند، فتوای مشهور فقهای شیعه این است که مادر در مورد دختر تا هفت سالگی و در مورد پسر تا

دو سالگی اولویّت در حضانت دارد و پس از آن، فرزند در حضانت پدر قرار می گیرد. از آنجا که مادّه ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده است، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده های جاری بر این اساس عمل می نمایند; ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

الف: تعلّق عاطفی فرزندان، اعمّ از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است و گرفتن پسر بچّه های دو تا هفت ساله از مادر، در موارد زیادی موجب اخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می شود.

ب: غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمّی می شوند و بیشتر به خاطر لجاجت، اصرار در گرفتن کودک دارند. و غالباً بعد از تحویل، کودک را به عمّه، یا مادربزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می سپارند و خود مباشرت در حضانت ندارند.

ج: به دلیل تعلّق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچّه سه یا چهار ساله از مادر، موجب عُسر و حرج بر مادر است، در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اعمال ولایت و نظارت کلّی، با بچّه های خود ارتباط دارد و فشاری بر وی وارد نمی شود.

د: نگران کننده ترین نکته این است که در خانواده ای که بیش از یک فرزند وجود دارد، بچّه ها با هم مأنوس و وابسته می باشند و جدا کردن بچّه های خردسال از یکدیگر و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می آورد.

از طرفی بر طبق فتاوای

برخی از فقها، از جمله مرحوم آیه اللّه العظمی خوئی(رحمه الله)اولویّت در حضانت تا سنّ هفت سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است و احادیثی، از جمله روایت ایّوب بن نوح(۱)، نیز دلالت بر این مسأله دارد. با توجّه به مطالب فوق نظر حضر تعالی در این مسأله چیست؟

جواب : در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می توان حضانت را به مادر سپرد.

سؤال ۶۷۷: همسرم چندین سال قبل، بنا به عللی، مرا طلاق داد و حضانت تنها

فرزندمان، که دختری خردسال بود، نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی، که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ نمودم، حال که دخترم به سنّ ازدواج رسیده، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که:

پاورقی

۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۱، حدیث ۶ و ۷.

اوّلا: در طول مدّتی که از هم جدا شده ایم، هیچ گونه کمکی از جانب شوهر سابقم برای دخترمان نرسیده است.

ثانیاً: چون دخترم در طول این مدّت پدرش را اصلا ندیده، شدیداً در برابر تقاضای پدرش امتناع می کند، با توجّه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف: آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

جواب : هرگاه دختر به سنّ بلوغ رسیده، نه پدر می تواند او را اجبار کند و نه مادر; بلکه نزد هر کدام دوست داشته باشد، می تواند زندگی کند.

ب: نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

جواب

: در صورتی که به میل خود نفقه او را داده اید، نمی توانید از پدر او چیزی بگیرید; ولی اگر پدر نفقه او را نمی داده و شما به این قصد نفقه او را داده اید که از او بگیرید، حقّ مطالبه دارید.

سؤال ۶۷۸: زنی است که شوهرش بر اثر تصادف از بین رفته و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیر هستند، این زن با میل و رضایت خود حقّ حضانت اولادش را به جدّ پدری بچّه ها واگذار کرده و کلّاً حقّ حضانت را از خود اسقاط نموده است; بعد از یک سال و اندی ادّعای رجوع به حقّ حضانت می کند، آیا حقّ رجوع دارد؟

جواب : بعد از واگذاری حقّ حضانت، حقّ بازگشت ندارد.

سؤال ۶۷۹: زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریّه، سرپرستی بدون نفقه و یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می گیرد; ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع میورزد، آیا دادگاه می تواند زوجه را به حضانت از فرزندان دختر الزام کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می شود؟

صفحه ۱۹۰

جواب : چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظّف شده باشد، دادگاه می تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

سؤال ۶۸۰: اگر کسی همسر منحرف خود را، که رابطه نا مشروع داشته و محکوم به حدّ شرعی شده، طلاق دهد و دختر سه ساله ای داشته باشد. آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلّقه منحرف می تواند حضانت آن دختر بچّه را بر عهده گیرد؟

جواب :

اگر خوف انحراف بچّه باشد، نباید بچّه را به چنان مادری سپرد.

مسائل متفرّقه ازدواج

سؤال ۶۸۱: آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

جواب : سنّ نُه سالگی سنّ تکلیف است و الزاماً سنّ ازدواج نیست. توضیح این که:

ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد و در صورتی که کارشناسان بطور خاص یابطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است.

به تعبیر دیگر، بلوغ به حسب ادّله شرع، چهار مرحله دارد.

بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن.

بلوغ به معنای آمادگی برای روزه، بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

بلوغ برای ازدواج، بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند و خطر افضاء و نقائص دیگری در کار نباشد.

صفحه ۱۹۱

بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد، جواب سؤال روشن شد.

سؤال ۶۸۲: حکم اسلام در مورد ختنه دختران چیست؟ و مراد از ختنه دختران چه می باشد؟

جواب : آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنّت در مورد ختنه دختران و زنان استفاده می شود، این امور است:

۱. ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتّفاق واجب نیست; ولی حکم به استحباب آن کرده اند.(۱)

۲. مشهور نزد علمای اهل سنّت نیز عدم وجوب است و «ابن

قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که نظر اکثر اهل علم عدم وجوب است.(۲)

۳. در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعدّدی در این زمینه دارد، از جمله در خبر ابو بصیر از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که فرمود: «امّا السنه فالختان علی الرجال و لیس علی النساء» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می کند؛(۳) در کتب حدیث عامّه، در مُسند احمد حنبل، نیز عدم وجوب آن در مورد زنان، از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل شده است.(۴)

۴. در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح این که در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است.

مسأله ۶۸۳: زنی که (نعوذ باللّه) از راه نامشروع باردار شده، جایز نیست بچّه اش را سقط کند و فرزند او حساب می شود، فقط ارث از او نمی برد.

مسأله ۶۸۴: هرگاه زن بگوید: «شوهر ندارم» می توان حرف او را قبول کرد، به شرط آن که متّهم نباشد، امّا اگر بگوید: «یائسه ام» قبول ادّعای او اشکال دارد.

پاورقی

۱. جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۶۲.

۲. مغنی ابن قدامه، جلد ۱، صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱.

۳. وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۶، باب ۵۶، ابواب احکام الاولاد.

۴. مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۷۵.

مسأله ۶۸۵: هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید: «آن زن شوهر داشته» ولی خود زن بگوید: «شوهر نداشته ام» و شرعاً هم ثابت نشود، باید حرف زن را قبول کرد، ولی اگر فرد مورد اعتمادی

تصدیق کند که شوهر داشته، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.

مسأله ۶۸۶: هرگاه زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عدّه وفات (به مقداری که در احکام طلاق گفته خواهد شد) نگه دارد، سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد، باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اوّل حلال است، ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد زن باید عدّه نگه دارد و احتیاط واجب آن است که شوهر دوم مهر او را مطابق آنچه با او قرار داده بپردازد و اگر مهرالمثل بیشتر است آن را بپردازد.

سؤال ۶۸۷: آیا مادر عروس می تواند شیر بها بگیرد؟

جواب : مادر در صورتی می تواند شیر بها بگیرد که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن نکاح قید شود.

سؤال ۶۸۸: اگر زنی به بهانه اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند و اطرافیان او، حتّی با تهمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به نزد شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

جواب : زن بدون دلیل نمی تواند نشوز اختیار کند و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

سؤال ۶۸۹: خانواده ام به علّت این که خواهر بزرگترم هنوز ازدواج نکرده، به خواستگاران من، که در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم، جواب منفی می دهند. آیا جایز است که بنده برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟ و اگر ازدواج کنم، آیا در حقّ او خیانت کرده ام؟

جواب : شما شرعاً و اخلاقاً می توانید ازدواج کنید و این

کار بی احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

صفحه ۱۹۳

سؤال ۶۹۰: بعضـی از دختران که در سنّ بالا (۳۰ تا ۳۵ سال) هسـتند، خود را از نظر ازدواج در محـدودیّتهایی قرار می دهند، مثلا می گویند: «فقط با سادات ازدواج می کنیم». آیا این کار در این شرایط سنّی جایز است؟

جواب : این گونه محدودیّتها به مصـلحت دختران نیست; حتّی اگر نذر کنند و آن نذر سـبب مشـکلاتی در زندگی آنها شود، آن نذر هم اعتباری ندارد.

سؤال ۶۹۱: بعضـی از مؤمنین نـذر می کننـد که دختران خود را فقط به سادات بدهنـد، بـدین جهت گاهی برخی از دختران تا سنّ سی سالگی، بلکه بالاتر، موفّق به ازدواج نمی شوند، آیا چنین عملی ظلم به دختران و خلاف شرع محسوب نمی شود؟ آیا از نظر شرعی پدر و مادر حق دارند چنین محدودیّتی برای دختر خود ایجاد کنند؟

جواب : پدر و مادر حق ندارند درباره دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیّتی از این نظر قائل شوند; حتّی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

احکام شیر دادن (رضاع)

شرایط شیر دادنی که سبب محرمیّت می شود

مسأله ۶۹۲: هر گاه زنی کودکی را شیر دهد، با نُه شرط سبب محرم شدن خواهد بود:

۱. شیر از ولادت باشد; بنابراین اگر پستان بدون تولّد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد، سبب محرمیّت نمی شود.

۲. بچّه از زن زنده شیر بخورد; پس اگر پستان زن مرده ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثر ندارد.

۳. شیر آن زن از حرام نباشد; بنابراین اگر شیر بچّه ای را که از زنا به دنیا

آمده به

بچّه ای بدهند، به کسی محرم نمی شود.

۴. شیر را از پستان بمکد؛ ولی احتیاط واجب آن است که اگر شیر را در گلوی بچّه بریزند، با آن زن و محارم او ازدواج نکنند.

۵. شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.

۶. شیر مربوط به یک شوهر باشد؛ بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل، شیری که مربوط به شوهر اوّل بوده، باقی بماند و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اوّل و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد، آن کودک به کسی محرم نمی شود، همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اوّل کودکی را بطور کامل شیر دهد و بعد از شیر مربوط به شوهر دوم کودک دیگری را شیر دهد، آن دو به یکدیگر محرم نمی شوند.

۷. کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکند، ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچّه محرم می شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

۸. کودک پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز، بطوری که در مسأله بعد خواهد آمد شیر کامل بخورد، یا آن مقدار به او شیر بدهند که بگویند: «از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است» و احتیاط مستحبّ آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد، کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به

او ننمایند.

۹. دو سال کودک تمام نشده باشد، بنابراین بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند به کسی محرم نمی شود، حتّی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی شود، ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچّه ای را شیر دهد احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.

صفحه ۱۹۵

مسأله ۶۹۳: همانطور که در مسأله سابق گفته شد، اگر کودکی یک شبانه روز شیر زنی را بخورد باعث محرمیّت می شود، ولی باید در بین یک شبانه روز غذا یا شیر زن دیگری را نخورد، مگر این که غذا بقدری کم باشد که به حساب نیاید، همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن، نباید شیرزن دیگری را بخورد، و در هر مرتبه باید بقدری بخورد که سیر شود و بنابر احتیاط دو دفعه بطور ناقص، نه دو دفعه حساب می شود و نه یک دفعه.

مسأله ۶۹۴: هر گاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچّه را شیر دهد همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند و نیز هر گاه کسی دارای چند همسر است، هر کدام از آنان بچّه ای را شیر کامل دهد، آن بچّه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می شوند.

مسأله ۶۹۵: هر گاه زنی از شیر

مربوط به یک شوهر، پسر و دختری را شیر کامل دهد، آنها به هم محرم می شوند، ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی شوند.

مسأله ۶۹۶: اگر زنی برادر کسی را شیر دهد به او محرم نمی شود، اگر چه احتیاط مستحبّ آن است که با او ازدواج نکند.

مسأله ۶۹۷: مرد نمی تواند با دو خواهر، اگر چه رضاعی باشند، ازدواج کند و اگر دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده اند، عقد اوّلی صحیح و دومی باطل است و اگر عقد در یک زمان بوده هر دو باطل است.

مسأله ۶۹۸: اگر زن از شیر مربوط به شوهر خود کسانی را که در زیر گفته می شود شیر دهد، شوهرش بر او حرام نمی شود; ولی بهتر است این کار را نکند:

۱. برادر و خواهر خودش.

۲. عمو، عمّه، دایی و خاله خودش.

۳. عموزاده و دایی زاده خودش.

۴. برادرزاده خودش.

۵. برادر شوهر، یا خواهر شوهر خودش.

۶. خواهر زاده خود، یا خواهرزاده شوهرش.

۷. عمو، عمّه، دایی و خاله شوهرش.

۸. نوه زن دیگر شوهرش.

آداب شیر دادن

مسأله ۶۹۹: هیچ کس برای شیر دادن فرزند بهتر از مادر و سزاوارتر از او نیست و بهتر است در برابر شیر دادن مزدی از شوهر خود نگیرد، ولی حق دارد بگیرد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می تواند بچّه را از او گرفته و به دایه دهد.

مسأله ۷۰۰: در روایات آمده است: «دایه ای را باید برای طفل انتخاب کرد که دارای عقل و ایمان و عفّت و صورت نیکو باشد و از گرفتن دایه کم عقل، یا غیر مؤمنه، یا بد صورت

و کج خلق، یا زنازاده خودداری شود و همچنین از انتخاب دایه ای که بچّه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنازاده است پرهیز شود»(۱).

مسائل متفرّقه شیر دادن

مسأله ۷۰۱: خوب است زنها هر بچّه ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش کنند به چه کسانی شیر داده اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند، مخصوصاً در این ایّام، که با وجود امکان استفاده از شیر خشک و امثال آن، کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچّه های دیگران وجود دارد.

مسأله ۷۰۲: کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می شوند مستحبّ است یکدیگر را احترام کنند، ولی حقوق خویشاوندی ندارند و از یکدیگر ارث نمی برند.

پاورقی

۱. علاقمندان به مشروح روایات فوق، می توانند آنها را در کتاب میزان الحکمه، باب ۱۵۱۲ و ۱۵۱۳ مطالعه فرمایند.

مسأله ۷۰۳: مستحبّ است در صورتی که ممکن باشد بچّه را دو سال تمام شیر بدهند; ولی بیش از دو سال حرام نمی باشد.

مسأله ۷۰۴: زن می تواند بدون اجازه شوهر هر بچّه دیگری را شیر دهد، به شرط آن که حقّ شوهر از بین نرود; ولی جایز نیست بچّه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن آن بچّه، نسبت به شوهر خود حرام شود.

مسأله ۷۰۵: هر گاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می تواند دختر شیر خواری را با اجازه ولیّ او به عقد موقّت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد، و بنابر احتیاط واجب باید مدّت عقد موقّت بقدری باشد که دختر به حدّ قابلیّت بهره گیری جنسی

برسد و چنین عقدی موافق مصلحت دختر نیز باشد.

مسأله ۷۰۶: شیر دادنی که علّت محرم شدن است، به دو چیز ثابت می شود:

اوّل: خبر دادن عدّه ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم: شهادت دو مرد عادل، یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد با یک زن هم اکتفا کند; ولی شاهدها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلا بگویند: «ما دیده ایم که فلان بچّه پانزده بار از پستان فلان زن شیر کامل با شرایطی که در مسأله ۶۹۲ گفته شده خورده است» و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

مسأله ۷۰۷: هر گاه ندانند، آیا کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده یا نه؟ محرم بودن ثابت نمی شود و باید یقین حاصل شود.

صفحه ۱۹۸

صفحه ۱۹۹

۱۹- احکام طلاق

مقدّمه

طلاق باید به عنوان آخرین راه چاره و در بن بست هایی که هیچ راه حلّ دیگری برای ادامه زندگی مشترک وجود ندارد مورد استفاده قرار گیرد.

اسلام، نه مانند بعضی از ادیان تحریف شده طلاق را کاملا ممنوع کرده و نه همانند برخی دیگر از ملّتها آن را بصورت بی قید و شرط اجازه داده است، بلکه از آن به عنوان یک حلال مبغوض، که تنها در زمان ناچاری استفاده می شود، یاد کرده است. همانند استفاده از گوشت مردار برای کسی که هیچ غذایی برای نجات خویشتن ندارد. بنابراین مسلمانان نباید براحتی بسراغ طلاق بروند. با توجّه به این مقدّمه کوتاه، به بخشی از احکام طلاق می پردازیم:

شرایط طلاق

مسأله ۷۰۸: زن باید هنگام طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و نی...شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و اگر در حال حیض و نفاس که پیش از این پاک بوده، با او نزدیکی نموده باشد بنابر احتیاط، طلاق کافی نیست; بلکه باید دوباره عادت شود و پاک گردد.

مسأله ۷۰۹: طلاق دادن در حال حیض، یا نفاس، در سه صورت صحیح است:

الف: شوهر بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

ب: زن باردار باشد.

ج: زن غایب باشد و مرد نتواند، یا برایش مشکل باشد، که پاک بودن زن را بفهمد.

مسأله ۷۱۰: هر گاه مرد بخواهد زنی که به واسطه بیماری یا غیر آن عادت ماهانه نمی بیند را طلاق دهد باید از زمانی که با او نزدیکی کرده، تا سه ماه از نزدیکی خودداری کند و بعد او را طلاق دهد.

مسأله ۷۱۱: شرائط فوق، مخصوص عقد دائم است و در

عقد موقّت نیست، بلکه هر زمان مدّت آن تمام شود، یا مرد باقیمانده مدّت را ببخشد، زن از قید همسری رها می شود.

طلاق بائن و رجعی

مسأله ۷۱۲: طلاق بر دو قسم است: «طلاق بائن» و «طلاق رجعی».

طلاق بائن آن است که مرد در آن حقّ رجوع به همسر خود را ندارد و این نوع طلاق بر پنج قسم است:

۱ طلاق زنی که نُه سالش تمام نشده است.

۲ طلاق زن یائسه، یعنی زنی که بیش از ۵۰ سال دارد.

۳ طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد، با او نزدیکی نکرده باشد.

۴ طلاق سوم زنی که او را سه بار طلاق داده اند.

۵ طلاق خلع و مبارات که شرح آن خواهد آمد.

و غیر اینها را طلاق رجعی گویند که تا وقتی زن درعدّه است مرد می تواند به او رجوع کند.

مسأله ۷۱۳: هر گاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد بر زن حرام است که برای کارهای غیر لازم از آن خانه ای که موقع طلاق در آن ساکن بوده بیرون رود.

صفحه ۲۰۱

سؤال ۷۱۴: زوجه ای در طلاق خلعی، مهریّه خویش را به زوج می بخشد و پس از طلاق در ایّام عدّه به بذل خود رجوع می کند، در این صورت زوج حق رجوع به زوجیّت دارد، امّا اگر زوج به زوجه رجوع نکرد، آیا مهریّه متعلّق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی، از قبیل نفقه زوجه و توارث و غیره، چیست؟

جواب : با رجوع زوجه به بذل در ایّام عدّه، طلاق رجعی می شود و احکام آن را دارد و مهر را باید به او بدهد.

سؤال ۷۱۵: آیا زن در زمان عدّه طلاق رجعی، به

جزء مسأله تمکین، تمام احکام زوجه را دارد؟ یعنی حقّ نفقه، لباس، منزل، مهریّه دارد و بایـد از شوهر اطاعت کنـد و از منزل خارج نشود؟

جواب : آری تمام احکام و حقوق زوجیّت، که در بالا ذکر شد، را دارد.

طلاق خُلع و مبارات

مسأله ۷۱۶: زنی که مایل نیست با شوهرش زنـدگی کنـد، و بیم آن می رود که ادامه همسـری آنها باعث گناه شود، می تواند مهر خود، یا مال دیگری را به او ببخشد که طلاقش دهد، این را «طلاق خُلع» گویند.

سؤال ۷۱۷: شوهرم موافقت کرد که مبلغی را بصورت اقساط به او بپردازم تا مرا طلاق خلع دهـد، پس از انجام طلاق مـذکور، در حالی که اقساط را می پرداختم، از طریق دادگاه اقـدام به گرفتن دختر دو ساله ام کردم. شوهرم بخاطر این مسأله می گوید: «چون تمام مبلغ را تاکنون نداده ای مطّلقه نیستی و طلاق به هم خورده است». آیا این سخن صحیح است؟

جواب : طلاق خُلع واقع شده و مرد نمی تواند برگردد; مگر این که زن برگردد.

سؤال ۷۱۸: اینجانب با بذل مهریّه ام از همسـرم طلاق خلعی گرفتم، سپس در زمان عدّه کتباً رجوع به بذل را به دفتردار محضر اعلام کردم. اکنـون متـوجّه شـده ام که دفتـردار، رجـوع به بـذل را به علّت فراموشـی ثبت ننمـوده است، حکـم رجـوع و بـذل چیست؟

صفحه ۲۰۲

جواب : چنانچه در عـدّه رجوع به بـذل خود کرده اید و به شوهر اطّلاع داده اید، حق دارید بذل خود را باز پس بگیرید و اگر خبر نداده اید و عدّه گذشته است کافی نیست و هر گاه دفتر دار متکفّل این کار شده و کوتاهی

کرده، ضامن می باشد.

سؤال ۷۱۹: طبق توافق زوجین، قرار شد زوجه علاوه بر مهریّه مبلغی نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد، ولی زوجه پس از اجرای طلاق از دادن مال مذکور امتناع میورزد، زوج به مجرّد امتناع زوجه از بذل مال، رجوع خویش را به اطّلاع زن می رساند، آیا در این فرض طلاق به هم می خورد؟

جواب : هر گاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند و امّا اگر صرفاً تعلّلی در پرداخت بوده باشد، زوج حقّ رجوع ندارد و ازدواج زن پس از عدّه جایز است و زوج می تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

سؤال ۷۲۰: زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است، آیا زوجه حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق مطالبه کند؟

جواب : حق ندارد.

سؤال ۷۲۱: خانمی که طلاق خلع داده شده بود، بدون رجوع به بذل، با رجوع شوهرش موافقت کرده است و مدّت زیادی عمل زناشوئی انجام داده اند. لطفاً بفرمائید:

الف: آیا عمل آنها صحیح است؟

جواب : تا زن رجوع به بذل نکند زوج حقّ رجوع ندارد; ولی می تواند با توافق طرفین عقد جدید بنماید.

ب: اعمال زناشوئی آنها دراین مدّت چه حکمی دارد؟ آیا این کار رجوع قهری محسوب نمی شود؟

جواب : چون جاهل به مسأله بوده اند زنا نیست، بلکه وطی به شُبهه است و رجوع قهری محسوب نمی شود; ولی از این به بعد اگر بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می شود.

صفحه ۲۰۳

سؤال ۷۲۲: آیا بذلی که در طلاق خلع

از سوی زوجه انجام می شود، نوعی هبه است؟ یا از لحاظ فقهی عنوان دیگری دارد؟

جواب : بذل زوجه نوعی هبه معوّضه است، ولی احکام مخصوص به خود را دارد.

سؤال ۷۲۳: طلاقی که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می شود، چه نوع طلاقی است؟ آیا قاضی دادگاه می تواند بدون رضایت زوج بذل را قبول کند و رأی به طلاق خلع بدهد؟

جواب : در مواردی که دادگاه به خاطر تخلّفاتی از سوی زوج حقّ طلاق دارد و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می شود، می تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف شوهر بپذیرد.

مسأله ۷۲۴: هر گاه زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مهر خود یا مال دیگری را به مرد ببخشد که او را طلاق دهد، آن را طلاق مبارات گویند.

مسأله ۷۲۵: زن می تواند در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد و اگر بر گردد شوهر می تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را همسر خود قرار دهد.

مسأله ۷۲۶: مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می گیرد نباید بیشتر از مهر باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که کمتر باشد; ولی در طلاق خلع هر مقدار باشد اشکالی ندارد.

عدّه طلاق

مسأله ۷۲۷: زنی که از شوهرش طلاق گرفته باید عدّه نگه دارد; مگر این که شوهر اصلا با او نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از نُه سالگی طلاقش دهد، یا زن یائسه باشد، یعنی پنجاه سال قمری از عمر او گذشته باشد; زن در این سه صورت بعد از طلاق می تواند بلافاصله شوهر کند.

صفحه ۲۰۴

سؤال ۷۲۸: اگر شخصی

زنی را برای خود عقـد دائم یا موقّت نماید و تمام تمتّعات (غیر از دخول) را ببرد و بعداً او را طلاق بدهد، یا مدّتش تمام شود، یا مدّتش را ببخشد، آیا در این صورت می تواند بدون رعایت عدّه طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟

جواب : چنین زنی عدّه ندارد و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

سؤال ۷۲۹: مردی، زن غیریائسه ای را به عقـد موقّت خویش در می آورد و قبل از اتمام مـدّت، باقیمانـده مدّت را می بخشد و سپس او را به عقد دائم خویش در می آورد، لطفاً بفرمائید: الف: آیا عدّه لازم است؟

جواب : عدّه لازم نیست; هر چند دخول حاصل شده باشد.

ب: در فرض بالاـ چنـانچه بعـد از عقـد دائم و قبـل از دخول زن را طلاـق دهـد، آیا در اینجا عـدّه لازم است؟ یا زن می تواند بدون رعایت عدّه بلافاصله با مرد دیگری ازدواج کند؟

جواب : چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند، باید باقیمانده عدّه عقد موقّت را نگه دارد.

مسأله ۷۳۰: مقدار عدّه در مورد زنانی که عادت می شوند احتیاط آن است که بقدری صبر کنند که دوبار حیض ببینند و پاک شوند، هنگامی که حیض سوم را دیدند عدّه آنها تمام است.

سؤال ۷۳۱: زن مطلّقه ای پس از طلاـق، یک یا دو بار عادت ماهانه دیـده و سـپس یائسه شـده است، آیا باقیمانـده عـدّه ساقط است؟

جواب : اگر یک بار عادت شده باید دو ماه دیگر عدّه نگه دارد و اگر دو بار عادت شده باید یک ماه دیگر عدّه نگه دارد.

مسأله ۷۳۲: زنی که عادت ماهانه نمی

بیند، اگر در سنّ زنانی باشد که عادت می بینند، چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق سه ماه عدّه نگه دارد و منظور از سه ماه آن است که اگر اوّل ماه است سه ماه تمام

هلالی و اگر روز دیگری از ماه است، مانند پنجم یا دهم، هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود عدّه او تمام است; مثلا اگر پنجم ماه رجب او را طلاق داده، پنجم ماه شوّال عدّه او تمام است.

صفحه ۲۰۵

سؤال ۷۳۳: هر گاه زنی به خاطر شیر دادن بچّه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

جواب : بعد از آخرین نزدیکی سه ماه صبر می کند و سپس صیغه طلاق جاری می شود، پس از آن عدّه سه ماه نگه می دارد.

سؤال ۷۳۴: عدّه زنان بدون رحم (زنی که رحمش را برداشته اند)، چقدراست؟

جواب : زنانی که رحم ندارند و طبعاً حائض نمی شوند و به سنّ یائسگی نرسیده اند باید سه ماه عدّه طلاق نگه دارند.

مسأله ۷۳۵: پایان عدّه زن باردار، متولّد شدن فرزند یا ساقط شدن آن است، حتّی اگر یک ساعت بعد از طلاق بچّه به دنیا آید عدّه او تمام می شود و می تواند شوهر کند.

مسأله ۷۳۶: عـدّه ازدواج موقّت بعد از تمام شدن مدّت، در صورتی که عادت ماهانه می بیند، به مقدار دو حیض کامل است و اگر عادت نمی بیند چهل و پنج روز تمام است.

سؤال ۷۳۷: اگر زنی به عقد موقّت مردی در آید و مطمئن باشد که از آمیزش با او حامله نشده است (مثلا مرد خواجه باشد، یا زن

رحم خود را خارج کرده باشد) آیا باید پس از پایان مدّت عقد موقّت، عدّه نگه دارد؟

جواب : اگر دخول حاصل شده، عدّه لازم است.

مسأله ۷۳۸: ابتدای شروع عدّه طلاق از موقعی است که صیغه طلاق خوانده می شود، خواه زن بداند یا نداند، حتّی اگر بعد از تمام شدن مدّت عدّه بفهمد او را طلاق داده اند، لازم نیست دوباره عدّه نگه دارد.

سؤال ۷۳۹: ابتدای عدّه وطی به شُبهه چه زمانی است؟

جواب : مبدأ عدّه وطی به شُبهه زمان حصول علم به وطی به شُبهه است.

سؤال ۷۴۰: در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در وطی به شُبهه مدّتی پس از وطی باشد، آیا در این صورت نیز نگاه داشتن عدّه لازم است؟

جواب : احتیاط نگه داشتن عدّه است.

سؤال ۷۴۱: زن مطلّقه ای پس از انقضاء عدّه، متعه می شود و پس از چندی با وساطت بزرگان فامیل قرار می شود با شوهر اوّل ازدواج کند، جریان را به همسر دوم می گوید، او بقیّه مدّت عقد موقّت را می بخشد و سپس زن را به عقد دائم خویش در می آورد و قبل از دخول او را طلاق می دهد و زن با این استدلال که طلاق قبل از دخول بوده و عدّه ندارد، بلافاصله به عقد شوهر اوّل در می آید. آیا این کار صحیح است؟

جواب : عدّه عقد سابق با این امور از بین نمی رود و تا عدّه پایان نیابد ازدواج مجدّد او صحیح نمی باشد و نمی تواند بدون عدّه به عقد کسی در آید.

سؤال ۷۴۲: دوشیزه ای برای جوانی در نظر گرفته می شود و جهت حفظ جهات

شرعی عقـد آنها خوانـده می شود، آنها در مواقعی از پشت آمیزش می کردنـد، متأسّـفانه پس از مـدّتی از هم جـدا می شوند، دختر بر اثر جهـل به مسـأله، بـدون رعایت عـدّه به عقـد دائم شـخص دیگری در می آیـد، حال پس از چنـد سال زنـدگی و با داشتن چند فرزند، مسأله را فهمیده است، حکم شرعی او چیست؟

جواب : احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله، بعد از عدّه مجدّداً صیغه عقد بخوانند و حرام ابدی نیست.

سؤال ۷۴۳: با توجّه به این که مدّت دو سال است اسـلام را پذیرفته ام و مدّت شش ماه است از شوهر زردشتی ام جدا شده ام، عدّه اینجانبه چگونه خواهد بود؟

جواب : چنانچه مدّت دو سال است اسـلام را پذیرفته اید از همان زمان قبول اسـلام، عدّه شـما شـروع شده و اگر شوهر شما از این امر با خبر بوده و در مـدّت عدّه شـما اسـلام نیاورده، عدّه شـما پایان یافته و از آن شوهر جدا شده اید و نیازی هم به طلاق نیست.

صفحه ۲۰۷

سؤال ۷۴۴: هرگاه زنی که از زنا باردار شـده با زانی یا غیر او ازدواج کنـد، آیا احتیاج به عـدّه دارد؟ اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد، آیا عدّه دارد؟ و در صورتی که عدّه دارد، آیا عدّه او أبعد الأجلین است، یا عدّه اقراء؟

جواب : زنی که حامل از زناست عدّه ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید و اگر او را طلاق داد عدّه او به اقراء یا سه ماه است و وضع حمل معیار نیست و امّا در مورد طُهر غیر

مواقعه چون این شرط در حامل ساقط است می تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی بیند سه ماه صبر می کند و ازدواج می نماید.

سؤال ۷۴۵: فلسفه عدّه زنان مطلّقه چیست؟ آیا زنان نازا و یا زنانی که رحم خود را برداشته اند از این قانون مستثنی هستند؟

جواب : مسأله عدّه زنان، فلسفه های متعدّدی دارد و منحصر به مسأله انعقاد فرزند نیست و لذا در تمام مواردی که شرع گفته است، زن باید عدّه نگهدارد؛ هر چند عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را برداشته باشد، یا فرضاً چند سال است از شوهر خود جدا زندگی می کند، در تمام این صورتها باید عدّه نگهدارد.

سؤال ۷۴۶: آیا زن، در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می تواند قبل از سپری شدن ایّام عادت اقدام به ازدواج کند؟

جواب : عدّه در واقع حریم زوجیّت است و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سالها از زن خود جدا زندگی کند، یا در مسافرت باشد، بعد از طلاق عدّه بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

سؤال ۷۴۷: امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونو گرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردارشده است یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدّت عدّه طلاق همان است که قبلا در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

صفحه ۲۰۸

جواب : همان گونه که قبلا اشاره شد عدّه تنها مربوط به مسأله بارداری نیست، بلکه در واقع حریم زوجیّت است؛ لذا

اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عدّه نگه دارد.

سؤال ۷۴۸: امروزه با استفاده از دارو (خوراکی تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشگیری پزشکی، بطور قطع می توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می کنند، لازم است عدّه نگه دارند؟

جواب : از جواب بالا معلوم شد.

عدّه زنی که شوهرش مرده

مسأله ۷۴۹: زنی که همسرش از دنیا رفته باید چهار ماه و ده روز عدّه نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقّت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، حتّی زن یائسه نیز باید عدّه وفات نگه دارد و اگر باردار است باید تا هنگام وضع حمل عدّه نگه دارد; ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز بعد از مرگ شوهر عدّه را ادامه دهد.

مسأله ۷۵۰: هرگاه زن یقین کند همسرش از دنیا رفته و عدّه وفات نگه دارد و بعداً شوهر کند، چنانکه معلوم شود شوهر او بعد مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و احتیاط واجب آن است که اگر باردار است به مقداری که در عدّه طلاق گفته شد برای شوهر دوم عدّه طلاق نگه دارد و بعد از آن برای شوهر اوّل چهار ماه و ده روز عدّه وفات نگه دارد و اگر باردار نیست برای شوهر اوّل عدّه وفات نگه دارد و بعد برای شوهر دوم عدّه طلاق.

مسأله ۷۵۱: ابتدای عدّه وفات، در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند، از موقعی است که زن

از مرگ شوهر با خبر می شود.

مسأله ۷۵۲: هرگاه زن بگوید: «عدّه من تمام شده» از او قبول می شود، به شرط آن که مورد اتّهام نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که مورد وثوق باشد.

سؤال ۷۵۳: هرگاه زنی از شوهر خود طلاق خلع گرفته باشد و شوهرش قبل از پایان یافتن عدّه طلاق از دنیا برود، آیا چنین زنی عدّه وفات نیز دارد؟

جواب : در این گونه موارد که طلاق، طلاق بائن است، عدّه وفات ندارد; هر چند احتیاط بهتر است.

سؤال ۷۵۴: شخصی زنی را در عدّه وفات عقد نموده و پس از پایان عدّه عروسی می کنند، در حالی که زوجین جاهل به حرمتِ ازدواجِ در عدّه بوده اند، لطفاً بفرمائید:

الف: آیا حرمت ابدی برای آنها ثابت است، یا فقط عقد باطل می باشد؟

ب: در صورتی که حرمت ابدی نباشد و بخواهند عقد جدید بخوانند، آیا برای همسر دوم عدّه لازم است؟

ج: آیا باید عدّه وفات را برای همسر اوّل به انجام برساند؟

جواب : عقد ازدواج باطل است، ولی حرمت ابدی نمی آورد و آن مرد می تواند مجدّداً با آن زن صیغه عقد را جاری کند، ولی اگر زن بخواهد با شخص سومی ازدواج کند، باید عدّه وطی به شبهه تمام شود.

ترک زینت در ایّام عدّه وفات

مسأله ۷۵۵: زن باید در مدّت عدّه وفات از پوشیدن لباسهای زینتی، کشیدن سرمه در چشم و کارهای دیگر، که زینت حساب می شود، خودداری کند.

سؤال ۷۵۶: زنی جوان (حدود ۳۰ ساله) همسرش را از دست داده است، بخاطر فوت شوهر بیشتر از متعارف ترک زینت می کند و حتّی باندازه معمول نظافت هم نمی کند و اگر کسی

به خواستگاری اش بیاید جواب منفی می دهد و می گوید: «با شوهر مرحومم عهد کرده ام که دیگر ازدواج نکنم و بین ما شرط شده که هر کس زودتر مُرد، دیگری ازدواج نکند» آیا این کارها صحیح و این شرط واجب الوفا می باشد؟

جواب : حِداد، به معنای ترک زینت در ایّام وفات، لازم است; ولی ترک زینت، به معنای ترک نظافت نیست و شرط مزبور اعتباری ندارد و سزاوار است زن بعد از گذشتن عدّه ازدواج کند.

صفحه ۲۱۰

سؤال ۷۵۷: امروزه بعضی از امور زینتی بسیار مرسوم و متداول گشته است، آیا انجام این گونه امور هم در عدّه وفات اشکال دارد؟

جواب : آری هر گونه زینت در این مدّت اشکال دارد.

مسائل متفرّقه طلاق

سؤال ۷۵۸: اگرزنی شرط کرده باشد که در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در طلاق داشته باشد، آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دیگری اختیار کند، باز هم همسراوّل وکیل در طلاق خواهد بود؟

جواب : ظاهر این است که این شرط، از چنین صورتی منصرف است; زیرا هدف از این شرط، این بوده که به همسر اوّل قناعت کند، حال اگر همسر اوّل با پشت پازدن به زندگی زناشوئی، مرد را در بلاتکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین آن شرط باقی نمی ماند، یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

سؤال ۷۵۹: این که گفته می شود: «زن با چادر سفید به خانه شوهر می آید و فقط باید با کفن از خانه او برود» آیا سخن درستی است؟ و آیا زن در هیچ شرایطی نباید به فکر طلاق باشد؟

جواب : منظور این است که زن و

همچنین مرد حتّی الامکان به سراغ تقاضای طلاق نروند; مگراین که ادامه زندگی آنها با هم واقعاً مشکلات مهمّی ایجاد کند.

سؤال ۷۶۰: وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست؟ نفقه او در این مدّت از کجا تأمین می شود؟

جواب : زنی که شوهرش مفقود شده است، چند حالت دارد:

الف: اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.

ب: اگر انفاق کننده ای از ولیّ یا غیر او باشد باید صبر کند; مگر این که عسر و

صفحه ۲۱۱

حرج شدید و ضرر مهمّی حاصل شود که حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

ج: در غیر این دو صورت، به حاکم شرع رجوع می کند و او به مدّت چهار سال از اطراف محلّ فقدان وی تحقیق می کند. اگر خبری نشد، نخست به ولیّ او پیشنهاد طلاق می دهد، اگر او طلاق نداد خودش طلاق می دهد، سپس عدّه وفات نگه می دارد (هر چند کفایت عدّه طلاق رجعی نیز قوی است، امّا احتیاط مهما امکن ترک نشود) و بعد شوهر می کند. اگر شوهر اوّل مادام که در عدّه است مراجعه کرد اولی است و اگر بعد از عدّه حتی قبل از ازدواج مجدّد شوهر اوّل بیاید طلاق نافذ است و تنها با رضایت طرفین و عقد جدید امکان بازگشت خواهد بود.

سؤال ۷۶۱: هر گاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد و حاضر به طلاق او هم نباشد، قاضی در چه صورت می تواند این زن را طلاق دهد؟

جواب : طلاق از سوی قاضی در صورتی جایز است که عدم امکان سازش در حدّی

باشد که منجر به عسر شدید و حرج أکید گردد و زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش باقی باشد، مجدّداً طلاق می دهد تا سومین مرتبه که طلاق بائن شود.

سؤال ۷۶۲: خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم، از نظر دائمی و موقّتی، ازدواج نموده است، آن مرد بعد از چهار سال زندگی و تولّد اوّلین فرزندشان، این خانم و بچّه را رها کرده و مفقود شده و جستجو نیز بی فایده بوده است، آیا این خانم می تواند مجدّداً ازدواج کند؟

جواب : باید به حاکم شرع مراجعه کند، هر گاه مأیوس از اطّلاع بر احوال او می باشد می تواند او را طلاق دهد تا بعد از چهار ماه و ده روز ازدواج کند و احتیاطاً حاکم شرع باقیمانده مدّت را (به فرض موقّت بودن عقد) نیز می بخشد و اگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد، حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می کند، هر گاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می کند.

سؤال ۷۶۳: هر گاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند، آیا طلاق

زوجه جایز است؟

جواب : حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد و اگر میسّر نشود به او تکلیف طلاق کند و اگر طلاق ندهد، شخصاً او را طلاق می دهد.

سؤال ۷۶۴: اگر زنی پس از طلاق از شوهر اوّل، با مرد دیگری ازدواج کند و به علّتی ازدواج دوم باطل باشد، آیا این زن می تواند پیش شوهر دوم بماند؟ چون

اگر شوهر دوم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایه آبروریزی آن مرد، یا آن زن، خواهد بود.

جواب : می تواند بماند، امّا نامحرم است و نباید روابط زن و شوهری میان آن دو باشد.

سؤال ۷۶۵: طلاق زنی که همسرش معتاد است و مدّتی است که مفقودالاثر شده و محکوم به اعدام نیز می باشد، چگونه است؟

جواب : چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدور نیست، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد; ولی اگر می تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

سؤال ۷۶۶: زنی به علّت این که شوهرش وی را مجبور به عدم رعایت حجاب اسلامی می کند و گاهی از او می خواهد که در جلوی میهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود، یا در خارج منزل با آرایش و بدون حجاب کامل اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

جواب : اگر این کار از طرف شوهر بصورت وسیع تکرار شود و زوجه را در تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۷۶۷: لطفاً در مورد اجرت المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر

پاسخ دهید:

۱ اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا زن استحقاق دریافت حقّ الزّحمه کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته،

دارد؟

۲ در صورتی که طلاق به درخواست زوجه نباشد چطور؟

جواب : زوجه در صورتی می تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که:

اوّلا: بگوید: «قصد تبرّع ندارم».

و ثانیاً: این کارها را شوهر از او بخواهد.

و در این مسأله تفاوتی نمی کند که طلاق به درخواست زوج باشد یا زوجه.

سؤال ۷۶۸: یکی از شروطی که در عقد نامه ها گنجانده شده این است: «در صورت طلاق، زن مالك نصف اموال شوهر می شود» آیا این شرط صحیح است؟ و در صورت صحّت، آیا زن علاوه بر این، مستحقّ دریافت حقّ الزّحمه کارهایی که بدون قصد تبرّع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً بر عهده وی نبوده، نیز می باشد؟

جواب : ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج است؛ ولی چون شرط مزبور آمیخته با ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

مسأله ۷۶۹: اگر زن در موقع عقد شرط کند که هر گاه شوهرش مثلا مسافرت نماید، یا معتاد به موادّ مخدّر گردد، یا خرجی او را ندهد، اختیار طلاق با او باشد این شرط باطل است، ولی هر گاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد، که هر گاه این کارها را انجام دهد خود را مطلّقه کند، این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

صفحه ۲۱۴

صفحه ۲۱۵

۲۰- احکام ارث زن

مقدّمه

قانون ارث چون ریشه فطری دارد، به أشکال گوناگون در میان ملل گذشته دیده می شود، که جای شرح آن در این مختصر نیست. امّا آنچه توجّه به آن لازم است، این که: اسلام قانون فطری و طبیعی ارث را از خرافاتی که به آن آمیخته شده

بود پـاک کرد و تبعیضات ظالمانه ای را که در میان زن و مرد از یک سو، و بزرگسال و کودک، از سوی دیگر قائل بودنـد از بین برد.(۱) قسمتی از احکام ارث بانوان به شرح زیر است:

مسأله ۷۷۰: هر گـاه مردی از دنیـا برود و فرزنـد نداشـته باشـد، یـک چهـارم اموالش را همسـر دائمی او می برد و بقیّه را ورثه دیگر، و هر گاه از آن زن، یا از زن دیگر فرزند داشته باشد، یک هشتم به زن او، و بقیّه به وارثان دیگر می رسد.

سؤال ۷۷۱: چگونگی ارث زن و شوهر را از همدیگر، در صورتی که وارث دیگری نباشد، بیان فرمائید.

جواب : هر گاه زوج یا زوجه از دنیا برود و وارث دیگری نباشـد، اگر زوجه از دنیا برود تمام مال از آنِ زوج است و اگر زوج از دنیـا برود یـک چهـارم مال، از آنِ زوجه و بقیّه به امام(علیه السـلام) تعلّق می گیرد. و در زمان ما بایـد به دست حاکم شـرع برسانند و اگر واقعاً آن زن نیازمند باشد، حاکم شرع می تواند همه یا قسمتی از آن را به او بازگرداند.

پاورقی

۱. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۸۶ به بعد، مطالعه فرمائید.

سؤال ۷۷۲: همسـر اوّل شخصـی به هنگام وضع حمل فوت می کنـد، سـپس فرزندش فوت می نماید، شوهر بعد از یک سال با دختری ازدواج می کنـد و بیست سال با هم زندگی می کنند، ولی صاحب فرزندی نمی شوند، اکنون شوهر فوت کرده است، ارث زن چگونه است؟

جواب : هر گاه شوهر در زمان مرگ هیچ فرزندی نداشته، یک چهارم

اموال او (غیر از زمین) به همسرش می رسد و بقیّه متعلّق به ورثه دیگر است.

مسأله ۷۷۳: زن از تمام اموال منقول شوهر ارث می برد، ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد، خواه زمین خانه باشد یا باغ، یا زمین زراعتی و مانند آن، و نیز از خود هوایی ساختمان ارث نمی برد، مثل بنا و درخت، امّا باید هوایی را قیمت کنند و از قیمت آن، سهم ارث او را بدهند.

سؤال ۷۷۴: آیا سرقفلی زمین و مغازه، قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می برد؟

جواب : سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد و همسر از آن ارث می برد، و با موافقت مالک، یا متولّی موقوفه، قابل فروش است.

سؤال ۷۷۵: آیا زن از آب قنات، یا چاه، ارث می برد؟

جواب : فقط از مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در قنات یا چاه موجود است ارث می برد.

سؤال ۷۷۶: آیا زوجه از پولی که عوض دیه خون شوهر گرفته اند، ارث می برد؟

جواب : آری از آن، مانند سایر اموال، ارث می برد.

سؤال ۷۷۷: زنی در زمان حیات شوهر مهریّه اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهر می تواند مطالبه کند؟ در صورتی که قابل مطالبه باشد، آیا در ردیف سایر بدهکاریهای میّت است، یا مقدّم بر آنها می باشد؟

صفحه ۲۱۷

جواب : مهریّه مانند سایر دیون و همردیف آنهاست و باید از اصل ترکه پرداخته شود.

مسأله ۷۷۸: هرگاه زن بخواهد در چیزی که از شوهر ارث نمی برد (مانند زمین و بنای خانه) تصرّف کند باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد، همچنین ورثه

دیگر تا سهم زن را از قیمت هوایی نداده اند (مانند بنای خانه) نباید بدون اجازه زن در آن تصرّف کنند و چنانچه پیش از دادن سهم زن، آنها را بفروشند، در صورتی که زن معامله را اجازه دهد صحیح وگرنه نسبت به سهم او باطل است.

مسأله ۷۷۹: اگر میّت بیش از یک زن داشته باشد، در صورت نداشتن فرزند چهار یک اموال او، و در صورت داشتن فرزند، هشت یک آن، به شرحی که در بالاـ گفته شد، بطور مساوی میان زنان او تقسیم می شود، خواه شوهر با آنها نزدیکی کرده باشد یا نه، امّا اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده، در صورتی از او ارث می برد که با او نزدیکی کرده باشد.

مسأله ۷۸۰: هرگاه زن را، به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی دهد و در بین عدّه بمیرد، شوهر از او ارث می برد، همچنین اگر شوهر در بین عدّه زن بمیرد از او ارث می برد، ولی هر گاه یکی از آنان در عدّه طلاق بائن بمیرد، دیگری از او ارث نمی برد.

مسأله ۷۸۱: هر گاه شوهر در حال بیماری، همسرش را طلاق دهد و پیش از گذشتن یک سال (قمری) از دنیا برود، زن با سه شرط از او ارث می برد:

اوّل: این که شوهر در همان مرض از دنیا برود.

دوم: این که زن بعد از طلاق و گذشتن عدّه شوهر نکند.

سوم: آن که طلاق به رضایت زن نباشد و اگر با رضایت او باشد، ارث بردنش مشکل است.

مسأله ۷۸۲: لباس و زینت آلات و مانند آنها،

که مرد برای همسرش می گیرد، مال

صفحه ۲۱۸

همسر اوست; مگر این که ثابت شود قصد تملیک نکرده، بلکه جنبه عاریتی داشته است.

سؤال ۷۸۳: آیا لباسهای مختلف و زیور آلات و امثال آن، که شوهر در حال حیات برای همسرش گرفته، متعلّق به زن است، یا مال شوهر می باشد و باید بین ورثه تقسیم شود؟

جواب : هر گاه عرف محل این باشد که لباسها و زیور آلات را به زن می بخشند، مال اوست و اگر عرف محل این است که آنها به عنوان امانت در نزد او می باشد و فقط در زمان حیات شوهر حقّ تصرّف دارد، میان همه ورثه تقسیم می شود; ولی معمولا به زن تملیک می شود.

سؤال ۷۸۴: چرا اسلام سهم الارث مردان را دو برابر سهم زنان قرار داده است؟

جواب : دلیل آن روشن است; زنان هنگامی که شوهر می کنند هزینه ای برای زندگی نمی پردازند و تمام هزینه آنها در اسلام بر دوش مردان است.

به تعبیر دیگر، مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد. ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی کنند و بعضی از مردان زن نمی گیرند، درباره آنها چطور؟

پاسخ آن نیز با توجّه به یک نکته معلوم می شود و آن این که قوانین الهی، (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است و افراد استثنایی معیار قوانین نیستند.(۱)

پاورقی

۱. شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۹۰، مطالعه فرمائید.

صفحه ۲۱۹

۲۱- احکام پزشکی

مقدّمه

یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران که

دستاورد خون هزاران شهید مظلوم است اقبال عمومی مردم به معارف و احکام دینی می باشد. جامعه پزشکی نیز بصورت فراگیر در صدد انطباق فعّالیّتهای خویش با احکام شرع مقدّس اسلام بر آمده و سؤالات فراوانی در این زمینه طرح کرده است; در اینجا به بخشی از آن، که مربوط به بانوان می شود، می پردازیم:

معاینات پزشکی

مسأله ۷۸۵: هر گاه پرستار یا طبیب ناچار باشد دست به عورت بیمار بزند باید دستکش یا مانند آن بپوشد; همچنین اگر طبیب و پرستار مرد ناچار باشد دست به بدن زن بزند، یا طبیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد; ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۶: لمس و تماسّ دست دانشجوی پسر، با دست زن بیمار موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه، در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است، در دو صورت ضرورت و عدم ضرورت، چه حکمی دارد؟

پیراهن بگیرد مقدّم است

جواب : تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی

صفحه ۲۲۰.

سؤال ۷۸۷: آیا معاینه و لمس مردان غیر بیمار برای دانشجویان پزشکی دختر، در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی، استخدام، سربازی و مانند آن، جایز است؟

جواب : در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

سؤال ۷۸۸: تزریق آمپول به بیمار زن، توسطّ مرد نامحرم، چگونه است؟

جواب : در غیر صورت ضرورت جایز نیست.

سؤال ۷۸۹: مراجعه بیمار زن به دکتر مرد، در صورتی که دکتر حاذق زن نباشد، یا وجود دارد، ولی دکتر حاذق مرد سهل الوصول تر است، چه حکمی دارد؟

و بطور کلّی در چه صورتی زن می تواند به دکتر مرد مراجعه کند، با توجّه به این که غالباً لمس لازم است؟

جواب : تنها در موارد ضرورت، یعنی عدم دسترسی به دکتر زن، جایز است.

سؤال ۷۹۰: اگر عروس از باب احتیاط، برای بررسی بکارت به دکتر زن و در صورت نبودن متخصّص زن، به متخصّص مرد مراجعه کند، آیا این کار با توجّه به لزوم لمس جایز است؟

جواب : هر گاه ترک این کار مظنّه مفاسد و اختلافات مهمّی بوده باشد جایز است و در این صورت باید حتّی الامکان از طبیب زن و اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت، مثلاـ با استفاده از لمس غیر مستقیم به وسیله دستکش و مانند آن، انجام گیرد.

سؤال ۷۹۱: لمس و نظر به بیماران غیر همجنس تا چه سنّی جایز است؟

جواب : مادامی که ممیّز نباشند، لمس و نظر جایز است و هنگامی که به حدّ تمییز رسیدند، نگاه کردن قبل از بلوغ، اگر مفسده خاصّی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۷۹۲: آیا مراجعه زن بیمار به پزشک مرد، در صورتی که بتواند پزشک زن

بیابد، جایز است؟ (با توجّه به این که معمولاـ پزشکان مرد، به دلیل سابقه زیادتر، از مهارت بیشتری برخوردار بوده و در امر طبابت از بانوان پزشک موفّق تر و حاذق تر هستند). ضمناً فرض سؤال در جائی است که از او معاینه جسمی به عمل می آید.

جواب : در صورتی جایز است که تفاوت آگاهی آن دو در حدّی باشد که بیم آن برود پزشک زن موفّق به معالجه نشود و بیماری ادامه یابد، یا تشدید شود، یا بهبودی به تأخیر

افتد.

سؤال ۷۹۳: در کارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعمّ از پزشکی و مامایی) به حدّ کفایت تربیت شده اند. آیا ضرورتی برای حضور مردان در بخشهای زایمان، که موجب نظر یا تماس با بدن زنان می شود، وجود دارد؟

جواب : در صورت وجود زنان لایق، حضور مردان در این موارد جایز نیست.

سؤال ۷۹۴: تشریح جسد مردان، برای دانشجویان پزشکی دختر، چه حکمی دارد؟

جواب : مادام که ضرورت قطعی نباشد جایز نیست.

سؤال ۷۹۵: در صورت وجود پزشک زن و مرد به تعداد کافی، آیا ملاک مراجعه بیماران، همجنس بودن پزشک است، یا حاذق بودن؟

جواب : در صورتی که در عدم مراجعه به حاذق تر، بیم خطر و ضرر باشد، باید حاذق تر را مقدّم بشمرد و اگر بیم ضرر و خطری نباشد، معیار همجنس بودن است؛ البتّه در مواردی که معاینات بدنی لازم است.

سؤال ۷۹۶: آیا می توان بیماران را به مراجعه به پزشک همجنس، حتّی با ادّعای اضطرار و مجوّز شرعی، ملزم کرد؟

جواب : در صورتی که بیمار خود را ناگزیر از مراجعه به غیر همجنس ببیند، مراجعه به غیر همجنس مجاز است.

سؤال ۷۹۷: بسیاری از احکام شرع در مسائل پزشکی مشروط به عدم لمس و نظر جنس مخالف شده است، آیا منظور از لمس، لمس مستقیم پوست با بدن بیمار است، یا حتّی در صورتی که دست پزشک با پوششهایی نظیر دستکش طبّی پوشیده شده باشد، نیز اشکال دارد؟

جواب : در صورتی که بدن مستقیماً تماس پیدا نکند، برای نیازهای پزشکی اشکالی ندارد.

سؤال ۷۹۸: دانشجویان دختر مجبور هستند که در کلاس تشریح به عورت میّت مرد نگاه کنند و گذراندن این کلاسها الزامی

است، حکم چنین نگاههایی چیست؟

جواب : تنهـا در صورت اجبـار و اضـطرار جـایز است، همچنین اگر این کـار انجـام نشود معلومـات طبّی آنها ناقص می شود و برای مداوای بیماران مشکلی ایجاد می شود، نگاه کردن جایز است.

سؤال ۷۹۹: نگاه به جسد غیر همجنس، مسلمان یا غیر مسـلمان، در مقام آموزش پزشـکی برای معاینه، کالبد شکافی، تشریح، پیوند و قطع اعضا چه حکمی دارد؟

جواب : تنها در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۸۰۰: نگاه کردن به عکسـهای عریان موجود در کتابهای پزشـکی، که آموزش آن برای دانشجویان دختر ضروری است، و در عین حال خوف وقوع در گناه می رود، چه حکمی دارد؟

جواب : بـدون قصـد لـذّت و ریبه اشـکالی ندارد و هر گاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود، تنها در موارد ضـرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

سؤال ۸۰۱: افعـال و مشـاغلی وجود دارد که مسـتلزم نظر و لمس بـدن غیر همجنس می باشـد، مثـل دنـدان پزشـکی، زایمـان، جرّاحی و مانند آن، در این گونه موارد تکلیف چیست؟ آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست؟ ملاک ضرورت چیست؟

جواب : این گونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است، و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است.

جلوگیری از انعقاد نطفه

سؤال ۸۰۲: جلو گیری از انعقاد نطفه، شرعاً چه حکمی دارد؟

صفحه۲۲۳

جواب : برای جلو گیری از انعقـاد نطفه هر وسـیله ای که بی ضـرر باشـد و بـاعث نقص مرد یا زن نشود (مثل این که مرد یا زن برای همیشـه از قـابلیّت تولیـد مثـل بیفتـد) مجـاز است; ولی اگر مسـتلزم نظر یـا لمس حرام باشـد جـایز نیست، مگر در مـوقع ضرورت; مثل این که به تشخیص

اهل خبره کنترل جمعیّت ضرورت داشته باشد.

سؤال ۸۰۳: خانمی برای جلوگیری از بارداری می خواهد دستگاه بگذارد و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه کند و دست بزند، با توجّه به این دو نکته غیر مجاز، و این که جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب : اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست و در صورت ضرورت (به تشخیص اطبّای مورد وثوق) جایز است.

سؤال ۸۰۴: آیا مرد می تواند به زن دائمی خود بگوید: «نباید بچّه دار شوی»؟

جواب : زن را نمی توان مجبور کرد که مثلا ـ لوله های خود را ببندد، حتّی نمی توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند; ولی مرد می تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقّتاً از انعقاد نطفه جلوگیری کند.

سؤال ۸۰۵: بستن لوله های «تخمک بر» در زنان (توبکتومی)، که اکثراً موجب عقیمی دائمی می گردد، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد.

سؤال ۸۰۶: کلاًّ بستن لوله های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماریهای مختلف چه حکمی دارد؟

جواب : هر گاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است (مشروط بر این که موجب لمس و نظر حرام نشود; ولی در موارد ضروری جایز است).

سؤال ۸۰۷: آیا استفاده از «i u d»، که اثر آن جلوگیری از لانه گزینی نطفه بسته شده است، جواز شرعی دارد؟

جواب : هر گاه موجب لمس و نظر حرام نشود مانعی ندارد; مگر این که ضرورت

فردی یا اجتماعی ایجاب کند.

صفحه

سؤال ۸۰۸: آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر اقدام به بستن لوله هایش بنماید؟

جواب : اگر ضرورتی نباشد جایز نیست.

سؤال ۸۰۹: در مواردی که حاصل حاملگی جنینهای دارای نقص در خلقت، یابیماری ژنتیکی است، آیا زن می توانـد با بسـتن لوله های خود از حاملگی بعدی جلوگیری کند؟

جواب : هر گاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه ای، هر چند نسبت به بچّه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۸۱۰: درصورتی که بستن لوله های زن یا مرد اجازه داده شود، حقّ تقدّم با کدام یک از آنها است؟

جواب : بعید نیست در شرایط مساوی مرد مقدّم باشد.

سؤال ۸۱۱: با توجّه به آنچه در منابع علمی پزشـکی معتبر آمـده، مادرانی که بیش از پنج زایمان داشـته اند و سنّ آنها بالاتر از ۳۵ سـال می باشـد، اگر حـامله شونـد در معرض خطرات جسـمی قرار دارنـد، آیـا چنین زنانی مجاز به بسـتن لوله های خویش هستند؟

جواب : چنانچه خطر قطعی، یا به احتمال قابل ملاحظه ای باشد، جایز است.

سؤال ۸۱۲: اگر دکترها به خانمی بگوینـد: «حاملگی برایت خطرهایی دارد» آیا زن می تواند لوله های رحم خود را ببندد، اگر چه مستلزم عقیم شدن دائم، یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این، از مصادیق اضطرار است؟

جواب : در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود مجاز هست.

سؤال ۸۱۳: بـا توجّه به مـادّه «۱۴ بنـد ب» و مادّه «۱۶ بنـد ه» کنوانسـیون «محو کلّیّه أشـکال تبعیض علیه زنان» که حقّ تصـمیم گیری در مورد تعـداد فرزنـدان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می کند، آیا زن بدون رضایت همسـرش می

تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟

صفحه ۲۲۵

جواب : این کار جایز نیست; مگر این که خطر قابل ملاحظه ای سلامت زن را تهدید کند.

سؤال ۸۱۴: آیا مصرف قرصهای ضد حاملگی، جهت پیشگیری از بارداری، بلامانع است؟

جواب : درصورتی که ضرر قابل ملاحظه ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۵: قرار دادن «نور پلانت» توسّط پزشک زن، که فقط سطح خارجی بازو رامشاهده می کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسّط طبیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می تواند اقدام به این کار کند؟

جواب : در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۸۱۶: درصورتی که پزشکان متخصّص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلان خطر کنند، (خطرات جانی، جسمی، و مشکلات احتمالی برای جنین)، آیا این مطلب برای تحقّق اضطرار کفایت می کند؟

جواب : هر گاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهّد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

سؤال ۸۱۷: بستن لوله های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانمها می شود و در شرایط ایده آل شانس برگشت، با عمل جرّاحی مجدّد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟

جواب : در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۸۱۸: زن و شوهری، هر دو، جهت جلوگیری از حاملگی اتّفاق نظر دارند، ولی در استفاده از روشها اختلاف نظر وجود دارد، نظر کدام یک مقدّم است؟ مثلا زن استفاده از قرصهای ضدّ حاملگی، که

مطمئن تر است، را پیشنهاد می کند و مرد، که معتقد به ضررهای جانبی قرصهای مذکور است، استفاده از کاندوم را بهتر می داند، تکلیف چیست؟

جواب : زن مجبور نیست روشی را که مرد می گوید بپذیرد.

سؤال ۸۱۹: جهت بستن لوله های رحم (tl)، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانمها به هنگام عمل، وجود ندارد و عمل از طریق شکم صورت می گیرد. آیا انجام عمل مذکور توسّط پزشک زن جایز است (با توجّه به این که لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می گیرد)؟

جواب : از نظر لمس و نظر اشکالی ندارد.

سؤال ۸۲۰: خانمی است که به علّت دیگری تحت عمل جرّاحی قرار گرفته و شکم بیمار باز شده است. با توجّه به باز بودن شکم، بستن لوله ها چه حکمی دارد؟ آیا باز مسأله لمس و نظر مطرح می شود؟ در صورتی که پزشک مرد مسؤول جرّاحی مشکل اوّلیّه بیمار باشد چطور؟

جواب : لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آن که احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

سؤال ۸۲۱: در صورتی که شکم زن بیمار توسّط دستیار زن باز شود، با توجّه به این که نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می گردد، آیا پزشک مرد می تواند با دستکش، به عمل بستن لوله ها بپردازد؟

جواب : تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۸۲۲:«i u d» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود و غالباً متخصّصین زن

مبادرت به این کار می نمایند; ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده اند. آیا پزشک مرد می تواند این کار را انجام دهد؟ در صورتی که این کار توسّط پزشک زن صورت گیرد، آیا مشاهده آن توسّط دانشجویان پزشکی پسر، به منظور یادگیری، اشکال دارد؟

صفحه ۲۲۷

جواب : این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نیست.

سؤال ۸۲۳: در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصّی، و عدم موفقیّت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله ها چه حکمی دارد؟ آیا از موارد اضطرار است؟

جواب : در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجّه مادر باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۴: جهت بستن لوله های رحمی (tl)، روش «لاپاراسکوپی» می تواند مورد استفاده قرار گیرد (یعنی با برشهای حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم این عمل انجام می شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

جواب : چنانچه این روش مانند سایر روشها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست; مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۲۵: در سؤال فوق، با توجّه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منفذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، و با توجّه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسّط خانمها، آیا پزشک مرد می تواند به این عمل اقدام کند؟

جواب : اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

سؤال ۸۲۶: فتوای مشهور فقها کراهت عزل (جلوگیری از

ریختن نطفه در رحم همسر) می باشد، با توجّه به این مسأله، به دو پرسش زیر پاسخ دهید:

اوّلا: آیا این فتوا شامل سایر راهها و طرق جلوگیری از انعقاد نطفه، که در زمان ما مرسوم است، نیز می شود؟

ثانیاً: آیا در عصر و زمان ما، که ضرورتهای فردی و اجتماعی کنترل جمعیّت را اقتضاء می کند، نیز کراهت وجود دارد؟

جواب : کراهت شامل تمام اسباب جلوگیری می شود، ولی ضرورتهای فردی و جمعی کراهت را بر طرف می سازد.

صفحه ۲۲۸

سؤال ۸۲۷: در کل، با توجّه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضر تعالی ارشاد و نظر خاصّی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمائید.

جواب : توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد و تنها مسائل کوتاه مدّت را در نظر نگیرند و به واقعیّت ها توجّه کنند; نه شعارها.

سقط جنین

سؤال ۸۲۸: آیا سقط جنین صورت مجازی دارد؟

جواب : در صورتی که یقین، یا خوف خطر، یا ضرر مهمّی برای مادر داشته باشد، در مراحل اولیّه جایز است.

سؤال ۸۲۹: سقط جنین کافر و مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب : واضح است که ساقط کردن جنین مسلمان جایز نیست; حتی اگر فرزند نامشروع باشد. و در مورد بچّه های کفّار نیز ساقط کردن مجاز نیست; حتّی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

سؤال ۸۳۰: آیا سقط جنین جایز است و اگر جایز باشد دیه دارد؟

جواب : در صورتی که از گفته متخصّصین یقین، یا خوف خطر، یا ضرر مهمّی حاصل شود اقدام به سقط جنین جایز است (البتّه مادامی که به صورت انسان کامل در نیامده

باشد) و چون احتمال تعلّق دیه می رود، احتیاط آن است که ورثه این کودک دیه را ببخشند.

سؤال ۸۳۱: آیا در موارد زیر، قبل از ولوج روح(۱) می توان سقط درمانی انجام داد:

الف: در بیماریهایی که می دانیم مسلّماً جنین پس از تولّد خواهد مرد.

ب: در بیماریهای ژنتیکی.

پاورقی

۱. ولوج روح زمانی است که بچّه در شکم مادر به حرکت در می آید، که معمولا در حدود چهار ماهگی است.

ج: در ناهنجاریهای نوزادان «مثل آنانسفالی».

جواب : سقط جنین در این موارد اشکال دارد، به خصوص این که پیش بینی هـای فوق جنبه قطعی نـدارد; ولی پس از ولوج روح جایز نیست.

سؤال ۸۳۲: سقط جنین غیر شیعه چگونه است؟

جواب : سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست; مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۳۳: آیا سقط جنین پس از ولوج روح، اگر علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، جایز است؟

جواب : در فرض مسأله که اگر مـادر به همان حال باقی بمانـد، هر دو می میرنـد، می توان با سـقط جنین، جان مادر را نجات داد.

سؤال ۸۳۴: اگر مادری برای سـقط بچّه اش کاری انجام ندهـد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم و تهیّه نکردن شـرایط حفظ جنین، باعث سقط بچّه شود، آیا کار حرامی کرده است؟

جواب : اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسؤول است.

سؤال ۸۳۵: زنی که در ماه هفتم حاملگی به سـر می برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جرّاحی فوری پیدا می کند، که لازمه اش بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی بچّه می میرد (یقین به فوت بچّه داریم) آیا لازم است مادر، جرّاحی و عمل

شود؟

جواب : اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جرّاحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۶: در فرض بالا، در صورتی که احتمال فوت بچّه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟

جواب : با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

سؤال ۸۳۷: دکترها به مادری دارویی داده اند که بخورد تا بچّه اش سالم بماند و سقط نشود، آیا زن می تواند به منظور سقط جنین دارو را استفاده نکند؟

جواب : جایز نیست.

سؤال ۸۳۸: در زن حامله ای که مبتلا به سرطان رحم شده است و درمان آن به اشعه درمانی نیاز دارد و این کار هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می شود، آیا می توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

جواب : اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید است و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنین کامل باشد و راه درمان نیز منحصر به این راه گردد، مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۹: اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید:

۱. در صورت سؤال والدین، آیا بر طبیب واجب است واقعیّت را به آنان اطّلاع دهد؟

۲. در صورت عدم سؤال آنان، آیا بر طبیب واجب است به آنان بگوید، تا آنان از تولّد چنین فرزندانی جلوگیری نمایند؟ اگر واجب نیست، آیا گفتنش حرام می باشد؟

۳. اگر طبیب احتمال دهد که آنان در صورت اطّلاع از این مطلب، هر بار که فرزند پیدا کنند اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طبیب چیست؟

جواب : ۱. واجب نیست مگر

این که در سرنوشت بیمار اثر مهمّی داشته باشد.

۲. در این گونه موارد اگر مسأله مهمّی است طبیب کتمان نکند.

۳. طبیب بایـد به وظیفه خود عمل کند و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسؤول نیست، منتهی طبیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.

سؤال ۸۴۰: خانمی دچار بیماری چشـمی گردیـده و اطبّاء نظر به عمل جرّاحی بطور اورژانسـی داده اند، امّا متأسّفانه این خانم دارای حمل سه ماهه می باشد که باید اوّل سقط جنین انجام دهد و بعد عمل جرّاحی چشم را به انجام برساند و اگر چشم خود را عمـل نکنـد کور می شود و همچنین ضـررهای زیـادی نسـبت به جنین وارد می گردد، در این صورت آیا سـقط جنین جایز است؟

جواب : در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۸۴۱: آیـا سـقط عمـدی جنینی که مطمئنّیم، یا احتمال می دهیم، معیوب و نارسا می باشـد، در هر ماهی از بارداری، اگر دیه لازمه هم پرداخت شود، مجاز است؟

جواب : هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقی ماندن جنین در آن حالت و سپس تولّد ناقص آن، باعث عُسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی نداردو احتیاطاً باید دیه را بدهند.

سؤال ۸۴۲: اگر طبیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می گردد، بفرمایید:

۱. آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد، تا مادر سالم بماند؟

۲. آیا می توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا

بچّه سالم بماند و مادر بمیرد؟

۳. اگر در باقی گـذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچّه در کار باشـد، تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامتی برای هر دو مساوی باشد)؟

جواب : ۱. چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد.

۲. هرگاه بچّه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد.

۳. اگر بـدانیم یک از آن آن دو قطعاً نجات پیـدا می کنـد، بایـد آنها را به حال خود گـذاشت تا یکی از آن دو بـدون دخالت انسان دیگری نجات یابد و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد می توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند.

سؤال ۸۴۳: در صورتی که پدر و مادر به اتّفاق هم (نعوذ باللّه) سبب سقط جنین شوند، دیه جنین به چه کسی می رسد؟

جواب : در صورتی که هر دو سبب شوند دیه به طبقه دوم از ورثه می رسد و اگر

طبقه دوم موجود نباشد، به طبقه سوم می رسد.

صفحه ۲۳۲

سؤال ۸۴۴: در مواردی که پزشک بایـد سـقط جنین کنـد، دیه لازمه باید توسّط چه کسـی پرداخت شود؟ آیا پزشک باید قبلا شرط کند که دیه بر عهده وی نیست و آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

جواب : احتیاط این است که طبیب با بیمار یا کسان او شـرط کنـد که دیه را خودشان بپردازند و الّا خودش باید عهده دار دیه شود (بنابر احتیاط).

تلقیح

مسأله ۸۴۵: جایز است نطفه مرد را با سرنگ یا وسائل دیگر در رحم همسر او وارد کنند، لکن

باید مقدّمات آن مشروع و حلال باشد و از مقدّمات حرام پرهیز شود.

مسأله ۸۴۶: هرگاه نطفه مرد را در رحم همسرش وارد کنند (خواه با استفاده از مقدّمات حلال باشد، یا نعوذ باللّه حرام) فرزندی که از او متولّد می شود حلال زاده است و متعلّق به آن مرد می باشد و تمام احکام فرزند (مانند ارث و نفقه و غیر آن) را دارد.

مسأله ۸۴۷: جایز نیست نطفه مرد بیگانه را در رحم زنی وارد کنند، خواه با اجازه آن زن باشد یا نه، و خواه شوهر داشته باشد یا نه، و خواه شوهرش اجازه بدهد یا نه، و هرگاه چنین کنند و بچّه ای از آن متولّد شود، اگر این عمل بطور شُبهه انجام شده، مثل این که گمان می کرد زن خود اوست و زن نیز گمان می کرد نطفه شوهر اوست و بعد از آن معلوم شد چنین نبوده است، در این صورت بچّه متعلّق به آن مرد و زن است و تمام احکام فرزند را دارد؛ ولی اگر این کار از روی علم و عمد انجام گیرد، بچّه ای که از آن متولّد می شود فرزند آنها حساب نمی شودو احکام ارث و مانند آن را ندارد، امّا اگر آن بچّه دختر باشد صاحب آن نطفه نمی تواند با او ازدواج کند و اگر پسر باشد با آن مادر نمی تواند ازدواج نماید و همچنین در مورد سایر مسائل مربوط به ازدواج.

صفحه ۲۳۳

سؤال ۸۴۸: منی مرد از نظر علمی تا ۷۲ ساعت بعد از مرگ وی دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از نطفه شوهر متوفّای خود نماید،

آیا اطبّاء مجاز به این کار هستند؟ حکم ولد چیست؟ لازم به ذکر است که بعضاً این عمل در خارج اعمال می گردد و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته باشد و زوج در همان اوایل ازدواج به دلیلی فوت کرده باشد.

جواب : اشکال دارد.

سؤال ۸۴۹: رحم بانویی، به هر علّت، قادر به نگاهداری جنین نیست و سقط می کند. با آمیزش نطفه وی و شوهرش در آزمایشگاه و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد و به اصطلاح «مادر جانشین» و یا «مادر قائم مقام» نامیده می شود بچّه رشد می کند و بموقع، متولّد می شود و برابر قرارداد، مزد معیّنی به مادر جانشین داده می شود تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این امر جایز می باشد؟

جواب : این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد; ولی مسائل جنبی حرامی، از قبیل لمس و نظر کردن، در آن موجود است. هر گاه به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد و ترکیب نماید و در رحم همسر دیگر (هر چند عقد موقّتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده و در غیر این صورت، برای مجاز بودن این محرّمات جنبی باید ضرورتی در کار باشد.

سؤال ۸۵۰: در مفروض سؤال قبل، اگر این عمل (چه جایز باشد و یا نه، به هر حال) انجام بگیرد، با وجود این که این کودک در رحم مادر جانشین بزرگ شده، امّادارای صفات ارثی زن اوّل می باشد. با توجّه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله، فرزند

به کدام یک از این دو زن تعلّق دارد؟ و وارث کدام یک از آنهاست؟

جواب : این فرزند متعلّق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است و از آنها ارث می برد و در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است; بلکه از آن، در بعضی جهات اولویّت دارد، چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است، بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند; امّا ارث نمی برد.

سؤال ۸۵۱: شوهری نطفه ندارد و همسرش سالم و نطفه دار است. آیا می توان نطفه مرد اجنبی را با نطفه این زن شوهردار مخلوط کرد و به رحم این زن تزریق نمود؟

جواب : جایز نیست.

سؤال ۸۵۲: مرد نطفه ندارد و از همسرش جدا شده است، اگر این زن به صیغه مردی در آید، و نطفه شوهر جدید و نطفه زن را ترکیب کنند، و زن بعد از پایان صیغه و عدّه به عقد شوهر اوّل در آید و بعداً آن نطفه را به داخل رحم زن تزریق کنند، دراین صورت پدر و مادر، ارث و محرمیّت به چه صورت است و حکم شرعی آن چیست؟

جواب : اگر ضرورتی ایجاب کند جایز است، ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلّق دارد.

سؤال ۸۵۳: آیا پیوند تخمدان زن اجنبی به زوجه برای باردار شدن جایز است؟ و در صورت جواز لطفاً بفرمائید:

الف دیه دارد؟

ب تخمدان را می توان فروخت؟

ج حکم اولاد زوجه چگونه است؟

د زن اجنبی حقّی مانند مادر بودن پیدا می کند؟

جواب : چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر

کنید و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می شود و فرزند مال خود اوست و در فرض فوق دیه ندارد و خرید و فروش آن جایز است، هر چند بهتر این است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد، نه در مقابل خود آن.

سؤال ۸۵۴: بعضی از مؤمنین و مؤمنات برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می کنند و از حیث نطفه نقایصی دارند، آیا می توان از نطفه هایی که در بانک نطفه نگهداری می شود، در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج و شرایط لقاح را فراهم و با دستگاه در رحم همسران آنها قرار داد؟

در صورتی که به طور کلّی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد، آیا می توان از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویّه موجود در بانک نطفه استفاده کرد؟ چنانچه در دو فرض فوق فرزندی به وجود آید، متعلّق به چه کسی خواهد بود؟

جواب : استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولّد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد، ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلّق به صاحبان نطفه است و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می باشد، بی آن که از او ارث ببرد.

سؤال ۸۵۵: آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحق دریافت نفقه، یا اُجره المثل تا زمان تولّد جنین، می باشد؟ آیا این کار، نوعی اجاره رحم تلقّی می گردد، یا مشمول عقد دیگری است؟

جواب : این موضوع تابع قرار داد است، و اگر قرار دادی ندارند

و جنبه رایگـان نداشـته، حقّ اجره المثـل دارد و عمـل مزبور نوعی اجـاره است، نه اجاره اعضاء، بلکه اجیر شـدن برای پرورش جنین.

مسائل دیگر پزشکی

سؤال ۸۵۶: دختری از کودکی لباس مردانه می پوشیده، اکنون که بزرگ شـده خود را مرد می دانـد و با اسـتفاده از داروهای شیمیـایی حـالت مردانه در خویش ایجاد کرده و با مراجعه به پزشک، در خواست تغییر جنسیّت نموده است، آیا این کار جایز است؟

جواب : تغییر جنسیّت اگر صوری باشد(۱) جایز نیست و اگر واقعی باشد (این امر

در افراد دو جنسی واقع می شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیّت واقعی جایز و گاه واجب است.

پاورقی

۱. تغییر جنسیّت دو صـورت دارد، گـاه صـرفاً ظـاهری و صـوری اسـت; یعنی اثری از آلـت جنس مخـالف در او نیسـت، فقط جرّاحی صوری در او انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهری می گردد، این کار جایز نمی باشد.

و گـاه واقعی است; یعنی بـا جرّاحی کردن، عضو تناسلی مخـالف ظـاهر می شود، این کـار ذاتـاً جایز است و محـذور شـرعی نـدارد، مخصوصـاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشـد، امّا چون این جرّاحی نیاز به نظر و لمس دارد، تنها در موارد ضرورت مجاز است.

سؤال ۸۵۷: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیّت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

جواب : اگر تغییر حقیقی باشد، زوجیّت بلافاصـله فسخ می شود و می توانند مجدّداً عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند; ولی احتیاط آن است که زمان عدّه بگذرد.

سؤال ۸۵۸: اهداء و انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان، و از مرد به زن، و

بالعکس، چه حکمی دارد

جواب : اشکالی ندارد; مگر این که بیم انتقال بیماری برود.

سؤال ۸۵۹: بعضی از خانم های حامله، که می توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کمتری تحمّل کنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب : اگر این کار جنبه عقلائی داشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۶۰: شبیه سازی تحت چه شرایطی جایز می باشد؟ توضیح این که از طریق موادّی از پوست خود زن، باعث ایجاد جنینی در او می شوند، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می باشد. این کار برای اوّلین بار در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است.(۱) آیا این عمل، نسبت به انسان جایز است؟

جواب : این عمل از نظر شرع خالی از اشکال نیست و مفاسد زیادی بر آن مترتّب می شود، به همین جهت حتّی افرادی که پایبند به شریعت و دینی نیستند، به خاطر مفاسد اجتماعی آن، به مخالفت با آن پرداخته اند.

پاورقی

۱. علاقمندان به موضوع فوق، مجلّه وزین مکتب اسلام، شماره ۵۰، سال ۳۷، مردادماه ۱۳۷۶، را مطالعه فرمایند.

صفحه ۲۳۷

سؤال ۸۶۱: آیا محافظت از جنین درون رحم واجب است؟ آیا بر مادر لازم است که تمام شرایط لازم جهت حفظ و سلامتی جنین را فراهم کند؟

جواب : تا آنجا که مایه عسر و حرج نشود لازم است.

سؤال ۸۶۲: زنان بیماری که از درد شدیداً رنج می برند، چنانچه به آنها مسکّن های قوی تزریق شود، دردشان تسکین خواهد یافت، ولی به احتمال قوی بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتیهایی از این قبیل خواهند شد، تکلیف طبیب نسبت به این گونه بیماران چیست؟

جواب : هر

گاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید درمیان عقلا قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد و اگر ضرر مهمّی است، که او را به خطر می اندازد جایز نیست و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد، بلکه برای جنین ضرر داشته باشد، حکم مسأله نیز همین است.

سؤال ۸۶۳: آیا ترمیم پرده بکارت دختران، که بعللی آسیب دیده، جایز می باشد؟

جواب : در صورتی که ضرورتی ایجاب کند اشکالی ندارد.

صفحه ۲۳۸

صفحه ۲۳۹

۲۲- مسائل متفرّقه

قسمت اول

منظور از مسائل متفرّقه در این فصل، آن دسته از مسائل فقهی مربوط به بانوان است که خارج از موضوع های بیست و یک فصل گذشته است; و از سوی دیگر، هر یک از موضوعات آن، بقدری نیست که خود یک فصل جداگانه تشکیل دهد. به این مسائل توجّه کنید:

سؤال ۸۶۴: شخصی آرایشگاه زنانه دارد، خانمی را آرایش می کند، آن خانم با آن وضع خاص در اجتماع رفت و آمد می نماید، با توجّه به این مطلب، پولی که آرایشگر دریافت می کند چه حکمی دارد؟

جواب : اگر آرایشگر زن باشد گناهی ندارد و آنچه را که دریافت می کند حلال است; لکن آن خانم، که خود را در معرض دید نامحرمان قرار می دهد، گناهکار است.

سؤال ۸۶۵: در مسأله ۱۷۷۴ توضیح المسائل فرموده اید: «پدر و فرزند می توانند به یکدیگر ربا بدهند»، آیا منظور از فرزند تنها پسر است، یا دختر را هم شامل می شود؟ آیا این حکم شامل مادر نیز می شود؟

جواب : فرقی میان پسر و دختر نیست; ولی این حکم شامل مادر نمی شود.

سؤال ۸۶۶: در بعضی از محلّه های شهر ما زنها یا دختر خانمها

در داخل کوچه (که محلّ عبور و مرور مردم می باشد) می نشینند و با هم صحبت می کنند، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که حجاب شرعی را مراعات نمایند و مزاحمت ایجاد نکنند، حرام نیست; ولی بهتر است این کار را ترک کنند.

سؤال ۸۶۷: دوختن لباس زنانه توسّط خیّاط مرد، چه حکمی دارد؟

جواب : در صورتی که مستلزم تماسّ بدنی و محرّمات دیگر نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۶۸: دوختن لباس مردانه توسّط خیّاط زن نامحرم، چه حکمی دارد؟

جواب : اشکالی ندارد، ولی اندازه گیری ها توسّط جنس موافق انجام شود.

سؤال ۸۶۹: آیا برای خانمها جایز است که عطر بزنند و از منزل خارج شوند؟

جواب : در روایات متعدّدی از این کار نهی شده(۱) و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

سؤال ۸۷۰: معمول است که بعضی از خانمها هنگام رفتن به مجالس عروسی و جشن، علاوه بر زینتهای نامرئی، خود را معطّر می کنند، با توجّه به این که خوشبو و معطّر بودن خود نوعی زینت و آرایش محسوب می شود و معمولاـ بوی آن را مرد نامحرم در بین راه احساس می کند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب : اشکال دارد و در خبر است که تا به منزل برگردد مورد لعن ملائکه است.(۲)

مسأله ۸۷۱: نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد، بی اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.

مسأله ۸۷۲: اگر زن در جایی که احتیاج به اجازه شوهر دارد با اجازه او نذر کند، شوهر بنابر احتیاط واجب نمی تواند نذر او را به هم بزند، یا از

عمل کردن به نذر او جلوگیری نماید.

پاورقی

۱. به وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ابواب مقدّمات النکاح، باب ۸۰، صفحه ۱۱۳، مراجعه کنید.

۲. به آدرسی که در پاورقی صفحه قبل ذکر شد مراجعه شود.

مسأله ۸۷۳: هر گاه شوهر از قسم خوردن زن مانع شود قسم او صحیح نیست، حتّی اگر زن بدون اجازه شوهر قسم یاد کند قسم او صحیح نمی باشد.

سؤال ۸۷۴: آیا هبه به زوجه، قابل بازگشت است؟

جواب : هبه به زوجه قابل بازگشت است; مگر این که زوجه از خویشاوندان نسبی باشد.

سؤال ۸۷۵: آیا زن حق دارد در رفتن به کشورهای غیر اسلامی با شوهرش مخالفت کند؟

جواب : اگر رفتن به آنجا، به دین و اعتقاد و اخلاقش ضرر می زند، مخالفت او جایز است.

سؤال ۸۷۶: پدرم با شوهرم اختلاف پیدا کرده و بدین جهت از من نیز ناراحت شده و گفته: «حق نداری به خانه من بیائی!» تکلیف من چیست؟ آیا می توانم بدون رضایت پدر، جهت دیدار با مادر و برادران و خواهرانم به خانه او بروم؟

جواب : آنها می توانند به دیدار شما بیایند، یا در محلّ دیگری ملاقات کنید; ولی در خانه ملکی پدر بدون اجازه او نمی توان رفت.

سؤال ۸۷۷: در بعضی از شهرها، مجالس زنانه به عنوان «ختم أنعام» برقرار می گردد، در این رابطه جزواتی نیز منتشر شده و در وسط آیه های سوره انعام اذکاری نیز خوانده می شود، همچنین یازده مرثیه می خوانند. نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب : درباره ختم أنعام به صورتی که معمول است روایت مستندی نیافتیم; هر چند در بعضی کتابها، اشاره ای به آن دیده می شود;(۱) ولی

جای شک نیست که تلاوت این سوره مبارکه و عمل به آن می تواند باعث حلّ مشکلات گردد و شایسته است به هنگام تلاوت سوره مطلقاً چیزی به آن نیفزایند و هنگامی که تلاوت سوره تمام شد به سراغ دعاها و مرثیه ها بروند.

پاورقی

۱. مرحوم علاّمه مجلسی درباره فضیلت ختم سوره انعام، در بحارالانوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۴۱، حدیث ۵۴، باب اعمال الاسبوع و ادعیتها و صلواتها، روایتی نقل کرده است.

صفحه ۲۴۲

سؤال ۸۷۸: رانندگی اتومبیل برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب : با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر، مانعی ندارد.

سؤال ۸۷۹: آیا بانوان می توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

جواب : اگر مستلزم گناهی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۸۰: حکم دوچرخه سواری و موتور سواری خواهران با مانتو در سطح شهر، با توجّه به آثار و تبعات سوء اجتماعی و اخلاقی آن، چیست؟

جواب : با توجّه به پیامدهای سوئی که این گونه امور دارد، لازم است از آن پرهیز شود و به وسوسه هایی که این و آن می کنند توجّه نکنند.

سؤال ۸۸۱: آیا زوجه را می توان به علّت عدم تمکین در امور زوجیّت تعزیر نمود؟

جواب : تعزیر به دست حاکم شرع است که پس از شکایت زوج مبنی بر عدم تمکین زوجه و ثبوت آن انجام می گیرد، زوجه نیز می تواند به حاکم شرع شکایت کرده و برای زوج در برابر خلافکاریهایش تقاضای مجازات کند.

سؤال ۸۸۲: زنی با آرایش زننده و حالت بدحجابی در معابر عمومی ظاهر شده و بدین جهت او را دستگیر کرده اند. آیا می توان به عنوان تعزیر سر او را تراشید؟

جواب : تراشیدن سر مطلقاً جزء تعزیرات نیست

و بایـد راه دیگری را برای تعزیر، مانند جریمه نقدی یا زندان یا مجازات بدنی، انتخاب کرد; ولی گاه در زندانها برای ملاحظه مسائل امنیّتی سر متّهمین را می تراشند و این مربوط به عناوین ثانویّه است.

سؤال ۸۸۳: بـا توجّه به این که زنـان طبیعتاً احساساتی تر هسـتند و زودتر تحت تأثیر وسوسه های شـیطانی قرار می گیرنـد، آیا کیفر خطاهایشان با مردان تفاوت می کند؟

صفحه ۲۴۳

جواب : در مسائـل تعزیرات مسؤولیّت هر کس در برابر اعمـالش رابطه ای با میزان تأثیر پـذیری از عوامل مختلف و میزان جرم او دارد.

سؤال ۸۸۴: شـنیده ایم که زن در خصوص قتـل عمـد شوهر خود و بـالعکس حقّ درخواست قصـاص نـدارد، آیا این مطلب در مورد مادر مقتول و سایر ورثه مؤنّث مقتول، به صرف مؤنّث بودن صدق می کند؟

جواب : این حکم در مورد زوجه است و شامل سایر زنان خویشاوند نمی شود.

سؤال ۸۸۵: در بحث قَسامه، آیا زن می تواند به تنهائی مدّعی قتل عمد باشد و اقامه قَسامه نماید؟

جواب : زن می تواند مدّعی باشد; ولی قسامه را باید از مردان انتخاب کنند.

سؤال ۸۸۶: اگر دیه زن به ثلث دیه کامله نرسـد، امّا مجموع دیه و ارش او به ثلث برسـد، آیا باز هم حاصل جمع دیه و ارش او نصف می شود؟ یا این که تنصیف تنها در صورتی است که دیه او به ثلث دیه کامله برسد؟

جـواب : تفـاوتی بیـن دیه و ارش در این مسـأله نیست و محاسـبه مجمـوع در صـورتی صـحیح است که هر دو مر بـوط به یک جنایت باشد.

قسمت دوم

سؤال ۸۸۷: متأسّفانه شوهرم به کوچکترین بهانه ای مرا به

باد کتک و ناسزا می گیرد، به گونه ای که گویا این کار را نشانه مردانگی می داند! در بیشتر اوقات بر اثر این کتکها، بدنم کبود، یا قرمز، یا سیاه می گردد و آثار آن تا چند روز باقی می ماند و گاهی هم بدنم زخم می شود. لطفاً بفرمائید:

الف: آیا این کارها از نظر شرعی جایز است؟

ب:آیا دیه ای به اینجانب تعلّق می گیرد؟

جواب : متأسّفانه عدّه ای از شوهرها گرفتار این گناه بزرگ و ظلم عظیم هستند و باید هر چه زودتر، انشاء اللّه، خود را اصلاح کنند و این کار، علاوه بر این که گناه

بزرگی محسوب می شود، دیه هم دارد و گاهی دیه آن سنگین است.

صفحه۲۴۴

سؤال ۸۸۸: چرا در اسلام دیه زنها نصف مردها می باشد؟

جواب : خون زن و مرد مؤمن هر دو محترم است; ولی با توجّه به این که دیه جبران خسارت مادّی است و پرواضح است که خسارت حاصله از فقدان مردان در خانواده غالباً بیشتر از خسارت حاصله از فقدان زنان است، شارع مقدّس دیه مردان را دو برابر قرار داده است.(۱)

سؤال ۸۸۹: زن یا دختری (نعوذ باللّه) به میل خود مرتکب عمل منافی عفّت می گردد و عمل زشت او در ملأ عام افشا می شود. به خاطر عمل ننگین خود، دست به خودکشی می زند. آیا دیه این زن، یا دختر، بر عهده زانی است؟

جواب : زانی مرتکب گناه بسیار بزرگی شده است; ولی دیه بر عهده او نیست.

سؤال ۸۹۰: برخی از معلّمان زن در ساعت کار و تدریس، به فعالیّت های جنبی دیگری، مثل بافتنی و خواندن روزنامه و مانند آن که

مربوط به تدریس نیست می پردازند، این امور در ساعت رسمی کار چه حکمی دارد؟

جواب : جایز نیست.

سؤال ۸۹۱: آیا از حدیث «خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لایراهن الرجال»(۲) که از حضرت فاطمه زهراء، سلام اللّه علیها، روایت شده، استحباب پوشانیدن چهره و عدم ورود در مسائل اجتماعی، به جزء مواردی که با اذن ولیّ فقیه زمان باشد، استفاده نمی شود؟

جواب : هنگامی که ضرورتهای سیاسی و اجتماعی ایجاب کند، زنان می توانند با حفظ جهات عفّت، وارد این صحنه ها شوند، همانگونه که از آن بانوی بزرگوار نیز نقل شده است.

پاورقی

۱. شرح بیشتر این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۶۱۱، مطالعه فرمائید.

۲. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۵۴.

صفحه ۲۴۵

سؤال ۸۹۲: آیا در صورت بی حجابی أرحام و خویشاوندان و عدم وجود شرایط نهی از منکر، باز هم صله رحم واجب است؟

جواب : در صورتی که سبب امضاء اعمال آنها نشود، باید صله رحم(۱) را به جا آورد و تا آنجا که ممکن است با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کرد.

سؤال ۸۹۳: کنوانسیون «محو کلّیه أشکال تبعیض علیه زنان» بزودی جهت بررسی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد گرفت، از آنجا که این معاهده بین المللی مشتمل بر موادّی است که از نظر فقهی مورد سؤال واقع شده، نظر مبارک خود را نسبت به موارد زیر بیان فرمائید:

الف: بر اساس مادّه اوّل این معاهده، باید هر گونه تمایز، استثناء و یا محدودیّت بر اساس جنسیّت، در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و یا هر زمینه دیگر لغو گردد.

با توجّه به این مادّه، تفاوت

زن و مرد در مواردی همچون میزان پوشش واجب بدن، نظر و لمس بدن جنس مخالف، دیه، قصاص، شهادت، ارث، طلاق، تعدّد همسران، امامت جماعت، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، حقّ حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عدّه برای ازدواج بعدی، مرجعیّت و قضاوت، تبعیض تلقّی می گردد و باید از میان برداشته شود! آیا تساوی زن و مرد در موارد مذکور، با احکام شرع مطابقت دارد؟

جواب : بی شک مساوات کامل، نه تنها مخالف ضرورت فقه شیعه، بلکه مخالف ضرورت اسلام و بر خلاف نصّ صریح قرآن و روایات متواتره است، و هیچ یک از علماء اسلام، نه در گذشته و نه در حال، اعتقاد به چنین مساواتی نداشته اند.

اصولا باید این معنی برای مجامع جهانی تبیین گردد که: «ملّتها نمی توانند با

فرهنگ و مذهب خود وداع کنند و چشم و گوش بسته تسلیم مقرّراتی شوند که نه در تصویب آن حضور داشته اند و نه از نظر وجدان و منطق قطعیّت دارد».

پاورقی

۱. صله رحم یعنی پیوند با خویشاوندان، که گاه با دیدار آنها حاصل می شود، و گاه با نامه، یا تلفن، یا دعوت از آنان، یا طرق دیگر، تحقّق می یابد. و خویشاوندان خیلی دور را شامل نمی شود. و مادام که محذور و مانع شرعی و عرفی در کار نباشد نباید قطع گردد.

البتّه ممکن است در بعضی از موارد جزئی، گفتگویی در میان علمای اسلام باشد، امّا مساوات کامل، به صورتی که گفته شد، هیچ موافقی ندارد.

ب: با توجّه به این که مادّه نهم و بند چهارم از مادّه پانزدهم در مورد کسب، تردّد،

تغيير و يا حفظ تابعيّت خود و فرزنـدان، زن و مرد را مساوى مى دانـد، آيا زن بـدون موافقت همسـرش مى تواند به تابعيّت هر كشورى در آيد و يا در هر شهرى سكنى گزيند؟

جواب :اين، يكى از مواردى است كه در بالاـ به آن اشـاره شـد و بـا احكام و فرهنگ اسـلامى سازگار نيست، به علاوه بـدون شك سرچشـمه مفاسـد زيادى در جوامع انسانى مى شود كه نمونه هاى آن را در همان كشورهاى صـنعتى مشاهده مى كنيم و آمارها در مورد متلاشى شدن خانواده ها شاهد گويايى بر اين مطلب است.

آرى اگر زن تابعيّت كشور مورد نظرش را بپذيرد، ولى عملا محلّ سكونت را با رضايت زوج انتخاب كند اشكالى ندارد.

سؤال ٨٩۴: آرايش براى خانمها در ماه مبارك رمضان، ماه محرّم و صـفر و روزهاى شهادت و وفات معصومين(عليهم السلام) چه حكمى دارد؟

جواب : حرام نيست; ولى سزاوار است در ايّام وفات رعايت احترام را بنمايند.

سؤال ٨٩۵: مرسوم است كه خانمها در دو ماه عزادارى سـرور و سالار شـهيدان، ماه محرّم و صفر، صورت خود را اصلاح نمى كنند، آيا اين كار شرعاً ايراد دارد؟

جواب : اين كار اشكالى ندارد، ولى اصلاح كردن هم مانعى ندارد، البتّه سزاوار است در روزهاى قتل از اين كار پرهيز كنند.

سؤال ٨٩۶: برخى از زنان و دختران اعتقاد زيادى به انواع فال، از جمله فال قهوه و نيز كف بينى و طالع بينى دارند، به گونه اى كه گاهى مسير زندگى خود را بر آن

صفحه ٢۴٧

اساس پى ريزى مى كنند! اين كار براى اين خانمها و انجام دهندگان آن چه حكمى دارد؟

جواب : فال قهوه و امثال

آن از خرافات است و سزاوار نیست که هیچ کس به سراغ آن برود.

سؤال ۸۹۷: متأسّفانه کم نیستند زنانی که به کوچکترین بهانه ای با دیگران قهر می کنند و گاهی سالها آن را ادامه می دهند و حاضر به آشتی نیستند و افعال ناپسند آنها در پاره ای از اوقات بر روابط شوهر و فرزندان، بلکه کلّ فامیل اثر نامطلوب می گذارد، کار این گروه از زنان چه حکمی دارد؟

جواب : قهر کردن بطور کلّی از نظر اسلام کار بسیار نامطلوبی است; مخصوصاً اگر برای بهانه های کوچکی باشد. و در روایتی از پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)آمده است: «اگر دو نفر مسلمان از هم قهر کنند و سه روز به طول بیانجامد و با هم آشتی نکنند، از اسلام خارج می شوند... و هر کدام پیشقدم در آشتی شود در روز قیامت زودتر از دیگری وارد بهشت می شود!».(۱)

سؤال ۸۹۸: بلند کردن ناخن برای خانمها چه حکمی دارد؟ اگر بیش از حدّ متعارف بلند باشد، به گونه ای که زحمت زیادی برای محافظت از آن لازم باشد چطور؟

جواب : بلند کردن ناخن در حدّ معقول اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۹: نظر شما در مورد ورزش بانوان چیست؟ کدام یک از رشته های ورزشی را، در تحت چه شرایطی، برای خانمها مجاز می دانید؟

جواب : ورزش برای همه، و از جمله بانوان، کار خوبی است و مایه سلامت جسم و جان است; ولی خانمها باید در ورزشگاههای مخصوص خود به ورزش بپردازند; آن هم ورزشهایی که در آن بیم خطری برای آنها نباشد.

سؤال ۹۰۰: گاهی از اوقات به هنگام پختن غذاهای گوشتی، علیرغم دقّت زیادی

پاورقی

۱. وسائل

الشیعه، جلد ۸، ابواب احکام العشره، باب ۱۴۴. روایات تکان دهنده دیگری نیز در این باب آمده است.

صفحه ۲۴۸

که در شستشوی گوشت آن می نمایم، لکّه هایی از خون بر روی گوشت ملاحظه می کنم، لطفاً بفرمائید:

الف: آیا این خونها نجس و خوردن چنین غذایی حرام است؟

ب: در صورتی که جواب مثبت است، آیا لازم است که این موضوع را به شوهر و فرزندان و احیاناً میهمانها، اطّلاع دهم، یا همین که خودم اجتناب کنم کافی است؟

جواب : این خونها نجس نیست و اگر جدا کردن آن از گوشت زحمت و مشقّت دارد، یا به هنگام پخته شدن مستهلک می شود، خوردن آن نیز مانعی ندارد.

وَ آخِرُ دَعْوانا اَنِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ

پایان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹